

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: احمد محبی

مدیر داخلی: حامد رضایی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمدعلی بیدختی
۵. دکتر هادی پورشافعی
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
۷. دکتر مفید شاطری
۸. دکتر حبیب اله عباسی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی

مترجم و ویراستار انگلیسی: حمیده محمدی

چاپ: مهرنگ

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراستار ادبی: سیدنورالله نصراللهی

امور فنی: انتشارات فکربرکر

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

آدرس: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|------------------------------|---|
| ۱. دکتر محمدباقر آخوندی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۲. دکتر محمد اسکندری ثانی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۳. دکتر بی بی اقدس اصغری | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد |
| ۴. دکتر محمدعلی بیدختی | استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند |
| ۵. دکتر هادی پورشافعی | دانشیار دانشگاه بیرجند |
| ۶. دکتر محمدحسن شربتیان | مربی دانشگاه پیام نور |
| ۷. دکتر حسین شکوهی فرد | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۸. دکتر سمانه سادات طباطبایی | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند |
| ۹. دکتر علی عسگری | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۱۰. دکتر کلثوم قربانی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۱۱. غلامحسین نارمنجی | مربی پردیس شهید باهنر دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی |
| ۱۲. سیدنورالله نصراللهی | مربی دانشگاه بیرجند |
| ۱۳. دکتر حامد نوروزی | استادیار دانشگاه بیرجند |
| ۱۴. دکتر محمدجواد هاشم زاده | دانشیار دانشگاه بیرجند |



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.
۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.
۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.
۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.
۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.
۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).
۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه سرمایه روان شناختی با جامعه پذیری سازمانی
کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

رضا ساجدی قوچانی، بهرنگ اسماعیلی شاد ۷

مطالعه وضعیت فرایند بازاریابی در کتابخانه های دانشگاهی شهر بیرجند

مریم سلامی، مریم خدابخشی ۲۳

بررسی وضعیت کیفیت تدریس مدرسان در نظام آموزش عالی: ضرورت توجه به تدریس
تعاملی (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه جامع علمی - کاربردی خراسان
جنوبی)

افسانه عبدلی، هادی پورشافعی، فاطمه زین الدینی میمند ۴۷

ابوبکر قهستانی؛ دولتمرد و ادیب دربار غزنه

محمد رضا عزیزی، فاطمه فنودی، سید مهدی رحیمی ۷۷

تأثیر نهاد وقف در پایداری حسینیه های عصر قاجار بیرجند؛ مطالعه موردی: حسینیه بی بی عروس
مرضیه فاریابی، حسن هاشمی زرج آباد، مفید شاطری، علی زارعی ۹۹

رابطه تصور از پایگاه اجتماعی معلمان در افکار عمومی با سبک زندگی آنان؛ مطالعه موردی:
دوره های مختلف تحصیلی آموزش و پرورش خراسان جنوبی

غلامعلی مرادی، علی اصغر محمدی، سیدعلی هاشمیان فر ۱۱۹



نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۳۰

رضا ساجدی قوچانی^۱

بهرنگ اسماعیلی شاد^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری سازمانی و سرمایه اجتماعی می‌باشد. روش پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان به تعداد ۱۵۰ نفر می‌باشد که حجم نمونه به تعداد ۱۰۹ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز (۲۰۰۷)، پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) و پرسش‌نامه جامعه‌پذیری سازمانی تائورمینا (۱۹۹۴) می‌باشد. پرسش‌نامه‌ها استاندارد بوده و روایی پرسش‌نامه‌ها از نوع صوری و محتوایی می‌باشد. پایایی پرسش‌نامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۱ و ۰/۷۰ برآورد شد. جهت آزمون فرضیات از نرم افزارهای Amos و Spss استفاده گردید. یافته‌های حاصل از آزمون معادلات ساختاری نشان داد که بین سرمایه روان‌شناختی و ابعاد آن با جامعه‌پذیری سازمانی با تأکید بر نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، رابطه معناداری وجود دارد، زیرا مقدار t بیشتر از ۲/۵۸ می‌باشد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نیز نشان داد که بین ابعاد سرمایه روان‌شناختی (خودکارآمدی، تاب‌آوری، امید، خوش‌بینی) با جامعه‌پذیری سازمانی کارکنان دانشگاه

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران
behrang_esmaeili@iran.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، نویسنده مسؤول
behrang_esmaeili@yahoo.com

آزاد اسلامی واحد قوچان همبستگی معنادار و مثبت وجود دارد ($p < 0/05$). همچنین نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، همبستگی معنادار و مثبت وجود دارد ($p < 0/05$).

واژگان کلیدی: سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سازمانی

مقدمه

سازمان‌ها برای اداره خود به کارکنان متخصص، کارآمد و متعهد نیازمندند. عدم احساس تعلق کارکنان به سازمان و عدم دقت کافی برای انجام وظایف از معضلات بزرگ دستگاه‌های اجرایی است. ترک خدمت، غیبت، تأخیر، عدم مشارکت و درگیری فعال نیروی کار و سطح پایین عملکرد نیروی انسانی از بارزترین نمونه‌های این معضلات به‌شمار می‌روند که با تأثیر نامطلوب خود، بین نیروی انسانی و سازمان‌ها فاصله ایجاد می‌کنند. برای رفع این مشکل، ارتقاء جامعه‌پذیری کارکنان از بهترین راه است. سازمان‌ها اغلب تلاش می‌کنند کارکنان را از طریق تناسب شخص - سازمان که به سازگاری بین افراد و سازمان اشاره دارد، جامعه‌پذیر کنند. هدف اولیه جامعه‌پذیری، استمرار ارزش‌های اصلی و دادن یک چارچوب به کارکنان برای پاسخ به محیط کارشان و هماهنگی با کارکنان دیگر است، به اندازه‌ای که فرایندهای جامعه‌پذیری، به تناسب شخص - سازمان منجر شود. جامعه‌پذیری سازمانی، عاملی کارآمد و مؤثر در یکپارچه‌سازی کارکنان تازه‌وارد در سازمان است و نقش بسیار مهمی در ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و نیز سوءگیری‌های اجتماعی‌شان درباره بسیاری از مسائل اجتماعی دارد (موحد و عباسی شوازی، ۱۳۸۵: ۶۸). مفهوم جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن در فرهنگ علوم اجتماعی، قدمت زیادی ندارد. سابقه این اصطلاح، به سال ۱۸۲۸ میلادی بر می‌گردد. زیمل^۱ در سال ۱۸۹۵ میلادی، این واژه را در ایالت متحده آمریکا در پژوهشی مورد استفاده قرار داد. در اواخر دهه ۱۹۳۰ میلادی، این مفهوم در بسیاری از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای

مورد توجه قرار گرفت و با انتشار کتاب هایمن^۱ در سال ۱۹۵۹، اصطلاح جامعه‌پذیری، به لحاظ علمی رسمیت یافت (مهرابی، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

یکی از عواملی که به جامعه‌پذیری سازمانی کمک می‌کند سرمایه روان‌شناختی است. سرمایه روان‌شناختی یکی از شاخص‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا می‌باشد که با ویژگی‌هایی از قبیل باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل کردن مشکلات تعریف می‌شود (Luthans, Luthans, & Luthans, 2004: 45).

پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند که سرمایه روان‌شناختی با برون دادهای مثبت در سطح، فردی و سازمانی ارتباط دارد (Luthans, et al., 2007: 41). سرمایه روان‌شناختی بعنوان نقطه قوت یک سازمان است که باید به منظور بهبود و توسعه فردی و ارتقای عملکرد در سطح فردی و افزایش عملکرد، درون داد و کسب مزیت رقابتی، در سطح سازمانی، تقویت و مدیریت شود (Cetin, 2011: 373).

متغیر مورد مطالعه دیگر در این پژوهش، سرمایه اجتماعی است. اکثر نظریه‌پردازان و محققین معتقدند که سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته شده جامعه‌شناختی «هم‌چون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، انسجام و همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد» (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۲). فوکویاما (۱۳۸۴: ۱۷۰) معتقد است که سرمایه اجتماعی، شکل و نمونه ملموسی از يك هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند از هنجار روابط متقابل دوردست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای را در برگیرند. نظر به اهمیت متغیرهای پژوهش، برخی پژوهشگران در این زمینه، به بررسی آنها پرداخته‌اند.

رحیمی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهش "رابطه سرمایه روان‌شناختی در محیط کار کارکنان با شور و شوق کاری آنان" نشان دادند بین خوش بینی، سرزندگی، اعتماد سازمانی و عاطفه مثبت با شور و شوق کاری و عاطفه مثبت آینده با شوق کاری رابطه

مثبت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل واریانس نشان داد بین متغیرهای سرزندگی، اعتماد سازمانی، خوش بینی و عاطفه مثبت بطور کلی با شور و شوق کاری رابطه معناداری وجود دارد. هم چنین نتایج رگرسیون نشان داد خوش بینی و سرزندگی توان پیش بینی شور کاری و همچنین خوش بینی، اعتماد سازمانی و سرزندگی توان پیش بینی شوق کاری را دارد.

بهادری و دیگران (۱۳۹۱) نشان دادند که سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن با سرمایه اجتماعی، رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. از سویی، نتایج نشان دادند که سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن قادرند تغییرات بهزیستی روان‌شناختی را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند. بر این اساس، افرادی که سرمایه روان‌شناختی مطلوب‌تری داشته، از سرمایه اجتماعی بالاتری نیز بهره‌مند هستند.

قلاوندی و سلطان‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین جامعه‌پذیری سازمانی و تعهد سازمانی در میان کارکنان دانشگاه ارومیه" نشان دادند که بین مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سازمانی با کل ابعاد تعهد سازمانی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این، مؤلفه‌های تفاهم حمایت کارکنان و چشم‌انداز از آینده سازمان نیز می‌تواند به‌طور مثبت و معنی‌داری ابعاد تعهد همانندسازی شده پیوستگی و مبادله‌ای را پیش‌بینی کند.

نتایج پژوهش دعایی و فرزانه‌حسن‌زاده (۱۳۹۱) با عنوان "نقش تعدیل‌کنندگی سنوات کاری بر رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری افراد" تأثیر سرمایه روان‌شناختی بر جامعه‌پذیری را تأیید کرد، لیکن سنوات کاری تأثیری بر رابطه بین این دو متغیر ندارد و در واقع، دارای نقش تعدیل‌کنندگی نیست.

لارسون و لوتانز (Larson & Luthans, 2006: 62) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سرمایه روان‌شناختی که نتیجه اجماع چهار بعد (خوش‌بینی، تحمل‌پذیری، امیدواری و خودکارآمدی) است، بر نگرش‌های کاری در مقایسه با هر یک از ابعاد تأثیر بیشتری دارد. هم‌چنین این دو پژوهشگر به مقایسه سرمایه روان‌شناختی با سرمایه اجتماعی و انسانی می‌پردازند و بیان می‌کنند که سرمایه انسانی با تعهد سازمانی و سرمایه اجتماعی، با رضایت شغلی ارتباط دارد، در حالی که سرمایه روان‌شناختی ارتباط قوی‌ای

با دو بعد نگرش کاری (تعهد سازمانی و رضایت شغلی) کارکنان دارد و لازم است که در سازمان‌ها علاوه بر سرمایه اجتماعی و انسانی، به سرمایه روان‌شناختی هم توجه کرد و به نفع سازمان بهره برد.

با عنایت به اهمیت مؤلفه‌های پژوهش و خلأ علمی موجود در بین پژوهش‌های داخلی و خارجی که هیچ یک به‌طور هم‌زمان به بررسی روابط متقابل این متغیرها نپرداخته‌اند، این پژوهش به دنبال این سؤال است که نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان به چه صورت است؟

فرضیه های پژوهش عبارتند از:

(۱) بین ابعاد سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.

(۲) بین سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.

(۳) بین سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری سازمانی با نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ روش در زمره تحقیقات توصیفی و از لحاظ هدف، کاربردی است و از نوع همبستگی می‌باشد، از این‌رو به دنبال بررسی رابطه ابعاد سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری سازمانی با تأکید بر نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی در کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان می‌باشد.

جامعه آماری شامل کلیه کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان است که بر اساس آمار دریافتی، ۱۵۰ نفر است. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی-مورگان، ۱۰۹ نفر به‌دست آمد. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده است.

متغیرهای پژوهش حاضر عبارتند از:

(۱) **جامعه‌پذیری سازمانی:** جهت سنجش جامعه‌پذیری سازمانی از پرسش‌نامه

جامعه‌پذیری سازمانی تائورمینا^۱ (۱۹۹۴) استفاده شد. این پرسش‌نامه حاوی ۲۰ سؤال

جهت سنجش چهار بعد زیر است:

- آموزشی: سؤالات ۱ تا ۵؛

- تفاهم: سؤالات ۶ تا ۱۰؛

- حمایت همکاران: سؤالات ۱۱ تا ۱۵؛

- چشم‌انداز آینده: سؤالات ۱۶ تا ۲۰.

۲) **سرمایه روان‌شناختی:** جهت سنجش سرمایه روان‌شناختی از پرسش‌نامه لوتانز (۲۰۰۷) شامل ۲۴ سؤال و ۴ خرده‌مقیاس امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی استفاده شد. سؤالات ۱ تا ۶ مربوط به خودکارآمدی، سؤالات ۷ تا ۱۲ مربوط به امیدواری، سؤالات ۱۳ تا ۱۸ مربوط به تاب‌آوری و سؤالات ۱۹ تا ۲۴ مربوط به خوش‌بینی می‌باشد.

۳) **سرمایه اجتماعی:** جهت سنجش سرمایه اجتماعی از پرسش‌نامه ناهاپیت و گوشال^۲ (۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای سه بعد ساختاری، ارتباطی و شناختی می‌باشد که هفت خرده‌مقیاس شبکه‌ها، اعتماد، همکاری، فهم متقابل، روابط، ارزش‌ها و تعهد را مورد بررسی قرار می‌دهد و در ۲۸ گویه تنظیم شده:

- ساختاری: سؤالات ۱ تا ۴؛

- ارتباطی (مشتري): سؤالات ۵ تا ۹؛

- شناختی: سؤالات ۱۰ تا ۱۷.

پرسش‌نامه‌ها دارای روایی صوری و محتوایی می‌باشند. پایایی ابزار سنجش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ عبارت است از ۰/۷۰ جامعه‌پذیری سازمانی، ۰/۷۲ سرمایه روان‌شناختی و ۰/۷۱ سرمایه اجتماعی.

یافته‌ها

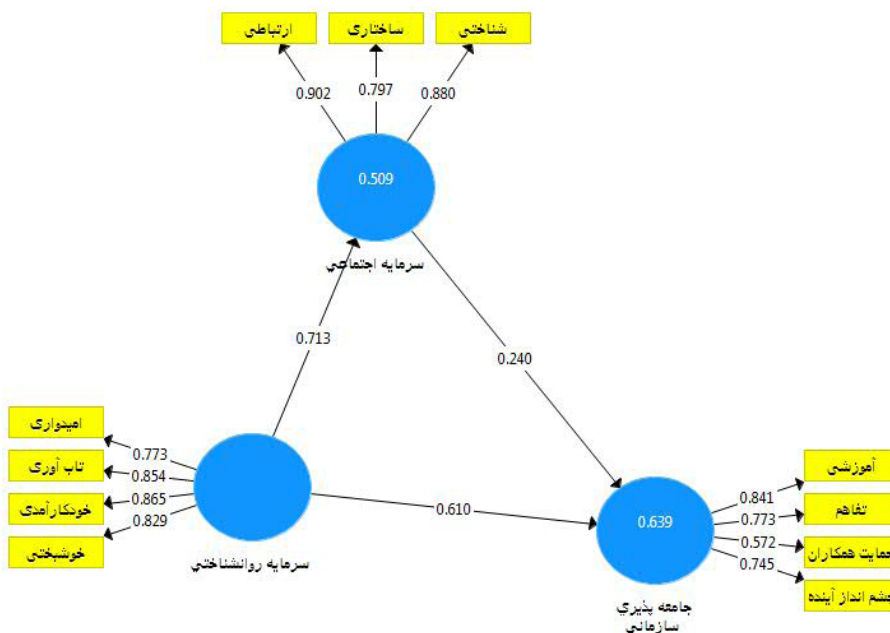
۳۵ نفر از نمونه آماری، یعنی حدود ۳۲/۱٪ زن بوده و مابقی را مردان تشکیل می‌دهند.

1. Robert J. Taormina

2. Janine Nahapiet & Sumantra Ghoshal

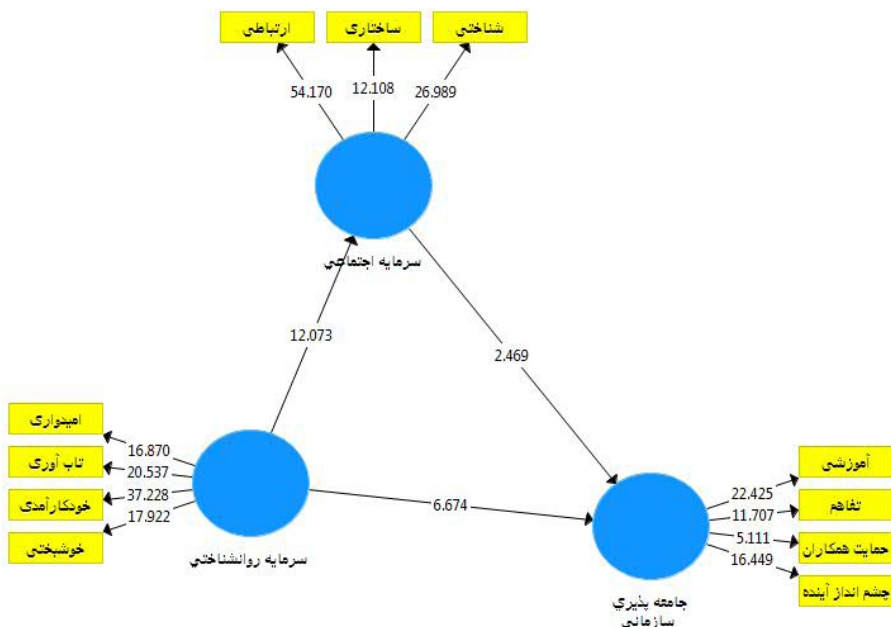
۷ نفر معادل ۶/۴٪ را افرادی با تحصیلات دکتری، ۵۱ نفر یعنی معادل ۴۶/۸٪ را کارشناسی ارشد، ۴۴ نفر یعنی معادل ۴۰/۴٪ را کارشناسی و مابقی را کارکنانی با مدرک کاردانی تشکیل می‌دهند.

برای آزمون فرضیات و سنجش روابط بین متغیرهای نهفته درونی و بیرونی، آزمون معادلات ساختاری مورد استفاده قرار گرفت (نمودار ۱).



نمودار ۱) مدل معادلات ساختاری

جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها و بارهای عاملی از آماره آزمون t نیز استفاده می‌شود. چون معناداری در سطح ۰/۰۵ بررسی می‌شود بنابراین اگر میزان بارهای عاملی مشاهده شده با آزمون t از ۱/۹۶ کوچکتر محاسبه شود، رابطه معنادار نیست. همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص است برای تمام مؤلفه‌ها، t از ۱/۹۶ بیشتر است.



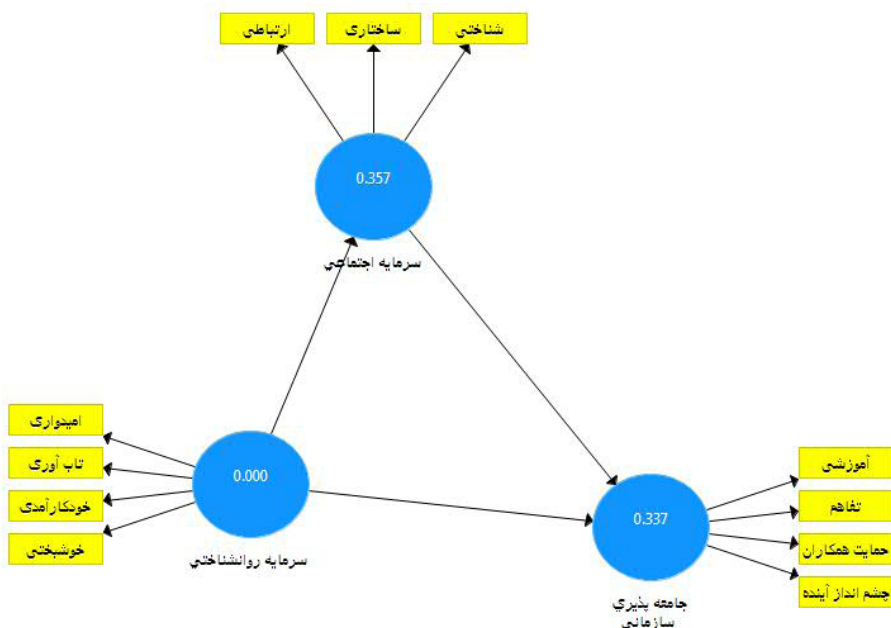
نمودار ۲) معناداری مدل معادلات ساختاری

جهت بررسی کیفیت مدل معادلات ساختاری، آزمون‌های زیر به کار رفت:

الف) آزمون کیفیت مدل اندازه‌گیری یا شاخص اشتراک

۱- بررسی اعتبار حشو یا افزونگی مدل معادلات ساختاری

این شاخص $Q^2 (= 1 - SSE/SSO)$ کیفیت اعتبار اشتراک معادلات ساختاری را نشان می‌دهد و اعداد مثبت نشان دهنده اعتبار مدل معادلات می‌باشد. همان‌طور که در نمودار ۳ و جدول ۱ مشاهده می‌کنید، در تحقیق حاضر این اعداد مثبت می‌باشند.



نمودار ۳) بررسی اعتبار حشو یا افزونگی مدل معادلات ساختاری

جدول ۱) بررسی اعتبار حشو یا افزونگی مدل معادلات ساختاری

SSO	SSE	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$	
۳۹۶	۲۹۸/۱۷۵	۰/۲۴۷	جامعه پذیری سازمانی
۲۹۷	۱۵۷/۹۶۸	۰/۴۶۸	سرمایه اجتماعی
۳۹۶	۲۱۰/۷۲۷	۰/۴۶۸	سرمایه روان شناختی

ب) معیارهای مربوط به پایایی مدل معادلات ساختاری

۲- بررسی همسانی درونی هریک از گویه ها

در ادامه بررسی کیفیت مدل معادلات ساختاری، به بررسی همسانی درونی هر یک از گویه های تحقیق پرداخته شد (جدول ۲ و ۳).

جدول (۲) بررسی بار عاملی هر یک از گویه‌ها

متغیرها گویه‌ها	سرمایه روان‌شناختی	سرمایه اجتماعی	جامعه‌پذیری سازمانی
-	-	-	۰/۸۴۱
آموزشی	-	۰/۹۰۲	-
ارتباطی	۰/۷۷۳	-	-
امیدواری	۰/۸۵۴	-	-
تاب‌آوری	-	-	۰/۷۷۳
تفاهم	-	-	۰/۵۷۲
حمایت همکاران	۰/۸۶۵	-	-
خودکارآمدی	۰/۸۲۹	-	-
خوشبختی	-	۰/۷۹۷	-
ساختاری	-	۰/۸۸۰	-
شناختی	-	-	۰/۷۴۵
چشم‌انداز آینده	-	-	-

جدول (۳) بررسی معناداری بار عاملی هریک از گویه‌ها

سطح معنی داری P	آماره T	انحراف معیار	میانگین	نمونه اصلی	گویه‌ها
۰/۰۰۱	۲۲/۴۲۵	۰/۰۳۷	۰/۸۴۰	۰/۸۴۱	آموزشی -> جامعه‌پذیری سازمانی
۰/۰۰۱	۵۴/۱۷۰	۰/۰۱۷	۰/۹۰۴	۰/۹۰۲	ارتباطی -> سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۱	۱۶/۸۷۰	۰/۰۴۶	۰/۷۷۲	۰/۷۷۳	امیدواری -> سرمایه روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۲۰/۵۳۷	۰/۰۴۲	۰/۸۵۳	۰/۸۵۴	تاب‌آوری -> سرمایه روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۱۱/۷۰۷	۰/۰۶۶	۰/۷۷۳	۰/۷۷۳	تفاهم -> جامعه‌پذیری سازمانی
۰/۰۰۱	۵/۱۱۱	۰/۱۱۲	۰/۵۷۲	۰/۵۷۲	حمایت همکاران -> جامعه‌پذیری سازمانی
۰/۰۰۱	۳۷/۲۲۸	۰/۰۲۳	۰/۸۶۶	۰/۸۶۵	خودکارآمدی -> سرمایه روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۱۷/۹۲۲	۰/۰۴۶	۰/۸۲۹	۰/۸۲۹	خوشبختی -> سرمایه روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۱۲/۱۰۸	۰/۰۶۶	۰/۷۹۳	۰/۷۹۷	ساختاری -> سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۱	۲۶/۹۸۹	۰/۰۳۳	۰/۸۷۷	۰/۸۸۰	شناختی -> سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۱	۱۶/۴۴۹	۰/۰۴۵	۰/۷۴۶	۰/۷۴۵	چشم‌انداز آینده -> جامعه‌پذیری سازمانی

با توجه به اعداد جداول ۲ و ۳، تمام بارهای عاملی بیشتر از $0/3$ هستند و نیاز به حذف آنها نمی‌باشد و گویه‌هایی که بار عاملی آنها بیشتر از $0/7$ است نسبت به سایر گویه‌ها مناسب‌تر هستند. همچنین نشان می‌دهد که تمام بارهای عاملی دارای t بیشتر از $1/96$ بوده و در سطح اطمینان 95% معنادار هستند.

۳- بررسی اعتبار ترکیبی هر یک از سازه‌ها، روشی دیگر برای آزمون کیفیت مدل معادلات ساختاری می باشد.

جدول (۴) بررسی اعتبار ترکیبی هر یک از سازه‌ها

AVE	اعتبار ترکیبی	rho_A	آلفای کرونباخ	
۰/۵۴۷	۰/۸۲۶	۰/۷۴۱	۰/۷۱۷	جامعه‌پذیری سازمانی
۰/۷۴۱	۰/۸۹۵	۰/۸۵۵	۰/۸۲۷	سرمایه اجتماعی
۰/۶۹۰	۰/۸۹۹	۰/۸۵۰	۰/۸۵۰	سرمایه روانشناختی

اعدادی که در ستون Composite Reliability نوشته شده اعتبار ترکیبی سازه‌ها را نشان می‌دهد که مقدار بیشتر از $0/7$ آن، قابل قبول است و در این تحقیق، این اعداد بیشتر از $0/7$ است. اعدادی که در ستون (AVE) آمده، نشان دهنده اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است و مقدار مناسب آن باید بیشتر از $0/5$ باشد که در این تحقیق، این اعداد بیشتر از $0/5$ است.

فرضیه ۱) بین ابعاد سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.

جدول (۵) جدول نتایج آزمون فرضیه ۱

فرضیه	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بین بعد خودکارآمدی با جامعه‌پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان	۰/۵۳۴	۰/۰۰۱
بین بعد امیدواری با جامعه‌پذیری کارکنان	۰/۵۸۱	۰/۰۰۱
بین بعد تاب‌آوری با جامعه‌پذیری کارکنان	۰/۵۱۲	۰/۰۰۱
بین بعد خوش‌بینی با جامعه‌پذیری کارکنان	۰/۵۶۲	۰/۰۰۱

همان طور که در جدول ۵ ملاحظه می شود نتایج ضریب همبستگی پیرسون بیانگر این است که بین ابعاد سرمایه روان شناختی با جامعه پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان همبستگی معنادار و مثبت وجود دارد ($p < 0/05$). سطح معناداری $0/000$ است پس این مقدار مطلوب است چرا که از $0/05$ کمتر می باشد. بنابراین فرضیه ی تحقیق تأیید می شود، یعنی بین ابعاد سرمایه روان شناختی با جامعه پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲) بین سرمایه اجتماعی با جامعه پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.

جدول ۶) جدول نتایج آزمون فرضیه ۲

فرضیه	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بین سرمایه اجتماعی با جامعه پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.	$0/498$	$0/001$

همان طور که در جدول ۶ ملاحظه می شود نتایج ضریب همبستگی پیرسون بیانگر این است که بین سرمایه اجتماعی با جامعه پذیری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان همبستگی معنادار مثبت وجود دارد ($p < 0/05$). سطح معناداری $0/001$ است، پس این مقدار مطلوب است چرا که از $0/05$ کمتر می باشد، بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می شود.

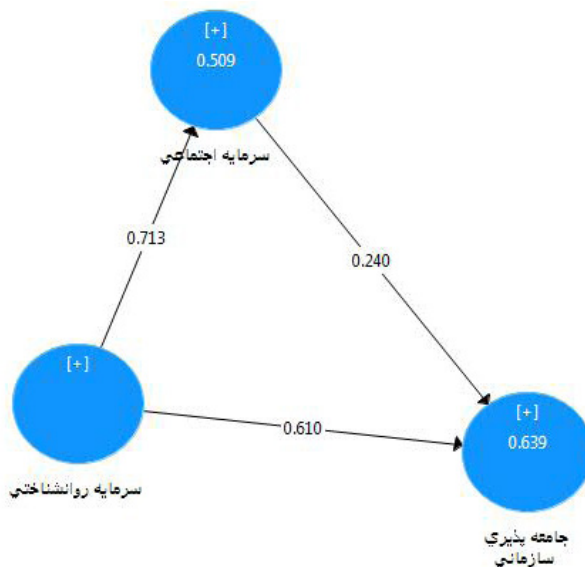
فرضیه ۳) بین سرمایه روان شناختی با جامعه پذیری سازمانی با نقش واسطه ای سرمایه اجتماعی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.

جدول ۷) جدول نتایج آزمون فرضیه ۳

فرضیه	برآورد استاندارد	کمیت t	نتیجه آزمون
بین ابعاد سرمایه روان شناختی با جامعه پذیری سازمانی با تأکید بر نقش واسطه ای سرمایه اجتماعی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان رابطه وجود دارد.	$0/171$	$11/914$	تأیید

همان طور که نتایج در جدول ۷ نشان می دهد فرضیه سوم تأیید نمی شود زیرا مقدار t بیشتر از $۲/۵۸$ می باشد. در نتیجه بین ابعاد سرمایه روان شناختی با جامعه پذیری سازمانی با نقش میانجی سرمایه اجتماعی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، رابطه معناداری به میزان $۰/۱۷۱$ ($۰/۲۴۰ * ۰/۷۱۳$) وجود دارد و مقدار t آن بیشتر از $۲/۵۸$ می باشد.

پس از انجام آزمون های آماری، روابط بین متغیرهای پژوهش بصورت نمودار ۴ نشان داده می شود.



نمودار ۴) رابطه سرمایه روان شناختی با جامعه پذیری سازمانی با نقش میانجی سرمایه اجتماعی

نتیجه

جامعه‌پذیری سازمانی هم برای افراد و هم برای سازمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که اگر مورد کم‌توجهی یا بی‌توجهی قرار گیرد، احتمال بروز و تکرار رفتارهای بیرون از چارچوب و هنجارهای سازمانی توسط تازه‌واردان بیشتر می‌شود. استمرار این وضعیت موجب شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای منفی، تعارضات و کشمکش‌ها، جابه‌جایی و ترک کار می‌گردد. هم‌چنین بالا بودن هزینه فرایند استخدام و گزینش برای سازمان‌ها و نقش جامعه‌پذیری در موفقیت این فرایند، دلیلی دیگری بر اهمیت جامعه‌پذیری سازمانی است.

از سوی دیگر، امروزه سرمایه اجتماعی بستر بسیار مناسبی را برای بهره‌برداری و بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان‌های مختلف فراهم می‌آورد، از این‌رو بهره‌گیری از سرمایه‌های دیگر سازمانی نیز در پرتو این سرمایه امکان‌پذیر است و همین نکته بر اهمیت این سرمایه در سازمان اشاره دارد.

با استفاده از سرمایه اجتماعی می‌توان متوجه شد که چرا یک سازمان یا مجموعه به‌صورت موفقیت‌آمیز حرکت می‌کند و چرا سازمانی در مسیر شکست قرار دارد. سرمایه اجتماعی بر همکاری و هماهنگی نیروهای انسانی سازمان و هنجارهایی که همکاری و هماهنگی در سازمان را افزایش می‌دهند، تأکید دارد. با دقت در تعاریف سرمایه اجتماعی متوجه خواهیم شد که این مفهوم، بر مفاهیمی هم‌چون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک سازمان و گروه، تکیه و تأکید می‌کند.

نتایج این پژوهش نشان داد بین سرمایه روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری سازمانی رابطه وجود دارد. دلیل این هماهنگی را می‌توان این‌گونه بیان کرد که در جوامع امروزی، سازمان‌هایی موفق هستند که زودتر از رقیبان باشند، افراد و کارکنان آن سازمان، جامعه‌پذیری سازمانی داشته باشند که لازمه آن نیز برخورداری کارکنان از سرمایه اجتماعی و روان‌شناختی است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای بهره‌مندی از جامعه‌پذیری سازمانی نیاز به مراکزی برای درونی کردن هنجارها و قوانین حاکم در سازمان آموزش عالی را در کارکنان خود دارند تا کارکنان این مراکز بتوانند به‌راحتی

بر وظایف مربوط به شغل خود تسلط داشته باشند، چرا که اگر جامعه‌پذیری سازمانی کارکنان در سازمان توسعه یابد، به تبع آن رفتارهای عملکرد سازمان بیشتر رشد می‌کند و تمایل بیشتر به ارائه کار و خدمات پیدا می‌کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به این که نتایج این تحقیق نشان داد بین سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی رابطه وجود دارد. یعنی هر چه سرمایه اجتماعی کارکنان بیشتر باشد، جامعه‌پذیری سازمانی افزایش می‌یابد و باعث ارتقاء جامعه‌پذیری سازمانی می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود جهت تقویت جامعه‌پذیری سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی، می‌توان سرمایه اجتماعی را در آنها تقویت کرد.

۲- با توجه به این که بین ابعاد سرمایه روان‌شناختی با جامعه‌پذیری سازمانی رابطه وجود دارد، لذا مدیران می‌توانند با ایجاد جو مناسب سازمانی برای هر یک از ابعاد مربوط به سرمایه روان‌شناختی تمرکز کنند و میزان سرمایه روان‌شناختی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی را بالا ببرند و از این طریق به بهبود عملکرد سازمانی کمک کنند.

منابع

- بهادری، خسرو، و دیگران (۱۳۹۱). "رابطه سرمایه روان‌شناختی با سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز". *مجله پژوهش و سلامت*، دوره دوم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۶۳-۷۱.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴). "جامعه برخورد/ار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی". ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان. در: مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: شیرازه: ۹۱-۱۱۲.
- دعایی، حبیب‌اله؛ فرزانه‌حسن‌زاده، ژاله (۱۳۹۱). "نقش تعدیل‌کنندگی سنوات کاری بر رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و جامعه‌پذیری افراد". *مجله چشم‌انداز مدیریت دولتی*، سال سوم، ش ۹ (بهار): ۵۵-۷۳.
- رحیمی، فاطمه، و دیگران (۱۳۹۱). "رابطه سرمایه روان‌شناختی در محیط کار کارکنان با شور و شوق کاری آنان در سازمان". *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*،

- دوره چهارم، ش ۱۲ (پاییز): ۳۰-۹.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). "سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی". در: مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی سرمایه. گردآورنده کیان تاجبخش. تهران: شیرازه: ۱۶۷-۲۰۰.
 - قلاوندی، حسن؛ سلطانزاده، وحید (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین جامعه‌پذیری سازمانی و تعهد سازمانی در میان کارکنان دانشگاه ارومیه". *مجله مدیریت و توسعه*، دوره بیست و چهارم، ش ۷۸ (زمستان): ۹۳-۱۱۱.
 - مهرابی، رضوان (۱۳۸۷). *فرایند جامعه‌پذیری، معلم علوم اجتماعی و توسعه اجتماعی*. تهران: کنگره ملی علوم انسانی.
 - موحد، مجید؛ عباسی‌شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵). "بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج". *مطالعات زنان*، دوره چهارم، ش ۱ (بهار): ۶۷-۹۹.
 - Cetin, Fatih (2011). "the effects of the organizational psychological capital on the attitudes of commitment and satisfaction: a public sample in Turkey". *European Journal of social sciences*, Vol. 21, No. 3: 373-380.
 - Luthans, Fred; Luthans, Kyle W.; Luthans, Brett C. (2004). "Positive psychological capital: beyond human and social capital". *Journal of Business Horizons*, Vol. 47, Issue 1 (January-February): 45-50.
 - Luthans, Fred, et al (2007). "Positive Psychological Capital: Measurement and Relationship with Performance and Satisfaction". *Journal of Personnel Psychology*, Vol. 60, Issue 3: 541-572.
 - ----- (2010). "The development and resulting performance impact of positive psychological capital". *Journal of human resource development quarterly*, Vol. 21, No. 1 (Spring): 41-67.
 - Larson, Milan; Luthans, Fred (2006). "Potential Added Value of Psychological Capital in Predicting Work Attitudes". *Journal of Leadership & Organizational Studies*, Vol. 13, No. 1 (Fall): 45-62.

مطالعه وضعیت فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۶

مریم سلامی^۱

مریم خدابخشی^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی وضعیت فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی (4P) در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند است. پژوهش حاضر توصیفی - پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش تا پایان دی ماه سال ۱۳۹۵، ۵۰ نفر بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای است که ضریب پایایی آن با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ۰/۹۱۶ محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار در قالب جداول استفاده شد. در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، تی مستقل، تحلیل واریانس یک راهه و t^2 هتلینگ استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ انجام شده است. نتایج نشان داد که میانگین مؤلفه‌های بازاریابی براساس مدل Four p در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بیشتر از سطح متوسط است و در حد مطلوبی قرار دارد، به‌طوری که مؤلفه مکان با میانگین ۴/۱۰، مؤلفه تبلیغ با میانگین ۳/۷۹، مؤلفه قیمت با میانگین ۳/۷۷ و مؤلفه محصول با میانگین ۳/۷۶ به ترتیب، اولویت اول تا چهارم را به‌خود اختصاص داده‌اند. طبق یافته‌ها، متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت، تحصیلات، محل خدمت) با هیچ یک از مؤلفه‌های فرایند بازاریابی، تفاوت معنی‌داری ندارند، ولی متغیر سن، تنها در مؤلفه قیمت و تبلیغ، تفاوت معنی‌داری نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند در افزایش بهبود فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی

تأثیر بسیاری بگذارد و در تصمیم‌گیری مدیران برای کارایی بهتر کتابخانه‌ها در عصر الکترونیک مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: بازاریابی، کتابخانه‌های دانشگاهی، بیرجند

مقدمه و بیان مسأله

نیاز امروز جامعه بشری به اطلاعات، بسیاری از مراکز اطلاعاتی و اسنادی را بر این داشته است که همگام با این نیازها، با بهره‌گیری از دانش روز، خدمات بهتر و کارآمدی را به مخاطبان خود عرضه کنند. در عصر حاضر، اعمال اصول بازاریابی در کتابخانه‌ها برای تداوم حیات آنها، به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. تحولات اجتماعی و فرهنگی و بویژه فناوری چند دهه اخیر، نوعی نگاه جدید را نسبت به نقش و جایگاه و در نتیجه عملکرد آن ایجاد می‌کند. امروزه همگام با تحولات فناوری و دگرگونی‌های روزافزون، نهادهای اجتماعی برای حفظ و بقای خود، نیازمند به‌کارگیری شیوه‌های نوین و راهکارهای مؤثرتری هستند. در این‌جا مسأله اساسی این است که کتابخانه‌ها چگونه می‌توانند با موفقیت، موقعیت خود را حفظ نمایند و خود را با شرایط جدید تطبیق دهند؟ پاسخ به این پرسش، استفاده مؤثر از راهبردهای بازاریابی^۱ است.

واینگان (Weingand, 1999) در بیان نگرش و اهمیت بازاریابی در کتابخانه‌ها، تصریح می‌کند که در قرن بیست و یکم، اگر کتابخانه‌ها قصد دارند در فضای جدید صرفاً به بقاء اکتفا نکنند، بلکه به بالندگی و شکوفایی بیندیشند، بایستی دست به اتخاذ راهبردهایی مبتنی بر تفکر خلاقانه بزنند. شاید دیگر استفاده صرف از رویکردهای ساده‌انگارانه پیشین، پاسخگوی نیازهای کاربران نباشد و در این میان، کتابخانه‌ها باید با بهره‌مندی از اصول بازاریابی و الحاق آن به شیوه‌های مدیریتی خود و تمرکز بر خواسته‌ها و نیازهای کاربران، در این راه قدم بردارند (هفتادی یام، ۱۳۹۵: ۴).

به‌طور کلی برای بازاریابی، آمیخته‌های مختلفی ارائه شده است. در میان آمیخته‌های بازاریابی مختلف، آمیخته بازاریابی چهارپی در حال حاضر بیشترین کاربرد را در سطح

کتابخانه‌های جهان داشته است. آمیخته بازاریابی شامل همه کارهایی است که کتابخانه می‌تواند انجام دهد تا بر میزان تقاضا برای خدماتش اثر بگذارد. ترکیبی از چهار ابزار عمده بازاریابی مشتمل بر محصول، مکان، قیمت و ترویج است که در سطحی وسیع به شکل چهارپایه شناخته می‌شوند و ابزار مهمی برای ایجاد و حفظ یک پیشنهاد است که برای مشتریان ارزشمند است (Kotler & Armstrong, 1999: 90). مک کارتی^۱، عناصر آمیخته‌های بازاریابی را به چهار متغیر تقسیم‌بندی کرده است و آن را چهارپایه نامیده است که بدین‌گونه‌اند:

محصول: به هرگونه کالا یا خدماتی که به منظور رفع نیاز به بازار عرضه شود، محصول گفته می‌شود. این خدمات می‌تواند به صورت عینی شامل کتاب، مقاله، رسانه‌های دیداری - شنیداری و کلیه اسناد مکتوب و غیرمکتوب باشد، یا خدمات غیرعینی شامل خدماتی نظیر کمک به مراجعان، جستجوی اینترنتی، خدمات تحویل مدرک و ... را شامل می‌شود. محصولاتی که بازاریابی می‌شوند شامل کالاهای فیزیکی، خدمات، تجارت، وقایع، شخصیت‌ها، مکان‌ها دارایی‌ها، سازمان‌ها، اطلاعات و نظرها است.

مکان: مکان می‌تواند خود کتابخانه و یا درگاه راه دور و یا به شکل پیوسته باشد. در این ارتباط پرسش‌هایی از این دست که کتابخانه در کجا قرار داشته باشد و یا چه خدمات و محصولاتی باید در آن کتابخانه وجود داشته باشد، مطرح می‌شود. تصمیم‌گیری در مورد مکان کتابخانه، به اهداف سازمان و رسالت آن و نیز خواسته‌ها و نیازهای استفاده کنندگان بستگی دارد. برخی بر این اعتقادند که کتابخانه مکانی در حال از بین رفتن است و کتابخانه‌های مجازی^۲ در حال شکل‌گیری هستند و برخی دیگر نیز معتقدند که کتابخانه همچنان به عنوان مکانی برای تفکر، اکتشاف و رشد باقی خواهد ماند. مکان عبارت است از جایی که محصول توزیع می‌شود و یا بسترهایی که محصولات و مشتریان به یکدیگر می‌پیوندند. در این مورد، تأکید بیشتر بر دسترسی است.

قیمت: به فعالیت‌های مربوط به قیمت‌گذاری و راهبردها و تعیین قیمت‌های محصول، اطلاق می‌شود. قیمت دارای هر دو نقش اقتصادی و روان‌شناختی است. از منظر

1. McCarthy

2. Virtual library

روان‌شناختی، قیمت به‌عنوان شاخصی کیفی استفاده می‌شود. در بخش خدماتی، نقش روان‌شناختی قیمت برجسته می‌شود، زیرا مصرف‌کنندگان باید به‌عنوان شاخص انحصاری کیفیت خدمات به آن اعتماد کنند. قیمت مؤلفه‌ای است که در کتابخانه‌ها به‌خصوص کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

ترفیع: فعالیتی است که در جهت فروش محصولات و خدمات انجام می‌شود. ترفیع، کاربران را برای تقاضای بیشتر ترغیب می‌کند و فروش را افزایش می‌دهد و معمولاً محصول را به‌سوی مشتریان پیش می‌برد و شامل سازوکارهایی است که گروه‌های هدف را درباره منابع، خدمات و محصولات قابل دسترسی که در کتابخانه‌ها ارائه شده، اطلاع‌رسانی می‌کند. بر این اساس، این فعالیت بر جنبه آگاهی‌رسانی در بازاریابی تأکید دارد و مشتریان را از منافع محصولات، آگاه و با کاربردهای آن آشنا می‌سازد (اشرف‌ریزی، ۱۳۸۷: ۴۵).

اقدامات بازاریابی با بررسی وضعیت موجود آغاز می‌شود. چنان‌چه بخواهید برای آینده برنامه‌ریزی کنید، باید بدانید الان کجا قرار دارید و این جز با شناخت وضعیت موجود حاصل نمی‌شود، یعنی با شناخت نقاط ضعف‌ها و قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها می‌توانید برای آینده برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشید. از این‌رو، این قبیل پژوهش‌ها می‌تواند نتایجی در بر داشته باشد که به آشکار شدن نقاط ضعف و کمبودها منتهی شود و مدیران و برنامه‌ریزان کتابخانه‌های دانشگاهی می‌توانند با تکیه بر این یافته‌ها و با به‌کار بردن راهبردهای صحیح، نقاط ضعف و تهدیدها را به نقاط قوت و فرصت تبدیل کنند و برای آینده‌ای هر چند بهتر برنامه‌ریزی دقیق و منظمی داشته باشند (تفریشی و صدیق، ۱۳۹۲: ۶) و از آنجایی که در کشور ما، کمتر تحقیقی در زمینه بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی صورت گرفته و بیشتر پژوهش‌های انجام شده، بازاریابی در کتابخانه‌های عمومی می‌باشد، لذا در این پژوهش، تلاش شد تا وضعیت فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بر اساس مدل چهارپی سنجیده شود و نظر کتابداران در این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

شاپوری (۱۳۸۶) در پژوهش خود بر روی تمامی کتابخانه‌های عمومی کشور در دو درجه یک و دو با روش پیمایشی - توصیفی به بررسی شیوه‌های بازاریابی (چهارپی) پرداخته است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های چهارپی، تأثیر مستقیمی بر تعداد استفاده‌کننده‌های کتابخانه دارد. همچنین رابطه معناداری میان مکان کتابخانه از نظر دسترسی، تعداد منابع، انواع خدمات ارائه شده، تعداد کاربران و نیز استفاده از شیوه‌های تشویقی و ترغیبی، مانند تبلیغات و میزان استفاده از کتابخانه وجود دارد.

بصیریان جهرمی (۱۳۸۷) پژوهش خود را بر روی ۱۰۲ نفر از مدیران و سرپرستان کتابخانه‌های مرکزی و دانشکده‌های دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و با روش پیمایشی - توصیفی و کاربرد پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام داد و به این نتیجه دست یافت که مدیران کتابخانه‌های مرکزی و دانشکده‌ای دانشگاه‌های دولتی شهر تهران با مفهوم بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی در حد متوسطی آشنایی دارند، و همچنین اولویت در اعمال هریک از متغیرها به ترتیب مربوط به محصول، مکان، فعالیت‌های تشویقی و ترغیبی و بهامی باشد. یافته دیگر پژوهش نشان داد که امکان اجرایی شدن اصول بازاریابی در کتابخانه‌های مورد مطالعه در حد متوسط قرار دارد.

بزرگی و نصیری (۱۳۸۸) طی پژوهشی به امکان‌سنجی برنامه‌های بازاریابی اطلاعات در کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. ایشان پژوهش خود را بر روی ۲۳ نفر از مدیران کتابخانه ملی ایران با روش پیمایشی - توصیفی انجام داده و نمونه‌ای را پیشنهاد داده‌اند. در این پژوهش به شناسایی شرایط و امکانات کتابخانه ملی برای ارائه طرح بازاریابی پرداخته که می‌تواند سبب تبدیل مخاطبان بالقوه به بالفعل و درآمدزایی در حوزه خدمات کتابخانه و همچنین ایجاد فضایی رقابتی در تولید اطلاعات و خدمات اطلاعاتی در سطح ملی و بین‌المللی شود و به این نتیجه رسیدند که در کتابخانه ملی، امکان بازاریابی اطلاعات وجود دارد.

نوروزی و عربلو (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی کاربرد اصول بازاریابی

در کتابخانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی" با روش پیمایشی - توصیفی با پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام دادند و نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که از میان ابعاد چهارگانه مورد بررسی، به ترتیب بعد تنوع خدمات و حجم منابع اطلاعاتی، موقعیت مکانی و تشویق به کارگیری قیمت، دارای رتبه اول تا چهارم هستند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که از میان چهار بعد اصلی بازاریابی و ارتباط آن با خدمات ارائه شده، تنها در بعد قیمت، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. (مشهدی، ۱۳۸۹) در پژوهش خود به امکان‌سنجی اجرایی شدن فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی از دیدگاه سرپرستان این کتابخانه‌ها پرداخت. نتایج نشان داد که در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی، با ارائه میانگین رتبه‌های هر یک از عوامل آمیخته‌ی بازاریابی، توجه به ارائه مکان، محصول، فعالیت‌های تشویقی و ترغیبی و در نهایت، توجه به بهاء به ترتیب اولویت‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند.

قربان‌نژاد یاملیق (۱۳۸۹) نیز طی پژوهشی با عنوان "بررسی دیدگاه مدیران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان گیلان نسبت به استفاده از آمیخته‌های بازاریابی (محصول، بهاء، مکان، ترویج) برای بهره‌گیری بیشتر مراجعان از خدمات کتابخانه" با روش پیمایشی- توصیفی روی ۱۳۰ نفر انجام داد و نتایج پژوهش نشان داد که دیدگاه مدیران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان گیلان مثبت می‌باشد.

جلیل‌پور (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی امکان به کارگیری مدل بازاریابی چهارپی در کتابخانه‌های عمومی استان خوزستان بر اساس نظرات مدیران و کتابداران این کتابخانه‌ها" با روش پیمایشی - توصیفی انجام داد. نتایج نشان می‌دهد که میزان آشنایی مدیران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان خوزستان با مفهوم بازاریابی در کتابخانه‌ها، در سطح نسبتاً زیاد است و محصول، مکان، فعالیت‌های تشویقی و ترغیبی و بهاء، به ترتیب اولویت یک تا چهارم را به خود اختصاص دادند و در مجموع، این نتایج گویای امکان‌پذیر بودن استفاده از نمونه بازاریابی چهارپی این کتابخانه‌ها است.

صدیق (۱۳۹۰) میزان به کارگیری شیوه آمیخته بازاریابی در کتابخانه‌های عمومی استان قم را مورد بررسی قرار داد. روش این پژوهش، پیمایشی بوده و گردآوری اطلاعات از طریق سیاهه واری و مراجعه حضوری صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر

آن است که میزان به‌کارگیری هریک از چهارپی در کتابخانه‌های عمومی استان قم، به ترتیب مکان، فعالیت‌های تشویقی و ترغیبی، محصول و بهاء است.

شعبانی و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی وضعیت فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بر اساس مدل هفت‌پی" با روش پیمایشی-توصیفی بر روی ۹۶ نفر انجام داد و نتایج نشان داد که میانگین مؤلفه‌های فرایند بازاریابی براساس مدل هفت‌پی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بیشتر از سطح متوسط است و مؤلفه قیمت، بهترین وضعیت را نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد. همچنین بین نظر پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی رشته‌ی تحصیلی، نوع کار در کتابخانه و دانشگاه محل خدمت، تفاوت معناداری وجود ندارد، ولی برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سابقه‌ی خدمت، سن، میزان تحصیلات و نوع کتابخانه، تفاوت معنادار مشاهده شد.

هفتادی یام (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "مدیریت عوامل مؤثر بر جذب کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز با استفاده از مدل بازاریابی چهارپی" که ابزار گردآوری اطلاعات آن پرسش‌نامه بود، نتایج نشان داد عناصر آمیخته‌ی بازاریابی در جذب کاربران به کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز تأثیر دارد. همچنین مؤلفه‌های محصول، توزیع و ترفیع در جذب کاربران به کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز نقش دارد، ولی مؤلفه قیمت در جذب کاربران نقش ندارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد با کمک مؤلفه‌های عناصر آمیخته بازاریابی می‌توان به جذب کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز کمک کرد. کیم و پارک (Kim & Park, 2006) با انجام پژوهشی در سطح ۱۹۷ کتابخانه - اعم از کتابخانه‌های آموزشگاهی، دانشگاهی، عمومی و تخصصی- کشور کره جنوبی، براساس آمیخته بازاریابی هفت‌پی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که نسبتاً تمامی کتابخانه‌های مشارکت‌کننده در این پیمایش همه آمیخته‌های بازاریابی هفت‌پی را - به جز بهاء- به شکل مطلوبی رعایت می‌نمایند. در این پژوهش نشان داده شد که کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی در به‌کارگیری این اصول و آمیخته‌های بازاریابی از کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی موفق‌تر عمل می‌کنند. همچنین اغلب کتابخانه‌های کره جنوبی - حدود ۷۸٪- خدمات مرجع و اطلاع‌رسانی خود را از طریق تلفیق

شیوه‌های پیوسته و ناپیوسته انجام می‌دهند.

دی‌سائز (De saez, 2007) در پژوهش خود به مفاهیم بازاریابی برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی پرداخته است. وی با توضیح مشکلات کتابخانه‌ها در عصر دیجیتال به ارائه راهکارهایی جهت بهبود وضعیت کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی پرداخته است. هم‌چنین وی عقیده دارد که مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی، جغرافیایی و روان‌شناسی بر خدمات کتابخانه‌ها نقش بسزایی دارد. وی با اشاره به لزوم برنامه‌ریزی و استفاده از فناوری‌های نوین در خدمات کتابخانه تأکید می‌ورزد.

یو و دیگران (Yeu, et al., 2012) در پژوهشی خود مقایسه‌ای برآمیخته بازاریابی بین‌المللی در چین و هند شرکت‌های مک دونالد را مورد مطالعه قرار دادند. در این پژوهش مقایسه تحلیلی بر چهار مؤلفه قیمت، محصول، مکان و ارتقا انجام شد. هدف از انجام مطالعه، تحلیل و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های راهبردی آمیخته بازاریابی بین‌المللی شرکت‌ها بود. نتایج آنان نشان داد مهمترین عامل موفقیت بازار مک‌دونالدها در تمرکز بر روی مکان‌یابی است که با انتخاب صحیح محل و شکل‌گیری و هماهنگی مکان و ساختمان شرکت با محله و اطراف خود بوده است. در مرحله‌ی بعد، نیازشناسی صحیح افراد محلی است که تولیدات خود را ترکیبی از انطباق سلیقه‌ای مشتری و هدف‌های شرکت به بازار عرضه کرده‌اند.

با توجه به مطالعات انجام شده، آمیخته‌های بازاریابی مطرح در سطح کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی جهان با چهارپی، چهارسی، هفت‌پی و هفت‌آی نشان داده شده است و کماکان بر کاربرد آمیخته چهارپی به‌عنوان کاربردی‌ترین آمیخته بازاریابی در سطح جهان تأکید شده است.

فرضیه‌های پژوهش

۱- وضعیت فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح مطلوبی قرار دارد.

۲- وضعیت هر یک از مؤلفه‌های "فرایند بازاریابی" براساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی بیرجند در سطح مطلوبی قرار دارد.

۳- بین مؤلفه‌های فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۴- بین دیدگاه کتابداران در مورد فرایند بازاریابی براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، میزان تحصیلات و دانشگاه محل خدمت) آنها، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق کاربردی و از نوع پیمایشی- توصیفی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است. این پرسش‌نامه توسط قربان‌نژاد یاملیق (۱۳۸۹: ۸) تهیه شده و مشتمل بر سؤالات جمعیت‌شناختی و ۴۱ سؤال بسته در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از خیلی زیاد تا خیلی کم) است. به منظور سنجش روایی درونی، از روایی محتوایی نوع صوری استفاده شده است. پرسش‌نامه در اختیار گروهی از متخصصان دانشگاهی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی قرار گرفته است. جهت تعیین پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار ۰/۹۱۶ است و می‌توان بیان کرد که پرسش‌نامه طراحی شده از پایایی لازم برخوردار است.

جامعه‌ی پژوهش را کل کتابدارانی تشکیل می‌دهند که در زمان انجام تحقیق (۱۳۹۵) با داشتن حداقل مدرک دیپلم پست سازمانی کتابدار را احراز کرده و مشغول به خدمت در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند می‌باشند و شامل کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشکده هنر، دانشکده کشاورزی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیمارستان امام رضا (ع)، بیمارستان ولی عصر (عج)، دانشگاه صنعتی بیرجند، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فرهنگیان و آموزشکده سپیده کاشانی می‌باشند. تعداد کل کتابداران در کتابخانه‌های ذکر شده ۵۰ نفر بوده‌اند. تعداد ۴۴ پاسخ‌نامه صحیح عودت داده شده که پس از گردآوری داده‌های موجود در پرسش‌نامه، تحلیل این داده‌ها با استفاده از بسته نرم‌افزاری SPSS نسخه ۲۴ و در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و

انحراف معیار در قالب جداول استفاده شد. در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای، تی مستقل، تحلیل واریانس یک راهه و T2 هتلینگ^۱ استفاده شده است. لازم به یادآوری است که تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ انجام شده است.

یافته‌های توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

برای تبیین و شرح داده‌های جمع‌آوری شده در تحقیق از آمار توصیفی استفاده شد. در این جا برای نشان دادن بعضی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، از جداول استفاده می‌شود.

سن

در جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد فراوانی کتابداران بر حسب سن در شش گروه سنی ارائه شده است.

جدول ۱) توزیع فراوانی و درصد فراوانی کتابداران بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی
زیر ۲۵ سال	۲	۴ / ۵
۳۰-۲۵	۴	۹ / ۱
۳۵-۳۰	۳	۶ / ۸
۴۰-۳۵	۱۰	۲۲ / ۷
۴۵-۴۰	۸	۱۸ / ۲
۵۰-۴۵	۱۳	۲۹ / ۶
۵۵-۵۰	۴	۹ / ۱
جمع	۴۴	۱۰۰

با توجه به یافته‌های جدول ۱ مشاهده می‌شود که بیشتر کتابداران (۲۹/۶٪) در رده سنی ۴۵-۵۰ سال قرار دارند. در این بین، رده سنی زیر ۲۵ سال با درصد فراوانی ۵/۴، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

جنسیت

در جدول ۲ توزیع فراوانی و درصد فراوانی کتابداران بر حسب جنسیت ارائه شده است.

جدول ۲) توزیع فراوانی و درصد فراوانی کتابداران بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۵	۳۴/۱
زن	۲۹	۶۵/۹
جمع	۴۴	۱۰۰

طبق نتایج جدول ۲، بیشتر کتابداران را زنان با درصد فراوانی ۹/۶۵ تشکیل می دهند.

میزان تحصیلات

در این قسمت به بررسی توزیع فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیلات کتابداران می پردازیم. نتایج مربوطه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳) توزیع فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیلات کتابداران

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی با حذف موارد بدون پاسخ
دیپلم	۴	۱/۹	۹/۵
کارشناسی	۲۸	۶/۴۳	۶۶/۷
کارشناسی ارشد	۱۰	۷/۲۲	۲۳/۸
موارد بدون پاسخ	۲	۶/۴	-
جمع	۴۴	۱۰۰	۱۰۰

براساس یافته های جدول ۳، بیشتر کتابداران (۶۳/۶٪)، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی هستند و درصد کمی (۹/۱٪) از آنها دارای مدرک تحصیلی دیپلم می باشند. لازم به ذکر است ۲۲/۷٪ از آنها نیز دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد هستند. در این میان دو مورد (۴/۶٪) از کتابداران میزان تحصیلات خود را مشخص نکرده اند.

محل خدمت

در جدول ۴، توزیع فراوانی و درصد فراوانی محل خدمت کتابداران ارائه شده است.

جدول ۴) توزیع فراوانی و درصد فراوانی کتابداران به تفکیک محل خدمت

محل خدمت	فراوانی	درصد فراوانی
دانشگاه بیرجند	۲۱	۴۷/۷
دانشگاه علوم پزشکی	۱۴	۳۱/۸
دانشگاه صنعتی	۲	۴/۵

۲ / ۳	۱	دانشگاه پیام نور
۱۱ / ۴	۵	دانشگاه آزاد اسلامی
۲ / ۳	۱	آموزشکده سپیده کاشانی
۱۰۰	۴۴	جمع

همان گونه که در جدول ۴ نشان می‌دهد، تقریباً نیمی از کتابداران (۴۷/۷٪) از دانشگاه بیرجند انتخاب شده‌اند و بعد از آن ۳۱/۸٪ آنان از دانشگاه علوم پزشکی بوده‌اند. کمترین تعداد کتابداران (۲/۳٪) مربوط به دانشگاه پیام نور و آموزشکده سپیده کاشانی می‌باشند.

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

در این قسمت به محاسبه شاخص‌های آماری مؤلفه‌های فرایند بازاریابی پرداخته و هر یک از مؤلفه‌های آن را به‌طور جداگانه ارزیابی می‌شود. شاخص‌های آماری مؤلفه‌های فرایند بازاریابی در نمونه آماری مذکور، در جدول ۵ ارائه شده‌است.

جدول ۵) شاخص‌های آماری مؤلفه‌های فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند

مؤلفه ها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
محصول	۳/۷۶	۰/۵۵	۲ / ۷۴	۴/۷۹
مکان	۴/۱۰	۰/۶۲	۲ / ۵۰	۵
قیمت	۳/۷۷	۰/۵۶	۲ / ۴۰	۴/۸۳
تبلیغ	۳/۷۹	۰/۷۲	۱	۵

براساس نتایج جدول ۵، از بین مؤلفه‌های فرایند بازاریابی، مؤلفه مکان با میانگین ۴/۱۰ بیشترین امتیاز را به‌خود اختصاص داده است و سایر مؤلفه‌ها، دارای اختلاف امتیاز کمی با هم هستند.

تحلیل استنباطی

فرضیه اول پژوهش: وضعیت فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح مطلوبی قرار دارد.
به منظور تعیین وضعیت فرایند بازاریابی آزمون تی تک‌نمونه‌ای اجرا شد. جهت استفاده

از این آزمون، ابتدا پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱ بررسی شد، به‌طوری که نتایج نشان‌دهنده برقراری این پیش‌فرض بود. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای به منظور تعیین وضعیت فرایند بازاریابی در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶) نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، مقایسه میانگین فرایند بازاریابی با میانگین فرضی ۳

فرایند بازاریابی	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معنی‌داری (P)
	۳ / ۸۵	۰ / ۴۸۸	۱۱ / ۵۶	۰ / ۰۰۱

بر حسب یافته‌های جدول ۶، سطح معنی‌داری به‌دست آمده در آزمون تی تک‌نمونه‌ای، کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و از آن‌جائی که میانگین مشاهده شده بیشتر از میانگین فرضی ۳ است، لذا وضعیت فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند براساس مدل چهارپی، بیشتر از سطح متوسط است و در وضعیت مطلوبی قرار دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه دوم پژوهش: وضعیت هر یک از مؤلفه‌های فرایند بازاریابی بر اساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح مطلوبی قرار دارد.

برای آزمون فرضیه فوق، ابتدا پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها برای هر یک از مؤلفه‌های فرایند بازاریابی بررسی شد، به‌طوری که نتایج، برقراری این پیش‌فرض را برای همه مؤلفه‌ها نشان داد. جهت تعیین وضعیت مؤلفه محصول، آزمون تی تک‌نمونه‌ای اجرا شد. نتایج این آزمون در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷) نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، مقایسه میانگین مؤلفه محصول با میانگین فرضی ۳

مؤلفه محصول	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معنی‌داری (P)
	۳ / ۷۶	۰ / ۵۵	۹ / ۲۳	۰ / ۰۰۱

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد میانگین مؤلفه محصول، اختلاف معنی‌داری با میانگین فرضی ۳ دارد ($p=0/001$) و چون مقدار به‌دست آمده برای میانگین این مؤلفه بیشتر از میانگین فرضی ۳ است، لذا می‌توان دریافت از نظر کتابداران، میزان مؤلفه مذکور در

کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بیشتر از سطح متوسط است و در وضعیت مطلوبی قرار دارد. در جدول ۸ نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای به منظور تعیین وضعیت مؤلفه مکان ارائه شده است.

جدول ۸) نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، مقایسه میانگین مؤلفه مکان با میانگین فرضی ۳

میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معنی‌داری (P)	مؤلفه مکان
۴/۱۰	۰/۶۲	۱۱/۷۷	۰/۰۰۱	

یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری به‌دست آمده در آزمون تی تک‌نمونه‌ای، کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و با توجه به بیشتر بودن میانگین این مؤلفه از میانگین فرضی ۳، می‌توان نتیجه گرفت وضعیت مؤلفه مکان در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، بیشتر از سطح متوسط است و در وضعیت مطلوبی قرار دارد. به منظور تعیین وضعیت مؤلفه قیمت، آزمون تی تک‌نمونه‌ای اجرا شد که نتایج این آزمون در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹) نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، مقایسه میانگین مؤلفه قیمت با میانگین فرضی ۳

میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معنی‌داری (P)	مؤلفه قیمت
۳/۷۷	۰/۵۶	۹/۱۶	۰/۰۰۱	

بر اساس نتایج جدول ۹، میانگین مؤلفه قیمت اختلاف معنی‌داری با میانگین فرضی ۳ دارد ($p=0/001$) و از طرفی میانگین به‌دست آمده برای این مؤلفه نیز بیشتر از میانگین فرضی ۳ است. در نتیجه، میزان مؤلفه مذکور در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بیشتر از سطح متوسط بوده و لذا در وضعیت مطلوبی قرار دارد. در جدول ۱۰ نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای به منظور تعیین وضعیت مؤلفه تبلیغ ارائه شده است.

جدول ۱۰) نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، مقایسه میانگین مؤلفه تبلیغ با میانگین فرضی ۳

میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معنی‌داری (P)	مؤلفه تبلیغ
۳/۷۹	۰/۷۲	۷/۳۳	۰/۰۰۱	

یافته‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد میانگین مؤلفه تبلیغ، اختلاف معنی‌داری با میانگین فرضی ۳ دارد ($p=0/001$) و چون میانگین به‌دست آمده برای این مؤلفه بیشتر از میانگین فرضی ۳ است، لذا می‌توان دریافت از نظر کتابداران، میزان مؤلفه تبلیغ در

کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بیشتر از سطح متوسط است و در وضعیت مطلوبی قرار دارد. بنابراین فرضیه دوم این پژوهش مبنی بر این که وضعیت هر یک از مؤلفه‌های فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی (محصول، مکان، قیمت و تبلیغ) در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند در سطح مطلوبی قرار دارد، لذا این فرضیه تأیید می‌شود.

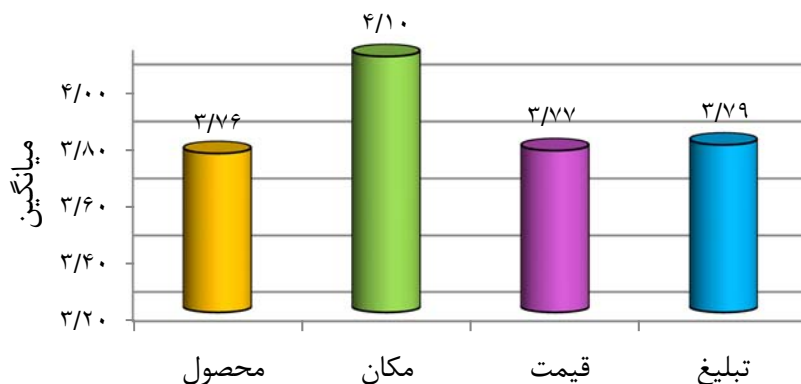
فرضیه سوم پژوهش: بین مؤلفه‌های فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

به منظور تعیین تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مؤلفه‌های فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند از آزمون T2 هتلینگ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول ۱۱) یافته‌های آزمون T2 هتلینگ

آزمون	مقدار	آماره F	سطح معنی‌داری (P)
اثر هتلینگ	۶۵ / ۸۳	۶۵۸ / ۳۸	۰ / ۰۰۱

بر اساس اطلاعات جدول ۱۱، چون سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، لذا تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مؤلفه‌های فرایند بازاریابی بر اساس مدل چهارپی وجود دارد. در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. در نمودار ۱ نیز این اختلاف قابل مشاهده است.



نمودار ۱) میانگین مؤلفه‌های فرایند بازاریابی بر اساس مدل چهارپی

فرضیه چهارم پژوهش: بین دیدگاه کتابداران در مورد فرایند بازاریابی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، میزان تحصیلات و دانشگاه محل خدمت) آنها، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیه فوق، برای متغیر جنسیت از آزمون تی مستقل و برای بقیه متغیرها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. جهت استفاده از این آزمون‌ها، ابتدا پیش‌فرض‌های نرمال بودن توزیع داده‌ها و همگنی واریانس‌ها بررسی شد. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و جهت بررسی مفروضه همگنی واریانس‌ها از آزمون لون^۱ استفاده شد. نتایج نشان دهنده برقراری این پیش‌فرض‌ها بود.

در جدول ۱۲، شاخص‌های آماری (میانگین و انحراف معیار) مؤلفه‌های فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بر حسب جنسیت آنها به همراه نتایج آزمون تی مستقل ارائه شده است.

جدول ۱۲) نتایج آزمون تی مؤلفه‌های بازاریابی بر حسب جنسیت

جنسیت	محصول		مکان		قیمت		تبلیغ	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
زن	۳ / ۸۱	۰ / ۵۴	۴ / ۱۸	۰ / ۶۵	۳ / ۷۴	۰ / ۶۳	۳ / ۸۰	۰ / ۷۷
مرد	۳ / ۶۷	۰ / ۵۶	۳ / ۹۴	۳ / ۹۴	۳ / ۸۲	۰ / ۳۷	۳ / ۷۹	۰ / ۶۳
نتایج آزمون تی مستقل	T= ۰/۷۹۱ P= ۰/۴۳۳		T= ۱/۲۱۱ P= ۰/۲۳۳		-T= ۰/۴۵۹ P= ۰/۶۴۹		T= ۰/۰۳۸ P= ۰/۹۷	

براساس یافته‌های جدول ۱۲، بین میانگین نمرات مؤلفه‌های فرایند بازاریابی زنان و مردان، در هیچ یک از این مؤلفه‌ها از لحاظ آماری اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تی مستقل برای همه مؤلفه‌ها بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. جدول ۹ شاخص‌های آماری (میانگین و انحراف معیار) مؤلفه‌های فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند را به تفکیک گروه‌های سنی به

انضمام نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه نشان می دهد.

جدول ۱۳) نتایج توصیفی و تحلیل واریانس مؤلفه های فرایند بازاریابی به تفکیک گروه های سنی

محبصول		مکان		قیمت		تبلیغ		سن
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۴/۰۲۶	۰/۰۴	۴/۵۵	۰/۰۷	۴/۳۳	۰/۰۰۱	۴/۱۷	۰/۲۳	زیر ۲۵ سال
۳/۵۷	۰/۵۷	۴/۲۲	۰/۶۹	۴/۰۴	۰/۴۴	۳/۳۳	۰/۸۵	۳۰-۲۵
۳/۲۶	۰/۴۲	۳/۷۷	۰/۳۲	۳/۱۱	۰/۱۹	۳/۱۵	۰/۳۵	۳۵-۳۰
۳/۹۱	۰/۵۴	۳/۹۳	۰/۶۳	۳/۵۱	۰/۷۱	۳/۸۸	۰/۵۷	۴۰-۳۵
۳/۶۸	۰/۶۴	۴	۰/۹۱	۳/۸۷	۰/۴۲	۳/۷۷	۱/۲۰	۴۵-۴۰
۳/۹۷	۰/۵۱	۴/۳۰	۰/۴۷	۳/۹۷	۰/۴۶	۴/۰۲	۰/۵۱	۵۰-۴۵
۳/۲۹	۰/۲۷	۳/۹۴	۰/۵۳	۳/۴۶	۰/۳۱	۳/۶۲	۰/۳۴	۵۵-۵۰
F= ۱/۶۷۷ P= ۰/۱۵۴		F= ۰/۷۷۱ P= ۰/۵۹۸		F= ۲/۵۶۵ P= ۰/۰۳۵		F= ۱/۰۵۴ P= ۰/۴۰۷		نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه

نتایج جدول ۱۳، تفاوت معناداری را بین میانگین نمرات مؤلفه های فرایند بازاریابی در رده های سنی مختلف (تنها در مؤلفه قیمت)، نشان می دهد، زیرا برای این مؤلفه سطح معنی داری به دست آمده در آزمون تحلیل واریانس یک راهه کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است ($p=0/035$). در نتیجه، بین نظر کتابداران بر حسب سن در رابطه با مؤلفه تبلیغ، اختلاف معنی داری وجود دارد. شاخص های آماری (میانگین و انحراف معیار) مؤلفه های فرایند بازاریابی در کتابخانه های دانشگاهی شهر بیرجند بر حسب میزان تحصیلات در جدول ۱۴ آمده است. علاوه بر این نتایج، آزمون تحلیل واریانس یک راهه نیز در این جدول ارائه شده است.

جدول ۱۴) نتایج توصیفی و تحلیل واریانس مؤلفه های فرایند بازاریابی بر حسب میزان تحصیلات

محبصول		مکان		قیمت		تبلیغ		میزان تحصیلات
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۳/۶۸	۰/۶۷	۴/۲۵	۰/۴۷	۳/۸۳	۰/۳۳	۳/۹۲	۰/۳۹	دیپلم

کارشناسی	۳/۸۲	۰/۴۹	۴/۱۲	۰/۶۲	۳/۷۵	۰/۵۶	۳/۸۴	۰/۵۱
کارشناسی ارشد	۳/۶۷	۰/۶۸	۳/۹۶	۰/۷۲	۳/۷۹	۰/۶۹	۳/۵۷	۱/۱۹
نتایج آزمون تحلیل واریانس یکراهه	F= ۰/۳۲۶ P= ۰/۷۲۴	F= ۰/۷۷۱ P= ۰/۵۹۸	F= ۰/۰۵۱ P= ۰/۹۵۰	F= ۰/۶۰ P= ۰/۵۵۴				

یافته‌های جدول ۱۴ نشان می‌دهد بین نظر کتابداران بر حسب میزان تحصیلات آنها در رابطه با مؤلفه‌های فرایند بازاریابی از لحاظ آماری، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای همه مؤلفه‌ها، بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. در جدول ۱۵ شاخص‌های آماری (میانگین و انحراف معیار) مؤلفه‌های فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بر حسب محل خدمت آنها به همراه نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه ارائه شده است. جدول ۱۵) نتایج توصیفی و تحلیل واریانس مؤلفه‌های فرایند بازاریابی به تفکیک محل خدمت

پاسخ‌دهندگان

محل خدمت	محصول		مکان		قیمت		تبلیغ	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دانشگاه بیرجند	۳/۷۹	۰/۵۸	۴/۰۹	۰/۶۵	۳/۸۹	۰/۴۷	۳/۹۶	۰/۵۳
دانشگاه علوم پزشکی	۳/۶۲	۰/۵۵	۴/۰۵	۰/۶۲	۳/۵۷	۰/۷۰	۳/۳۹	۰/۹۲
دانشگاه صنعتی	۳/۲۶	۰/۰۷	۳/۴۵	۰/۰۷	۰/۵۸	۰/۱۲	۳/۵۰	۰/۲۳
دانشگاه پیام نور	۳/۷۴	-	۴	-	۳/۳۳	-	۳/۵۰	-
دانشگاه آزاد اسلامی	۴/۱۴	۰/۲۸	۴/۶۰	۰/۴۷	۴	۰/۲۳	۴/۳۷	۰/۴۶
آموزشکده سپیده کاشانی	۴/۳۱	-	۳/۸۰	-	۰/۶۷	-	۴	-
نتایج آزمون تحلیل واریانس یکراهه	F= ۱/۲۴۹ P= ۰/۳۰۶	F= ۱/۱۹۴ P= ۰/۳۳۱	F= ۰/۸۹۲ P= ۰/۴۹۶	F= ۲/۰۹۵ P= ۰/۰۸۷				

بر اساس نتایج جدول ۱۵، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مؤلفه‌های فرایند بازاریابی کتابداران بر حسب محل خدمت وجود ندارد، زیرا برای همه مؤلفه‌های فرایند بازاریابی، سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون تحلیل واریانس یکراهه بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. لذا می‌توان گفت بین نظرات کتابداران بر حسب محل خدمت

در رابطه با مؤلفه‌های محصول، مکان، قیمت و تبلیغ از لحاظ آماری، اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه چهارم این پژوهش تنها برای مؤلفه تبلیغ برحسب ویژگی جمعیت‌شناختی سن، تأیید می‌شود و برای سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش‌های انجام شده چنین برداشت می‌شود که پذیرش و به‌کارگیری اصول بازاریابی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، با توجه به رقابتی شدن هر چه بیشتر محیط و همچنین افزایش هزینه‌ها و کاهش بودجه‌ی این مراکز، به امری ناگزیر در عصر حاضر تبدیل شده که توجه ویژه‌ی کتابداران و مدیران اطلاعاتی را به این موضوع بیش از پیش ضروری می‌سازد. نتایج این پژوهش نشان داد که وضعیت مؤلفه‌های فرایند بازاریابی بر اساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند بیشتر از سطح متوسط و در وضعیت مطلوبی قرار دارد و همچنین اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های فرایند بازاریابی معنادار است. مؤلفه مکان دارای بهترین وضعیت نسبت به سایر مؤلفه‌ها است و مؤلفه‌های تبلیغ، قیمت و محصول به ترتیب اولویت در مراحل بعدی قرار دارند و در پژوهش‌های مشهدی (۱۳۸۹) و صدیق (۱۳۹۰) هم مؤلفه مکان اولویت اول را به خود اختصاص داده است و همچنین با یافته‌های هفتادی یام (۱۳۹۵)، نوروزی و عربلو (۱۳۸۹) و کومار (Kumar, 2012) که مؤلفه مکان در جذب کاربران به کتابخانه تأثیر دارد، مشابه می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های شاپوری (۱۳۸۶)، بزرگی و نصیری (۱۳۸۸) و کیم و پارک (Kim & Park, 2006) و شعبانی و دیگران (۱۳۹۲) هم‌خوانی دارد و این نتیجه را نشان داد که در کتابخانه‌های مذکور، بازاریابی اطلاعات مورد توجه است و خدمات ارائه شده بر مبنای نیاز مراجعان است. داشتن این دید به بازاریابی اطلاعات، سبب افزایش کارایی کتابخانه و گسترش فعالیت‌های اطلاعاتی و خدمات بهتر به مراجعان و در نتیجه افزایش رضایت مراجعان خواهد شد. اما با نتایج پژوهش‌های گوهری، رحمتی‌تاش و تاجداران (۱۳۸۸) و صدیق (۱۳۹۰) مغایرت دارد. نتایج پژوهش

آنها نشان داد که کتابخانه‌های مذکور از نظر آمیخته‌های بازاریابی در وضعیت مناسبی نیستند. لذا انتظار می‌رود که مدیران این کتابخانه‌ها، شرایط لازم برای به‌کارگیری آمیخته‌های بازاریابی در کتابخانه‌هایشان فراهم کنند. یافته‌های پژوهش هم‌چنین نشان داد که اختلاف میانگین‌ها در متغیر جمعیت‌شناختی جنسیت، تحصیلات و محل خدمت، تفاوت معنی‌داری ندارد و فقط بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی در رده‌های سنی مختلف، آن هم تنها در مؤلفه قیمت و تبلیغ، اختلاف معنی‌داری نشان می‌دهد. از این‌رو، نتایج تحقیق دی‌سائز (De Saez, 2007) و شعبانی و دیگران (۱۳۹۲)، با این متغیر هم‌خوانی دارد.

پیشنهادهات

با توجه به وضعیت مناسب فرایند بازاریابی براساس مدل چهارپی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر بیرجند، پیشنهادهای کاربردی زیر در ارتباط با هر مؤلفه برای تقویت هر چه بهتر آن و به‌کارگیری در سایر کتابخانه‌ها مطرح می‌شوند.

مؤلفه‌ی محصول اطلاعاتی

۱- با ایجاد کردن بخش ترجمه در زمینه‌های تخصصی و ارائه خدمات ترجمه در حوزه‌های مختلف و خدمت‌رسانی به تمامی متخصصان دانشگاهی و جویندگان دانش
۲- بهبود وضعیت خدمات مرجع رودرو ۳- ارائه خدمات مرجع از طریق تلفن، گفتگوی اینترنتی، پست الکترونیکی ۴- تأسیس بخش تأمین مدرک ۵- ارائه همکاری‌های اطلاعاتی و خدماتی بین کتابخانه‌های دانشگاهی و سایر مراکز علمی- پژوهشی.

مؤلفه‌ی ترویج خدمات اطلاعاتی

۱- دسترسی به اینترنت رایگان برای اعضای فعال کتابخانه ۲- ارسال خبرنامه کتابخانه برای اعضای هیأت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۳- اطلاع‌رسانی درباره کتابخانه از طریق سایر نشریات دانشگاه ۴- ارتباط با کاربران از طریق پست الکترونیکی درباره رویدادها و خدمات کتابخانه.

مؤلفه‌ی قیمت خدمات اطلاعاتی

۱- با ایجاد کتابخانه دیجیتال (متن، ویدئو، صدا) در قالب‌های دیجیتال در ۲۴ ساعت

شبانه روز، اعضا کتابخانه مادامی که اتصال به اینترنت برقرار باشد، می توانند به اطلاعات موجود دسترسی داشته باشند ۲- ارائه خدمات کتابخانه در کوتاه ترین زمان ممکن، تأمین پهنای باند مناسب در سیستم الکترونیکی کتابخانه ۳- تنظیم قراردادهای امانت بین کتابخانه ای با هزینه مناسب برای کاربران ارتقای خدمات و راه های تعاملی.

مؤلفه های مکان عرضه ی خدمات اطلاعاتی

- ۱- افزایش ایجاد فضاهای متنوع (فروشگاه و اتاق های آموزش، استراحت، کارگروهی و...)
- ۲- وجود امکانات بیشتر برای استفاده معلولان.

منابع

- اشرفی ریزی، حسن (۱۳۸۷). "بازاریابی خدمات و محصولات اطلاعاتی در کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی". *فصلنامه کتاب*، ش ۷۴ (تابستان): ۴۱-۵۲.
- بزرگی، اشرف السادات؛ نصیری، سمیه (۱۳۸۸). "بازاریابی اطلاعات در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه مدل پیشنهادی". *فصلنامه دانش شناسی*، سال ششم، ش ۶ (پاییز): ۱-۱۰.
- بصیریان جهرمی، رضا (۱۳۸۷). "امکان سنجی اجرایی شدن اصول بازاریابی در کتابخانه های مرکزی و دانشکده های دانشگاه های دولتی شهر تهران از دید سرپرستان". پایان نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- تفریشی، شکوه؛ صدیق، مرضیه (۱۳۹۲). "مقایسه به کارگیری شیوه آمیخته بازاریابی در کتابخانه های عمومی نهادی و مشارکتی استان قم". *فصلنامه دانش شناسی*، دوره ششم، ش ۲۲ (پاییز): ۱-۱۹.
- جلیل پور، پیمان (۱۳۹۰). "بررسی امکان به کارگیری مدل بازاریابی چهارپی در کتابخانه های عمومی استان خوزستان بر اساس نظرات مدیران و کتابداران این کتابخانه ها". پایان نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- شاپوری، سودابه (۱۳۸۶). "مطالعه رابطه میان به کارگیری شیوه های بازاریابی و

- استفاده از کتابخانه‌های عمومی کشور و ارائه راهکارهای مناسب". پایان‌نامه دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات).
- شعبانی، احمد، و دیگران (۱۳۹۲). "بررسی وضعیت فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان براساس مدل هفت‌پی". *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، دوره ۴۷، ش ۴ (زمستان): ۴۱۵-۴۳۰.
- صدیق، مرضیه (۱۳۹۰). "بررسی میزان به‌کارگیری شیوه آمیخته بازاریابی در کتابخانه‌های عمومی استان قم". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد شمال).
- گوهری، حمیده؛ رحمتی‌تاش، مریم؛ تاجدران، منصور (۱۳۸۸). "بررسی میزان استفاده کتابخانه‌های عمومی شهر تهران از اصول بازاریابی". *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، دوره پانزدهم، ش ۴ (زمستان): ۱۲۵-۱۴۶.
- قربان‌نژاد یاملیق، هاجر (۱۳۸۹). "بررسی دیدگاه مدیران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان گیلان نسبت به استفاده از آمیخته‌های بازاریابی (محصول، مکان، بهاء و ترویج) برای بهره‌گیری بیشتر مراجعان از خدمات کتابخانه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- مشهدی، ناهید (۱۳۸۹). "امکان‌سنجی اجرایی شدن فرایند بازاریابی در کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات).
- نوروزی، یعقوب؛ عربلو، حمید (۱۳۸۹). "بررسی کاربرد اصول بازاریابی در ارائه خدمات اطلاعاتی در کتابخانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی". *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، سال چهل و چهارم، ش ۵۲ (تابستان): ۹۳-۱۱۱.
- هفتادی‌یام، زهرا (۱۳۹۵). "عوامل مؤثر بر جذب کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز با استفاده از مدل بازاریابی چهارپی". در: همایش ملی پژوهش‌ها مدیریت و علوم انسانی. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه پژوهشی مدیریت مدبر: ۱-۱۸.

-
- De Saez, E. E. (2007). *Marketing Concepts for Libraries and information services*. New York: Neal- Schuman.
 - Kim, H.; Park, Y. (2006). "Marketing analysis of reference and information services in Korean libraries". in: *world library and information congress: 72nd IFLA General Conference and Council*. Seoul. From <http://www.emeraldinsight.com> [2008/2/29].
 - Kotler, P.; Armstrong, G. (1999). *Principles of Marketing*. (6) . New Jersey: Pearson Prentice Hall.
 - Kumar, P. K. (2012). "University Libraries in Kerala: A SWOT Analysis for Marketing". [online]. Available:<http://digitalcommons.unl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1900&context=libphilpra> [2008/3/10].
 - Weingand, Darlene (1999). *Marketing/Planning Library and Information Services*, Colorado: Libraries Unlimited.
 - Yeu, c., et al. (2012). "A Comparative Study on International Marketing Mix in china and india". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 65, No. 3: 1054 – 1059.

بررسی وضعیت کیفیت تدریس مدرسان در نظام آموزش عالی: ضرورت توجه به تدریس تعاملی (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه جامع علمی - کاربردی خراسان جنوبی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۱۵

افسانه عبدلی^۱

هادی پورشافعی^۲

فاطمه زین الدینی میمند^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی وضعیت کیفیت تدریس مدرسان در نظام آموزش عالی با توجه به میزان توجه به تدریس تعاملی است. برای این منظور از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. افراد نمونه به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و براساس معیار اشباع نظری به تعداد ۲۵ دانشجوی ترم ششم تا ترم هشتم کارشناسی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که از نظر دانشجویان، اکثر مدرسان از روش سخنرانی و توضیحی استفاده می‌کنند و جزوه‌گویی بخش اعظم کلاس را به خود اختصاص می‌دهد. هم‌چنین علل گرایش مدرسان به این روش‌ها را عدم تسلط کافی اساتید، راحت‌طلبی، مشغله فراوان مدرسان و نیز مسائل کلاسی از قبیل فرصت کم، شلوغی و بی‌نظمی در کلاس می‌دانند. اکثر دانشجویان بر این اعتقاد بودند که در فعالیت‌های علمی کلاس، مشارکت داده نمی‌شوند. هم‌چنین به اعتقاد آن‌ها بین استاد و دانشجو در فرایند یاددهی و یادگیری، تعامل علمی وجود ندارد و صرفاً مدرسان به ارائه دروس بدون به چالش کشیدن ذهن دانشجویان می‌پردازند. دانشجویان استفاده از روش‌های فعال به‌منظور مشارکت دانشجو در کلاس را برای بهبود وضعیت فعلی پیشنهاد نمودند.

واژگان کلیدی: کیفیت تدریس، آموزش عالی، دانشگاه، روش تدریس تعاملی

afssanabdoli@gmail.com

pourshafei@yahoo.com

fatete_z@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه بیرجند

۳. مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

مقدمه

امروزه دانشگاه‌ها به دلیل نقش اساسی‌شان در امر آموزش سرمایه انسانی برای تولید و نقد دانش و فناوری جدید، آماده‌سازی شغلی، پرورش تفکر انتقادی، ارائه راهبردهای تغییر اجتماعی و رویارویی فعال با تحولات جهانی و ... عامل کلیدی توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جوامع بشری، محسوب می‌شوند (میرکمالی و نارنجی‌ثانی، ۱۳۸۷: ۷۳ و ۷۴). لذا در عین حال که با «دانشگاه‌های مختلف جهان وارد رقابت‌های بین‌المللی می‌شوند، به‌طور فزاینده‌ای با فشارهای مختلفی نظیر فشارهای بازار کار برای رابطه با صنعت و تقاضای دانشجویان، فشارهای دولت در برابر دریافت بودجه‌های عمومی، فشارهای استانداردهای حرفه‌ای اعتبارگذاری، فشارهای فناوری برای استفاده از یادگیری برخط و فشارهای علمی برای حفظ موقعیت بین‌المللی در تدریس و پژوهش و ... مواجه هستند» (Blackmore, 2009: 857). به این ترتیب، «در حالی که آموزش عالی کالایی فناورانه و بین‌المللی می‌شود، این فشارها بر مباحث کیفیت آموزش و پژوهش به‌عنوان شاخص تمایز دانشگاه‌ها متمرکز می‌یابند. در چارچوب وسیع‌تری، تضمین کیفیت به یکی از فناوری‌های انضباطی - که به‌وسیله دولت و دانشگاه در جامعه برای تولید بهتر دانش و کارگران دانش اداره می‌شود - و شاخص تمایز دانشگاه‌ها در رقابت‌های عملکردی در بازار بین‌المللی تبدیل می‌شود» (Ibid: 858). بنابراین کیفیت، بر اساس این تعریف، مجموعه اهداف تحقق‌یافته معنی خواهد داد. مهم‌ترین انتظارات تصریحی از دانشگاه را غالب پژوهشگران بویژه سازمان علمی - فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، انتقال دانش (آموزش)، تولید دانش (پژوهش) و اشاعه و نشر دانش (ارائه خدمات به جامعه) می‌دانند (معروفی، مهرمحمدی و علی‌عسکری، ۱۳۸۶: ۸۳). شبکه بین‌المللی تضمین کیفیت در آموزش عالی نیز به معرفی استانداردهایی (مانند تدریس اثربخش، کسب تجربه و یادگیری، استقرار جو علمی، انتشار مقاله و کتاب و ...) برای سنجش این انتظارات تصریحی، پرداخته‌اند (Graft, 1994: 12-19).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مؤلفه‌ای که در بحث کیفیت دانشگاه‌ها مد نظر قرار گرفته است، آموزش (روش‌های تدریس) می‌باشد، چرا که تأمین کیفیت در بخش آموزش یک

محرك قوی برای ساختن و خلق دانش همراه با فهم زندگی کاری و اصلاح مجدد مفهوم دانش در موقعیت‌های یادگیری خواهد بود. هم‌چنین، ضرورت توجه به کیفیت آموزش (تدریس) تا حدود زیادی به خصوصیت عصر حاضر یعنی انفجار دانش برمی‌گردد. زیرا «از یک طرف، توجه صرف به کمیت در کسب اطلاعات به پایان رسیده و برای ورود به عصر دانایی و روبه‌رو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست و یکم، چاره‌ای جز توجه به کیفیت در آموزش نداریم و از طرف دیگر، متون آموزشی را همه‌جا می‌توان یافت، اما راهبردها و شیوه‌های تدریس است که می‌تواند تضمین‌کننده یادگیری باشد. به همین دلیل، چگونگی تدریس از محتوای آن اهمیت بالاتری یافته است. بر این اساس، آنچه به کلاس درس و فعالیت‌های آن روح و هویت می‌بخشد، توانمندی‌ها و قابلیت‌های اساتید می‌باشد که عموماً در قالب شیوه‌های تدریس نمود و عینیت می‌یابند» (فتیحی‌آذر، ۱۳۸۲: ۹۸). به این ترتیب می‌توان کیفیت آموزش را این‌گونه تعریف کرد که کیفیت آموزش، به آن دسته از ویژگی‌های عناصر آموزشی اطلاق می‌شود که با حداکثر استفاده از استعدادها و توانایی‌های آن عناصر، می‌توان نیازها و انتظارات تصریحی و تلویحی فراگیران و دست‌اندرکاران آموزش را برآورده کرده و رضایت آنان را جلب نمود (صلاحی و شکراللهی، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۴؛ هویدا و مولوی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). از این‌رو، در کشورهای پیشرفته، شاهد تغییرات بی‌وقفه در برنامه‌های آموزشی و روش‌های تدریس آنها می‌باشیم. یکی از تغییرات اساسی در این زمینه، به‌کارگیری روش‌های متنوع و فعال تدریس در فرایند یاددهی - یادگیری است. با وجود این‌که روزانه بحث‌های زیادی در مورد کیفیت تدریس می‌شود و کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره‌ی بهبود کیفیت تدریس به چاپ می‌رسد، اما در نظام جاری آموزش، تدریس در بدترین شکل خود به صورت انتقال اطلاعات است. انتقال اطلاعات به فراگیر به طرز فراموش‌نشدنی "اندیشه‌های بی‌حرکت" نامیده می‌شود، قالب‌های دانش که از فراگیر خواسته می‌شود آنها را بدون چون‌وچرا و بدون استفاده در جهت اهداف خود، به‌خاطر بسپارد (وایت‌برد، ۱۳۸۴: ۸۴). بنابراین، موضوع این پژوهش بررسی وضعیت کیفیت تدریس در آموزش عالی و ضرورت توجه به تدریس تعاملی در دانشگاه جامع علمی- کاربردی خراسان

جنوبی مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب، به منظور دستیابی به هدف پژوهش، سؤالات ذیل مطرح شد:

- ۱- مدرسان برای یادگیری دانشجویان بیشتر از چه روشهایی در تدریس استفاده می کنند؟
- ۲- چرا مدرسان به روش تدریس خاصی گرایش دارند؟
- ۳- دانشجو تا چه اندازه در حین تدریس در فعالیتهای کلاسی مشارکت دارد؟
- ۴- تا چه میزان نسبت به روشهای تدریس تعاملی آگاهی وجود دارد؟ آیا این روشها در کلاسهای درسی کار برده می شوند؟
- ۵- چگونه می توان مشارکت دانشجو را در بحثهای کلاسی افزایش داد؟ چه راهکارهایی را برای مشارکت دانشجو در فرایند کلاسی وجود دارد؟

کیفیت تدریس و توجه به عاملیت انسان

دانشگاهها هر ساله به منظور آگاهی از تحقق استانداردهای کیفیت، به ارزیابی کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات می پردازند. ارزیابی در آموزش عالی عبارت است از فرایند شناسایی و جمع آوری دادهها، به منظور قضاوت در خصوص کیفیت عوامل تشکیل دهنده این نظام می باشد (مؤمنی ماسوله، نصرآزادانی و میرزامحمدی، ۱۳۸۵: ۱۹۸). بنابراین، ارزیابی تنها ابزاری است که انسان را قادر می سازد تا عملکرد نظام و توانایی آن را مورد سنجش قرار دهد، نشان دهد که آستانه‌ی کیفیت مشخص تا چه حد تحقق یافته و نسبت به استفاده‌ی بهینه از آن اطمینان ایجاد نماید. در ادامه به بررسی تدریس و آنچه آن را اثربخش و باکیفیت می نماید، پرداخته می شود.

یکی از مؤلفه‌های اصلی کیفیت در نظام آموزش عالی، کیفیت تدریس است. کیفیت این مؤلفه نیز بستگی به کیفیت روش یاددهی دارد. در واقع، ارتقای حرفه‌ای و بهبود کیفیت تدریس ازجمله راهبردهای عمده‌ی دانشگاهها می باشد (شریف و سالک، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۸). به اعتقاد مارش و دیگران (Marsh, et al., 2009: 440-442) کیفیت تدریس آن چیزی است که دانشجویان و اعضای هیأت علمی آن را تدریس

اثر بخش می‌دانند که مؤلفه‌های کلی تدریس و یادگیری را در بردارد. از نظر فینیک کیفیت تدریس می‌تواند حاصل سازگاری شش جزء به این شرح تصور شود؛ ویژگی‌های دانشجویان، ویژگی‌های استاد، تصمیمات برنامه‌ی درسی استاد، رفتار کلاسی استاد، میزان یادگیری و عوامل مؤثر وابسته به محیط (معروفی، مهرمحمدی و علی‌عسکری، ۱۳۸۶: ۴۳). هم‌چنین، تدریس کیفی نیز استفاده از فن‌های آموزشی برای تولید نتایج یادگیری برای فراگیران است (Henard and Roseveare, 2012: 12).

برای حصول کیفیت تدریس توجه به مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده کلاس ضروری است. همان‌طور که می‌دانیم تعلیم و تربیت، بیش از هر چیز بر تعامل استاد و دانشجو استوار است. تعامل میان استاد و دانشجو، مفهوم خاصی دارد که باید به آن توجه کافی شود. مفهوم عامی از تعامل وجود دارد که به معنای تأثیر و تأثر متقابل است، اما در مفهوم خاص تعامل که در این مقاله مورد نظر است، رابطه تعاملی تنها میان عامل‌ها قابل تصور است. انسان به‌منزله عامل، رویکرد ویژه‌ای به انسان دارد که طبق آن، آدمی مظهر عمل است و می‌توان رفتارهای او را عمل دانست (باقری، ۱۳۹۲: ۷). روان‌شناسی انسان عامل، متمرکز بر تلاش و انجام کار و عمل به‌وسیله افراد است.

هنگامی که عاملیت انسان پذیرفته شود، استاد و دانشجو هر دو به‌منزله انسان‌اند و بنابراین به‌عنوان عامل خواهند بود و آنگاه رابطه آنها به‌صورت تعامل، به‌معنای خاص کلمه، آشکار خواهد شد. از منظر این رابطه تعاملی، استاد همواره باید خود را در برابر دانشجو به‌عنوان انسان عاملی در نظر بگیرد که دیر یا زود، به‌کار شکل دادن به هویت خود خواهد پرداخت و از سوی دیگر، دانشجو نیز باید همواره خود را در برابر استاد به‌عنوان انسان عامل در نظر بگیرد. در این صورت، استاد تدریس خود را آموزاندن "به" کسی خواهد فهمید، چنان‌که دانشجو نیز یادگیری خود را آموختن "از" کسی خواهد دانست. بر این اساس، استاد دیگر کار خود را در درجه نخست آموزاندن "چه" درسی نخواهد دانست و هرگز نخواهد گفت: «من درس خود را می‌دهم و به چیز دیگری کار ندارم». از سوی دیگر، یادگیری دانشجو نیز همواره در درجه نخست، یادگیری "از" کسی است و نمی‌توان آن را به یادگیری صرف کاهش داد. بر این اساس، استاد نیز می‌تواند از دانشجو بیاموزد. هنگامی که می‌گوییم

استاد در کار آموزاندن "به" کسی است، ممکن است خود را با این سؤال دیرینه مورد نظر فیلسوفان تعلیم و تربیت مواجه ببیند که آیا در این صورت، باید قبول کرد که آموزاندن متضمن آموختن است؟ در پاسخ باید گفت که در واقع، آموزاندن متضمن وقوع آموختن نیست، زیرا آموختن دانشجو از او به عنوان انسان عامل سر می زند و بنابراین عاملیت او نیز دخیل است و بدون آن رخ نخواهد داد؛ اما بی تردید آموزاندن متضمن دغدغه نسبت به آموختن دانشجو است، به گونه ای که اگر متضمن آن نباشد، دیگر نمی توان آن را آموزاندن دانست. استادی که آموزاندن "به" دانشجو را به آموزاندن "چه" کاهش می دهد، خود را از دغدغه یاد شده می رهند، اما هم زمان خود را از جرگه استادی نیز بیرون می برد، زیرا کار استاد، در درجه نخست آموزاندن "به" کسی است. این رابطه تعاملی، قاعده تعلیم و تربیت است (باقری، ۱۳۹۲: ۸۷). از این رو، به نظر می رسد برای بهبود کیفیت تدریس و برای این که رابطه تعاملی هم چنان در قاعده تعلیم و تربیت بماند، نیاز است روش های تدریس تعاملی نیز مد نظر قرار گیرند. قبل از این که به بحث روش های تدریس تعاملی پرداخته شود، ماهیت تدریس و رابطه آن با یادگیری مورد بررسی قرار می گیرد.

ماهیت تدریس و رابطه آن با یادگیری

ماهیت تدریس و رابطه ی آن با یادگیری یکی از قدیمی ترین و در عین حال مهم ترین مباحثی است که در حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه فلاسفه و روانشناسان تربیتی قرار گرفته است. در این زمینه دو دیدگاه مطرح شده است:

دیدگاه نخست: نفی رابطه ی ضروری منطقی یا علت و معلولی میان یاددهی

و یادگیری

در دیدگاه نخست گفته می شود که استاد در جریان آموزش و یادگیری صرفاً مسؤول تدریس و انتقال مطالب به یادگیرندگان است و نه یادگیری آنها. چرا که در تحقق یادگیری عوامل گوناگونی دخالت دارند که استاد نمی تواند همه آن ها را کنترل کند. بر این اساس مسؤولیت یادگیری بیش از همه به عزم و اراده یادگیرنده و تلاش وی برای یادگیری بستگی دارد.

فنستر ماخر (Fenstermacher, 2000: 18-27) از فیلسوفان معاصر تعلیم و تربیت است که به شرح و بسط موضع خود در این زمینه اهتمام ورزیده است. به نظر او تا تدریسی در کار نباشد از یادگیری خبری نیست، لیکن اهتمام به انجام فعالیت‌های تدریس، شرط لازم و کافی برای تحقق یادگیری نمی‌باشد. تمثیل بسیار گویایی که در چارچوب این دیدگاه درباره ماهیت یاددهی و رابطه آن با یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، تمثیل مسابقه است. صاحب‌نظران این دیدگاه می‌گویند تحقق پیروزی و برد در مسابقه موکول و منوط به شرکت در مسابقه است، لیکن شرکت در مسابقه و وفاداری به رعایت قواعد و قوانین آن، شرط لازم و کافی برای پیروزی نیست؛ لذا همان‌گونه که اگر کسی در مسابقه برنده نشود، نمی‌توان شرکت او را در مسابقه انکار کرد. از این‌رو، عدم تحقق یادگیری را نمی‌توان ناشی از عدم تحقق یاددهی قلمداد کرد. در اینجا رابطه وجودی و نه علت و معلولی میان این دو حوزه روشن شده است. در چارچوب این دیدگاه، باید درباره شیوه‌ها و راهبردهای یاددهی و شیوه‌ها و راهبردهای یادگیری مستقلاً بحث شود. البته صاحب‌نظران به‌طور کلی در صدد نفی رابطه علت و معلولی در نیامده‌اند، بلکه فقط رابطه علت و معلولی را فاقد بنیان منطقی و عقلی می‌دانند.

این دیدگاه می‌تواند نوعی سستی، رخوت و بی‌تفاوتی در قبال نتیجه را در کارگزاران امر تدریس به‌وجود آورد. این وضعیت مصیبت‌بارترین وضعیت قابل تصور برای دستگاه تعلیم و تربیت و معرف خسران جبران‌ناپذیری است. نفی وجود ارتباط منطقی میان یاددهی و یادگیری در واقع، به‌منزله‌ی کاستن از پیچیدگی‌های ذاتی و تدارک دیدن یک پایگاه نظری است که با ساده‌اندیشی و ساده‌انگاری بیشتر موجب شتاب جریان نافرجام علمی کردن تدریس یا دستیابی به قواعد و ضوابط به اصطلاح غیرانضمامی و غیرحساس نسبت به موقعیت‌های ویژه و خصوصاً شرایط و ویژگی‌های یادگیرندگان برای هدایت جریان تدریس می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۱).

دیدگاه دوم: رابطه ضروری، علت و معلولی میان یاددهی و یادگیری

دیدگاه دوم، به نوعی به رابطه ضروری و الزامی میان یاددهی و یادگیری توجه دارد. در این دیدگاه، گفته می‌شود که تدریس کوششی است که به قصد یادگیری از سوی استاد طراحی و به اجرا گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر، در فرایند آموزش و یادگیری، مسئولیت اصلی بر عهده استاد است، اوست که با تهیه طرح تدریس مجموعه فعالیت‌های یاددهی و یادگیری را به گونه‌ای سازمان‌دهی و اجرا می‌کند که هدف‌های آموزشی تحقق یافته و تغییرات مورد انتظار در رفتار یادگیرندگان حاصل شود. در این دیدگاه، تدریس خوب کمک به خوب یادگرفتن دانشجویان است و آنها زمانی خوب یاد می‌گیرند که با نظارت و راهنمایی استاد خود روش‌ها و راهبردهای مناسب را در جریان یادگیری به کار گیرند. از نخستین افرادی که رابطه میان یاددهی و یادگیری را این گونه درک کرده، دیویی (Dewey, 1935) ویراستار گفتند اینجوری بنویسید است که در مقام تشریح دیدگاه خود از تمثیل فروش استفاده می‌کند و معتقد است که رابطه میان یاددهی و یادگیری از جنس رابطه میان خرید و فروش است. به دیگر سخن، همان گونه که تا خریدی اتفاق نیفتد در حقیقت فروشی صورت نگرفته است، می‌توان گفت تا زمانی یادگیری محقق نشده باشد، نمی‌توان گفت یاددهی یا تدریس اتفاق افتاده است (نقل در مهرمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۵؛ شعبانی‌ورکی، ۱۳۷۹: ۲۵-۳۰).

ماهیت تدریس از نظر قائلان به این دیدگاه، ماهیتی از نوع "دستاورد" است. این تلقی نسبت به ماهیت تدریس در تقابل با تلقی ماهیت تدریس به عنوان "وظیفه" یا "تکلیف" است. در حالی که در دیدگاه نخست، تدریس یا یاددهی را کوششی آگاهانه در چارچوب فعالیت‌های موضوع تدریس، به قصد انتقال محتوا به یادگیرنده می‌دانست. در این دیدگاه، به تدریس در چارچوبی گسترده‌تر نگریسته می‌شود که الزاماً باید به دستاورد یا موفقیتی که همان یادگیری است، منتهی شود. در غیر این صورت، تدریس نیز اتفاق نیفتاده است. روشن است که این گونه مفهوم‌پردازی درباره‌ی تدریس، مسئولیت سنگینی را متوجه استاد می‌کند.

از جمله افراد دیگری که به دفاع از این دیدگاه پرداخته‌اند می‌توان رایل، جویس و

ویل^۱ را نام برد. جويس و ويل بيان کرده‌اند که پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که الگوها در یادگیری محتوای گوناگون کارایی و اثربخشی داشته‌اند و استفاده درست از هر الگویی توسط استاد به‌منزله آشنا شدن دانشجویان با یک سازوکار یادگیری است. به این ترتیب، الگوهای تدریس در واقع الگوهای یادگیری نیز هستند (همانجا).

هم‌چنین، شواهد جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که بین رویکرد استاد به تدریس و کیفیت نتایج یادگیری دانشجو ارتباط وجود دارد. استادانی که جنبه‌ی مهم تدریس خود را یاری کردن به دانشجویان برای فهم عمیق‌تر و تغییر ادراک دانشجویان می‌دانند، روی آن‌چه دانشجویان انجام می‌دهند و آن‌چه نتایج یادگیری ناشی از فعالیت‌های آنها به‌دنبال دارد، تمرکز می‌کنند. این استادان، نقص یادگیری را تقریباً به همان اندازه که به حساب ضعف در کار دانشجو می‌گذارند، به شیوه‌ی تدریس خود نیز نسبت می‌دهند (کنن و نیوبل^۲، ۱۳۸۵: ۱۷).

با توجه به دیدگاهی که ارتباط بین تدریس و یادگیری را تشریح می‌کند، می‌توان از سه طبقه بزرگ روش‌های تدریس نام برد:

الف) روش‌های تدریس بانکی یا استادمحور و غیرفعال

دانشجویان در این روش‌ها به مانند ظرفی در نظر گرفته می‌شوند که باید به‌وسیله استاد پر شوند و هدف از یادگیری، تأیید از طرف استاد است. دانشجویان در کلاس درس منفعل‌اند و هیچ فعالیتی جز گوش دادن و حفظ کردن انجام نمی‌دهند. بنابراین دانشجویان در آن هیچ‌گونه خلاقیت، ابداع و نوآوری ندارند و فقط راهبرد حفظ کردن در آنها ارتقاء می‌یابد (Cuvenç & Acikgoz, 2007: 119-125). در این روش‌ها، کم‌کم ذهن دانشجو از مطالبی انباشته می‌شود که با نیاز و فکرش متناسب نیست و در نتیجه، به تدریج باعث ایجاد کسالت می‌شود و زمینه رکود و دل‌زدگی از فعالیت‌های علمی را فراهم می‌سازد. بر این اساس، درس‌هایی که با این روش‌ها ارائه می‌شوند، قادر نیستند دانش، نگرش و بینش و رفتار دانشجویان را تغییر دهند. در این روش‌ها، اطاعت،

1. Ryle, Joyce and Weill

2. Kenen and Newbell

پاداش و تنبیه بر رابطه‌ی استاد و دانشجو حکم فرماست و عدم اعتماد، تضاد، تناقض و حتی ترس، اغلب به مثابه بخشی از پیکره کلاس درس است (برانداز و گینیس^۱، ۱۳۸۴: ۷۸-۹۰). در واقع، یکی از کهن‌ترین گونه‌های واژگونی در منظومه تعاملی، استادمحوری است. در این عقیده، نظر بر آن است که استاد نقطه محوری تعلیم و تربیت است و اگر تحولی را در تعلیم و تربیت انتظار داریم، باید استاد‌های مجرب و مسلطی داشته باشیم. این عقیده به صورت شعاری در زبان انگلیسی نیز شهرت یافته است که طبق آن استاد چون "فرزانه در صحنه" معرفی می‌شود. اگر از منظر تعامل به این عقیده بنگریم، دانشجو در آن مغفول است و نه تنها به منزله عامل در نظر گرفته نشده، بلکه چون ماده خام شکل‌پذیری در دستان توانمند استاد مجرب لحاظ شده که تربیت او توسط استاد مشخص می‌شود. بنابراین، باید گفت که در این عقیده، آموزاندن "به" به آموزاندن "چه" کاهش یافته است. به عبارت دیگر، مهم این است که استاد به آن "چه" می‌خواهد بیاموزد، مسلط باشد و فرزاندگی خود را احراز کند؛ زیرا آموزاندن "به" کسی معطوف نیست و دانشجو در برابر استاد کسی نیست تا قرار باشد نظر و عاملیت او در محاسبه آید، بلکه ماده‌ای منفعل و پذیراست. پیامدهای این عقیده در آموزش و پرورش سنتی، به‌وفور دیده شده است که طبق آن، استاد تنها شخص زنده و تصمیم‌گیر در کلاس است و دانشجویان باید تنها برای تبعیت از او کوشش کنند و حتی گاه حق سؤال نیز نخواهند داشت، تا چه رسد به بحث و اظهار نظر. این رابطه شبان و گله در صورتی که به‌طور موفقیت‌آمیزی به اجرا درآید، آشکارا خود مانع تحول در آموزش و پرورش خواهد بود؛ زیرا فراهم آوردن آدم‌های گله‌وار به معنای تهی کردن آنها از آدمیت و عاملیت خودشان است و با چنین موجودیت تعطیل شده‌ای چگونه می‌توان انتظار دگرگونی در اوضاع تعلیم و تربیت یا جامعه را داشت (باقری، ۱۳۹۲: ۱۱).

معروف‌ترین این روش‌ها عبارتند از: روش سخنرانی، تمرین و تکرار، آزمایش و خطا، روش حکایت و روش نشان دادن.

ب) روش‌های تدریس مبتنی بر حل مسأله یا دانش‌آموزمحور و فعال

این روش‌ها بر مبنای طرح مسائل انسان در ارتباط با دنیا استوار است و بر طرح مسأله در کلاس‌ها از طریق مطرح کردن سؤالات به صورت مسأله قابلیت پیدا می‌کند (قورچیان، ۱۳۸۵: ۳۵-۴۲). بر طبق این روش‌ها، هر دانشجو حق دست یافتن به استعدادهای بالقوه‌ی خویش را دارد و این روش‌ها امکان دست یافتن به این حق را فراهم می‌سازند. در این روش‌ها فراگیران تشویق می‌شوند که فعالانه در فرایند یادگیری شرکت کنند و قبول مسئولیت نمایند. پاداش درونی در این روش حاصل لذتی است که نتیجه‌ی یادگیری، کشف، چالش و پرسش، تلاش و تکاپو در عرصه‌های جدید و انجام کارها بر پایه ابتکارات شخصی می‌باشد؛ که نتیجه آن تقویت یادگیری دانشجویان می‌باشد (برانداز و گینس، ۱۳۸۴: ۷۸-۹۰). در واقع، واژگونی دوم در منظومه تعاملی، درست نقطه مقابل عقیده نخست و به عنوان دانشجومحوری مطرح می‌شود. در واقع، این عقیده، واکنشی مستقیم در برابر استادمحوری است. در بسیاری از دیدگاه‌های جدید در تعلیم و تربیت، این عقیده مورد توجه قرار گرفته و هم‌چون شعاری برای تحول مطرح شده است. در این شعار که تعریضی به شعار "فرزانه در صحنه"، استاد به عنوان "راهنمای در کنار" معرفی می‌شود. این شعار که حاکی از بیرون راندن استاد از صحنه است، به طور ضمنی حکایت از فعال شدن دانشجو دارد. بسیاری از روش‌های فعال بر اساس این عقیده شکل گرفته‌اند و در همه آنها نظر بر آن است که استاد در کنار بایستد و اجازه دهد که دانشجو خود فعالانه به کار یادگیری بپردازد و در صورت لزوم و نیاز دانشجو، استاد به عنوان راهنما، نکاتی را به او گوشزد کند.

با نگرستن به این عقیده از منظر رابطه تعاملی باید گفت، اتفاقی که در آن افتاده، بار دیگر این است که رابطه تعاملی استاد - دانشجو مغفول مانده است. اگر در استادمحوری، آموزاندن "به" در معرض کاهش یافتن به آموزاندن "چه" قرار گرفته بود، در عقیده دانشجومحوری، اصل "آموزش" مورد تردید قرار گرفته و "یادگیری" جایگزین آن می‌شود. بنابراین، باید گفت که از استاد به عنوان "راهنمای در کنار" تا "راهنمای بر کنار" یک گام بیش نمانده است؛ زیرا مطلوب این عقیده آن است که یادگیری را در کانون توجه

قرار دهد و آموزش را در بوته اجمال نهد. اشکال این عقیده را نیز در همین نکته باید جستجو کرد که برای درمان بیماری استادمحوری، در مسیر حذف تدریجی نقش استاد گام گذاشته است. تحول در آموزش و پرورش به این معنا نیست که آموزش را در افول قرار دهیم و یادگیری را جایگزین آن نماییم (باقری، ۱۳۹۲: ۱۲).

در تعامل ناهمتر از استاد- دانشجو، قابلیت‌ها و رموزی نهفته است که با فروشکستن آن به نقش راهنمایی در کنار، آنها را از دست می‌دهیم. نکته‌سنجی‌های استاد و تجربه‌های انباشته‌ای که کسب کرده است، تنها در رابطه تعاملی قابل تبادل خواهد بود و دلیلی ندارد که بخواهیم با خودکاری دانشجو، او را از غنای این رابطه تعاملی محروم کنیم. همان‌گونه که والدین تصمیم‌گیر به جای کودک، به ظهور کودک شورشی ختم می‌شود که والدین را کنار می‌گذارد و در پی آن است که همه‌چیز را خود انجام دهد و خود یاد بگیرد، تردیدی نیست که استاد مداخله‌گر نیز به شورش یادگیری دامن می‌زند، اما این نیز روشن است که کار هر دو آنها به یک میزان نادرست است؛ زیرا هر دو ناقض رابطه تعاملی‌اند.

گرت بیستا (Gert Biesta) این به نقل از می‌باشد نیاز به سال نیست ویراستار هم تایید کردند با استفاده از اصطلاح "حاله به یادگیری" به‌خوبی اشاره می‌کند که برخی دیدگاه‌های جدید در پی آن هستند که یادگیری را در کانون گفت‌وگو و عمل تعلیم و تربیت قرار دهند و همه‌چیز تعلیم و تربیت را برحسب یادگیری تعبیر کنند. او در انتقاد به این گرایش اساسی به یادگیری می‌گوید: «... مدرسه جایی برای یادگیری نیست و نباید آن را چنین در نظر گرفت - البته اگر کسی بخواهد می‌تواند این‌گونه تعبیر کند - اما آن‌چه دانشگاه را دانشگاه می‌کند، این واقعیت است که آن، جایی برای آموزش است، چنان‌که این وجه ممیزه مدرسه در مقایسه با بیشتر اگر نه همه موقعیت‌ها، وضعیت‌ها و شرایط است» (همانجا). اصرار و تأکید بیستا بر آموزش در قبال گرایش افراطی به یادگیری، قابل درک و ستودنی است، اما به نظر می‌رسد او در محدود کردن وجه ممیزه مدرسه به آموزش و کنار گذاشتن یادگیری از این امر، خود نیز به انحراف رفته است. در واقع، باید گفت وجه ممیزه دانشگاه نسبت به بسیاری از موقعیت‌ها و نهادهای اجتماعی در این است که دانشگاه جایی برای یادگیری "از" استاد است، چنان‌که جایی هم برای آموزاندن "به"

دانشجو است. یادگیری می‌تواند به گونه‌های بسیاری انجام شود، چنان‌که دانشجو در خانه نیز در کنار رایانه خود در حال آموختن و یادگیری است، اما قید "از" کسی چون استاد، در آن جا صادق نیست. این شکل تعامل ناهمتراز (استاد- دانشجو) وجه ممیزه دانشگاه است و آموzاندن "به" کسی و آموختن "از" کسی، هر دو در حیطه آن قرار دارند. بیستا تعبیر یادگیری "از" رانمی‌پسندد و به جای آن، تعبیر "آموzانده شدن" را به کار می‌برد و استدلال او نیز این است که تعبیر اول، حاکی از آن است که دانشجو به کنترل استاد می‌پردازد و او را در اختیار دارد، در حالی که به نظر او، استاد هرگز محاط دانشجو نمی‌شود، بلکه دانشجو به‌طور پیش‌بینی‌ناپذیری هر زمان نسبت به نکته تازه‌ای، آموzانده می‌شود. بنابراین، از نظر بیستا، وجه ممیزه دانشگاه، آموzاندن و آموzانده شدن است و به این ترتیب، محور آموزش است. در نقد دیدگاه بیستا باید گفت که اگر ما رابطه تعامل ناهمتراز میان استاد و دانشجو را وجه ممیزه دانشگاه بدانیم، با نظر به این‌که استاد و دانشجو، هر دو عامل محسوب می‌شوند، نه تنها استاد برای دانشجو قابل کنترل و پیش‌بینی نیست، دانشجو نیز توسط استاد، به‌طور کامل قابل کنترل و پیش‌بینی نیست. عاملیت انسان با وجود اراده و اختیار در آن، مانع از تحت کنترل و پیش‌بینی کامل قرار گرفتن است. همان‌گونه که دانشجو در حالت گیجی و حیرتی که نسبت به مسأله‌ای پیدا کرده، ممکن است نکته‌ای را از استاد دریافت کند که او را شگفت‌زده و هیجان‌زده سازد، استاد نیز با وجود تجربه‌های آموزشی بسیار، ممکن است با دانشجویی مواجه شود که الگوهای مسلّم برآمده از تجربه‌های فراوان او را در هم بریزد و او را وادار به فکر و حتی آموختن کند. با توجه به این ویژگی عاملیت آدمی، می‌توان وجه ممیزه دانشگاه را تعامل ناهمتراز و آموzاندن "به" و آموختن "از" دانست، بدون آن‌که بخواهیم آموزش یا یادگیری را به‌تنهایی محور اساسی تلقی کنیم (همان: ۱۳). بنابراین، معروف‌ترین این روش‌ها عبارتند از: حل مسأله، روش دانشجو-استادی و روش کاوشگری.

ج) روش‌های تدریس همیارانه یا تعاملی

در روش‌های تدریس تعاملی، عمل یاددهی- یادگیری به موازات هم پیش می‌روند و

برحسب شرایط و موقعیت، جای خود را با یکدیگر عوض می‌کنند. بدین معنا که گاهی استاد موجد حرکت دانشجو می‌شود و گاهی دانشجو سبب می‌شود که استاد عمل آموزشی را انجام دهد. بدین ترتیب، یک فضای کار مشترک و اصیل که موجب فعال شدن هر دو طرف می‌شود، به وجود می‌آید (میرلوحی، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۹). در واقع، در این روش‌ها فرایند یاددهی-یادگیری، فرایندی دوسویه است که در آن یکی می‌کوشد تا در تعاملی سازنده از دیگری بیاموزد، یا به او یاد بدهد. اهداف اولیه آموزش تعاملی واداشتن دانشجویان به بحث کردن و اندیشیدن است، چرا که مباحثه موجد حدت ذهن دانشجویان می‌شود و نیروهای بیان و تمرکز را در آنان پرورش می‌دهد و اهداف بلندمدت آن، رشد فردی و ارتقای توانایی دانشجویان را به دنبال دارد.

رمزدن (Remsdon, 1992: 18) هر دو رهیافت پیش‌گفته (روش‌های تدریس استادمحور و دانشجومحور) را به‌رغم مزایایی که ممکن است داشته باشند، نارسا تلقی می‌کند. به عقیده او در دیدگاه نخست، بر انتقال محتوا و تدریس استاد و در دیدگاه دوم، بر فعالیت دانشجو تأکید شده است. آن‌چه مورد غفلت واقع شده، فقدان رابطه پویا بین تدریس و یادگیری است، زیرا نه تکیه بر انتقال محض مطالب و نه بر فعالیت دانشجو، ضامن یادگیری و تشکیل معرفت مطلوب نخواهد بود. خطر دیگر این است که ممکن است یادگیری انجام یافته قابل اعتماد نباشد. یادگیری از راه انتقال می‌تواند مکانیکی و بنابراین سطحی و ناپایدار باشد و یادگیری‌هایی که از راه فعالیت خودانگیخته صورت می‌گیرد، ممکن است غیراستاندارد باشند. هم‌چنین در آموزش استادمحور، تنها به یک راه‌حل برای موفقیت اکتفا می‌شود و آن پس دادن همان چیزهایی است که استاد به تدریس آن پرداخته و در کتاب‌ها نوشته شده است (پاک‌سرشت، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۶۲). به دلیل ضعف‌های بالا، رمزدن رهیافت سومی را طرح می‌کند، رهیافتی که در آن تدریس و یادگیری با هم تلفیق می‌شوند. در این رهیافت، تدریس و یادگیری دوروی یک سکه تلقی می‌شوند. به دیگر سخن، در این رویکرد واحد درسی دارای محتوای خاصی است، اما هرچه هست کاملاً ثابت نیست و دانشجو می‌تواند در تهیه و تکمیل آن سهیم باشد، اما تأکید نه بر انتقال تنها و نه بر فعالیت محض است. یادگیری را

دانشجو انجام می‌دهد، ولی استاد در قبال یادگیری دانشجو، احساس مسؤولیت می‌کند (پاک‌سرشت، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۶۲).

به عبارت دیگر، باید گفت که دیگر نقش استاد انتقال اطلاعات نیست، بلکه بالنده ساختن فراگیران است. هر یک از دانشجویان و استادان در کلاس یک استاد هستند، زیرا در هر لحظه از همدیگر یاد می‌گیرند، یادگیری از همدیگر سبک یادگیری بارز در جهان اطرافمان است، دانشجویان در این روش می‌توانند آشفته‌گی فکری موقتی در عقیده‌ها ایجاد کنند و عقیده‌های جدید را با عقیده‌های قبلی استادان ترکیب و پیوند دهند و بدین‌صورت به عقیده‌های جدیدی که اثربخش‌تر از عقیده یک استاد به‌تنهایی بود، دست یابند (Roman, 2006: 31-32). بنابراین هدف تدریس نه کشف منفعل واقعیت‌ها در حدود دنیای واقعی کلاس، بلکه ساخت خود واقعیت‌هاست. چنان‌که از طریق گفت‌وگو و با رابطه است که دانش شکل می‌گیرد (آهنچیان، ۱۳۸۲: ۱۸؛ براون و اتکینز، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۹).

به عبارت دیگر، فرایند تدریس را می‌توان یک توافق همکاری بین استاد و دانشجو دانست که در آن استادان، دانشجویان را به داشتن بصیرت تشویق می‌کنند و به آنها برای درک کامل استعدادهای بالقوه‌شان یاری می‌رسانند و در نهایت، آنها را برای این‌که در آنچه می‌خواهند بهترین شوند، به چالش می‌کشاند. بنابراین فرایند تدریس باید به‌گونه‌ای باشد که دانشجویان به‌طور سالمی در مورد آنچه فرامی‌گیرند، شکاک باشند و استادان آنها را به ابزارهایی که آنها را تصمیم‌گیرندگان متخصصی می‌کند، مسلح سازد و برای پذیرش مسؤولیت اعمالی که لازم است بر عهده بگیرند، به چالش بکشاند. بر این اساس، تدریس یک تعهد پویا است که فراگیران را به‌طور تمام و کمال در فرایند کلاس درگیر می‌کند و به آنها اجازه می‌دهد تا راه‌های به‌دست آوردن اطلاعاتی را که می‌خواهند بفهمند و یاد بگیرند را ترجیح دهند. البته باید گفت که استاد باید دانش و معرفت کافی جهت فعال کردن دانشجویان را داشته باشد تا بتواند جریان تدریس را از حالت غیرفعال به‌صورت فعال سوق دهد، بدین ترتیب که یک جریان متقابل و دوطرفه را به‌وجود آورد که در آن برخورد اندیشه و تجربه صورت گیرد، چون شنیدن صرف بدون

فعالیت متقابل یادگیرندگان کسالت‌آور و خسته کننده است (دانهیل، ۱۳۴۸: ۴۵). مزایای تدریس تعاملی برای کل کلاس در مقایسه با روش‌های دیگر این است که در آن راه‌حل‌های مختلفی برای هر مسأله‌ای وجود دارد و استاد و دانشجو با مشارکت و تعامل با همدیگر به تعیین بهترین راه، کارآمدترین و اثربخش‌ترین راه‌حل می‌اندیشند. تدریس در واقع، راهنمایی رشد شناخت راه‌حل‌های مختلف در فرد است که پس‌خوراند فوری درباره‌ی میزان فهم و درک دانشجویان از موضوع درس فراهم می‌کند (Broliver, 2006: 18).

تدریس تعاملی با ایجاد اهداف روشن و چالش منطقی و مورد نیاز برای پیشرفت دانشجویان به مراحل بالاتر یادگیری، از طریق آزمون و پرسش‌های سطح بالا، نقش مهمی در فرایند رشد ذهنی دارد، زیرا لازمه‌ی یادگیری، درگیر کردن و درگیر شدن است (مویس و رینولدز، ۱۳۸۴: ۷۰-۷۳). دانشجو شاید بدون منبع یادگیری (استاد) بتواند به مطالبی دست یابد، اما این استاد است که آنها را معنی‌دار کرده و باعث سرعت در یادگیری و سهولت یادگرفتن آنها می‌شود. به این ترتیب، تدریس صحیح عبارت است از ارائه کمک صحیح در فرایند یادگیری (Cuvenc & Açıkgoz, 2007: 120-122). معروف‌ترین این روش‌ها عبارتند از روش تدریس مشارکتی و یادگیری مشارکتی، آموزش دوسویه، تسهیل دستوری، کارآموزی شناختی، روش پرسش و پاسخ، روش جهت‌دهی و روش گفتگو.

با توجه به این‌که در حال حاضر تدریس تعاملی به‌منظور واردکردن دانشجویان در گفتگوی یاددهی- یادگیری مد نظر دست‌اندرکاران آموزشی قرار گرفته است، لذا بر آن شدیم که در این پژوهش بسنجیم دانشجویان تا چه اندازه وارد این گفتگو شده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

با نظر به هدف این پژوهش و با تبعیت از رویکرد کیفی، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در این نوع مصاحبه سؤالات به‌صورت باز پرسیده می‌شود. در این نوع مصاحبه، سؤال‌ها از قبل طراحی شده و هدف آن کسب اطلاع عمیق از مصاحبه‌شونده

است، از این رو امکان تغییر و حذف برخی سؤالات و اضافه شدن سؤالات جدید برای محقق وجود دارد. در این نوع مصاحبه، هر پاسخ با سؤال‌های جستجوگرانه، مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد و بدین ترتیب چپستی، چگونگی و چرایی تجارب زیسته دانشجویان مورد کندوکاش قرار گرفته است. افراد نمونه به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند که شامل ۲۵ دانشجوی کارشناسی ترم ششم تا ترم هشتم کارشناسی بودند. به این دلیل دانشجویان ترم‌های بالاتر انتخاب شدند که تجربه بیشتری در زمینه فعالیت در دانشگاه داشتند. حجم نمونه بر اساس معیار اشباع نظری^۱ تعیین شد که در آن افزایش تعداد افراد نمونه، تا زمانی که پاسخ‌های مصاحبه شوندگان تقریباً مشابه هم شده و مصاحبه‌گر با اضافه کردن افراد جدید، اطلاعات تازه‌ای به دست نمی‌آورد، ادامه می‌یابد. به علاوه، از همه نمونه پژوهش برای انجام مصاحبه هم، رضایت آگاهانه کسب شد و هم به منظور حفظ و رعایت حقوقشان، به آنها اطلاع داده شد که در نشر نتایج پژوهش، از ذکر نام آنها خودداری می‌شود. روایی مصاحبه نیز با تکرار پاسخ نمونه پژوهش توسط مصاحبه‌گر و گرفتن تأیید این که آیا منظور آنها همان چیزی است که مصاحبه‌گر ثبت کرده است، به دست آمد. به عبارتی، با بررسی پاسخ‌های ارائه شده^۲، برای مقبولیت یا قابلیت پذیرش یافته‌ها، پاسخ‌هایی که به وسیله پژوهشگر ثبت شده بود، دوباره به اطلاع نمونه پژوهش می‌رسید تا مشخص شود که پاسخ ثبت شده به وسیله پژوهشگر با نظر نمونه پژوهش یکسان است یا خیر. مصاحبه‌ها در یک مکان آرام بدون امکان تردد سایر افراد صورت گرفت.

بعد از اجرای مصاحبه، دیدگاه‌های دانشجویان (داده‌های پژوهشی به دست آمده)، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در واقع، پاسخ‌های به دست آمده حاصل از مصاحبه، ابتدا کدبندی و مقوله‌بندی شد، سپس به دلیل این که در نگارش این مقاله از مصاحبه استفاده شده بود، برخی از پاسخ‌های دانشجویان به همان شکل که پاسخ داده بودند، برای نمونه ذکر شدند تا خواننده‌ی این مقاله، بهتر نحوه‌ی پاسخگویی دانشجویان را دریابد.

یافته‌ها

همان‌طور که در بالا گفته شد هدف این مقاله بررسی وضعیت کیفیت تدریس مدرسان در نظام آموزش عالی و ضرورت توجه به تدریس تعاملی از نظر دانشجویان دانشگاه جامع علمی-کاربردی خراسان جنوبی بود. بنابراین، مطالبی که به دنبال می‌آید دیدگاه‌های دانشجویان کارشناسی در رابطه با سؤالات پژوهش است.

سؤال اول پژوهش راجع به این که مدرسان برای یادگیری دانشجویان بیشتر از چه روش‌هایی در تدریس استفاده می‌کنند؟ اکثر دانشجویان بر این اعتقاد بودند که اکثر مدرسان از روش سخنرانی و روخوانی از جزوه استفاده می‌کنند و جزوه‌گویی بخش اعظم کلاس آنها را به خود اختصاص می‌دهد. در این رابطه، یکی از دانشجویان بیان می‌کند:

«مدرسان ما که فقط از روش پشت میز نشستن و از روی جزوه و یادداشت‌های خود خواندن استفاده می‌کنند، آنها نه تنها در دستیابی ما به موفقیت هیچ تأثیر مثبتی ندارند، بلکه باعث تبدیل ما به یک موجود که صرفاً به حافظه خود متکی است، شده‌اند، ما نیز فقط به حفظ مطالب پرداخته‌ایم».

یکی دیگر از دانشجویان بیان می‌کند:

«بیشتر مدرسان از روش جزوه‌نویسی استفاده می‌کنند که به نظر بنده روش مناسبی نیست و اشتباه است، زیرا دانشجو تنها به مطالب ارائه شده اکتفا می‌کند، درست است کار دانشجو راحت‌تر می‌شود ولی در نهایت دانشجو تنبل می‌شود، زیرا به مطالب و مفاهیم ارائه شده استاد در کلاس اکتفا کرده و در جستجوی مطالب جدید و نکته‌یابی نیست. در نتیجه، فرصت مطالعه بیشتر را به خود نخواهد داد».

یکی دیگر از دانشجویان اظهار نمود:

«روش تدریس غالب اساتید، استادمحور است. به این صورت که استاد تدریس نموده و دانشجو نکته‌برداری می‌نماید و فقط در صورت وجود ابهام و نامفهوم بودن مطلب، دانشجو پرسش نموده و استاد رفع اشکال می‌نماید».

یکی دیگر از دانشجویان بیان می‌کند:

«بیش از ۹۰٪ مدرسان جزوه می‌دهند، به نظر من گرچه جزوه‌نویسی یک روش سنتی به نظر می‌رسد ولی شاید از نظر هزینه مالی برای اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان بهتر باشد. مدرسان معمولاً کتاب نیز معرفی می‌کنند که دانشجویانی که واقعاً قصد تحقیق و بررسی بیشتر در این رابطه را داشته باشند، امکان دستیابی به منابع مربوطه را داشته باشند. هم‌چنین چون جزوه در واقع چکیده‌ای از اطلاعات استاد هست، در یادگیری و فهم کلی مسائل بهتر هست».

یکی دیگر از دانشجویان اظهار نمود:

«روش تدریس مدرسان بر اساس تجربه، متفاوت و متنوع بوده و برخی صرفاً یک منبع خاص را برای تدریس انتخاب می‌کنند و برخی هم از منابع متعدد و کاربردی برای تدریس استفاده می‌کنند. هرچه مطالب کاربردی‌تر و با بیان ساده و قابل فهم‌تر باشد، مطمئناً دانشجو راحت‌تر می‌تواند مبحث را درک کند. در حسابداری بهتر است به جای تمرکز بر روشی خاص مانند سخنرانی و ... از روش ترکیبی استفاده کنند. مطمئناً برخی رفتارها از قبیل مهارت در رفتارهای اجتماعی و تأکید و توجه بر اهمیت مطالب و ... می‌تواند موجب ایجاد انگیزه و علاقه گردد».

سؤال دوم پژوهش که چرا مدرسان به روش تدریس خاصی گرایش دارند؟

اکثر دانشجویان بر این اعتقاد بودند که به دلیل عدم تسلط کافی مدرسان، راحت‌طلبی، مشغله فراوان مدرسان و اکتفا به جزوه‌های دوران دانشجویی خود، مسائل کلاسی از قبیل فرصت کم، شلوغی و بی‌نظمی در کلاس، این که اساتید استادان فعلی هم، از این روش استفاده کرده‌اند و بنابراین آنها این روش‌ها را به صورت ارثی حفظ کرده‌اند و یاد گرفته‌اند.

یکی از دانشجویان اظهار می‌نماید:

«به نظر می‌رسد اساتید استادان فعلی ما هم، از روش‌های سنتی استفاده کرده‌اند. به عبارتی، ممکن است مدرسان به شیوه تدریس اساتید خودشان و یا حتی شیوه یادگیری خودشان توجه ویژه نمایند و یا الگوبرداری از گذشتگان بر آنها حاکم باشد. از این رو، بعضی استادان به تقلید از استادان قدیمی کار می‌کنند، از این جهت تسلط

کافی در ارائه مفاهیم درسی ندارند، در حقیقت می‌توان گفت سعی در به‌روزرسانی آموخته‌های خود ندارند و می‌خواهند جزوه همان استاد قدیمی را به دانشجویان تدریس کنند. در صورتی که استادان با فنون و شیوه‌های تدریس جدید آشنا باشند، می‌تواند در بهبودی مهارت و افزایش یادگیری دانشجویان کمک کنند. البته بیشتر بی‌وجدان هستند و پول حلال برای آنها معنایی ندارد و آدم‌های راحت‌طلبی هستند، چون از این روش سخنرانی، راحت‌تر دیگری وجود ندارد».

یکی دیگر از دانشجویان اظهار نمود:

«دلیل این امر را می‌توان هم خود استاد و هم دانشجو ذکر کرد، دانشجویان تمایل به جزوه‌نویسی دارند و مدرسان نیز به دلیل مشغله‌ی فراوان تنها به جزواتی که از دوران دانشجویی خویش دارند، بسنده می‌کنند. به‌علاوه ریشه‌ی این امر، به میزان آگاهی و اطلاعات آنها و بار علمی‌شان برمی‌گردد که هزار ماشاءالله مدرسان ما آگاهی و اطلاعات خاصی برای انتقال ندارند و حتی فکر می‌کنم که اهل مطالعه هم نیستند».

یکی دیگر از دانشجویان بیان کرد:

«سیستم آموزشی موجود، باعث می‌گردد که مدرسان از شیوه‌های خاصی که غالباً استادمحور است، استفاده نمایند. هم‌چنین بعضی از مسائل حاشیه‌ای چون ازدحام و سروصدا، برهم خوردن نظم کلاس و دیگر مسائلی هم‌چون موارد ذکر شده، باعث گشته تا مدرسان از شیوه‌های سنتی استفاده کنند و کمتر تمایل به استفاده از شیوه دانشجومحور داشته باشند».

یکی دیگر از دانشجویان این‌گونه اظهار کرد:

«به نظر من نوع کلاس و دانشجویها هم در انتخاب روش تدریس برای مدرسان اثرگذارند. شاید این موضوع در ابتدا بیشتر درخواست خود دانشجویان باشد و دوم مدرک‌گرایی دانشجویان و عدم امنیت شغلی که امکان این که در رشته تحصیلی خود به‌کار گمارده می‌شوند، شاید ۱۰٪ باشد. بنابراین صرفاً گرفتن مدرک مد نظر می‌باشد، نه یادگیری و تحقیق».

سؤال سوم پژوهش که دانشجو چقدر در حین تدریس در فعالیت‌های کلاسی مشارکت دارد؟

اکثر دانشجویان بر این اعتقاد بودند که تقریباً اصلاً دانشجویان در فعالیت‌های علمی کلاس مشارکت داده نمی‌شوند و البته در بحث‌های همدلی و گفتگو درباره‌ی چیزهای عامیانه مشارکت داده می‌شوند.

یکی از دانشجویان اظهار داشت:

«درباره مباحث علمی که اصلاً ما را شرکت نمی‌دهند، البته ما هم چیزی یاد نگرفته‌ایم که اظهار نظر کنیم. از طرفی، هم‌چنین جوهرایی در کلاس نبوده است، حتی اگر نظری هم داشته باشیم، اعتماد به نفس اظهار آن را نداریم، ولی چون در کلاس ما، از فرهنگ‌های مختلف حضور دارند، فقط بحث فرهنگ و غیبت فرهنگ‌ها که می‌شود، ما هم حرف می‌زنیم».

یکی دیگر از دانشجویان بیان کرد:

«بستگی به درس و استاد آن دارد. مشارکت دانشجویان در کلاس خیلی کم‌رنگ است. بنده به‌نوبه‌ی خود تمایل به فعالیت در کلاس را دارم، چه با دوستان دانشجوی و چه با اساتید، اما این فرصت برای من مهیا نیست. در واقع، مشارکت دانشجو در حد ۱۵ دقیقه از وقت کلاس خواهد بود، آن‌هم در صورتی که سؤال یا شبهه‌ای ایجاد گردد که معمولاً به‌دلیل عدم توجه به گفته‌های به‌روز نشده‌ی استاد، این شبهه هم ایجاد نمی‌گردد».

سؤال چهارم پژوهش تا چه میزان نسبت به روش‌های تدریس تعاملی آگاهی وجود دارد؟ آیا این روش‌ها در کلاس‌های درسی به کار برده می‌شوند؟ برخی از دانشجویان بر این اعتقاد بودند که خیر، با این روش مواجه نشده‌ایم و حتی نام آن را نشنیده‌ایم. اما برخی دیگر از دانشجویان بر این اعتقاد بودند که بله، با این مفهوم آشنا هستیم و می‌دانیم به چه چیزی اشاره دارد، اما متأسفانه در کلاس‌های ما عملی نشده است و تقریباً بین استاد و دانشجو در فرایند یاددهی و یادگیری تعامل علمی وجود ندارد و صرفاً اساتید به ارائه دروس بدون به چالش کشیدن ذهن دانشجویان می‌پردازند.

یکی از دانشجویان بیان داشت:

«بله این روش، دانشجو را ملزم می‌کند که به‌روز باشد و سطح اطلاعات خویش را بالا ببرد».

یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید:

«بله باعث درک بهتر درس و جا افتادن مطالب در سر کلاس درس می‌گردد. هم‌چنین موجب راحت‌تر شدن بازخوانی مطالب برای دانشجو بعد از کلاس درس می‌گردد. به‌علاوه این روش‌ها، مشارکت دانشجو را در کلاس بالا می‌برد و دانشجو احساس خواهد کرد که ارزش یافته است».

یکی دیگر از دانشجویان اظهار نمود:

«بله یعنی این که آزادانه بدون این که فاصله‌ای بین استاد و دانشجو باشد، بتوان انتقاد و پیشنهاد داد و بحث نمود. در این روش، تدریس که در واقع یک روش فعال هم هست آن‌چنان که از نامش هم پیداست موجب فعالیت، تعامل بین استاد و شاگردان، استفاده از منابع موجود و تسهیل در یادگیری خواهد شد».

سؤال پنجم پژوهش نیز راجع به این که چگونه می‌توان مشارکت دانشجو را در بحث‌های کلاسی افزایش داد؟ و چه راهکارهایی را برای مشارکت دانشجو در فرایند کلاسی وجود دارد؟ اکثر دانشجویان معتقد بودند که در دانشگاه نیاز است از روش‌های فعال تدریس استفاده شود، چرا که دانشجو دیگر می‌تواند به تحقیق بپردازد و حتی به‌واسطه‌ی تحقیق نیز می‌توان به نظرپردازی در مورد موضوعات مختلف مربوط به رشته‌اش روی آورد.

یکی از دانشجویان اظهار داشت:

«بهتر است از الگوی دانشجومحور و تفکر انتقادی استفاده شود تا دانشجویان در رده‌های درس با نشاط و جنب‌وجوش فراوان حاضر شوند و در واقع، بخش اعظم وقت کلاس به‌وسیله ایشان پر می‌شود. در این نگرش، فرض بر آن است که منابع درسی مناسب وجود دارد و استاد وظیفه راهنمایی و راهبری کلاس را عهده‌دار است، چرا که قبلاً دانشجویان مطالب درسی را مطالعه کرده‌اند و حال در کلاس درس به

رفع ابهام‌ها و مسائل خود می‌پردازند. به این ترتیب، نه تنها وقت دانشجو در کلاس صرف جزوه‌نویسی نمی‌شود، بلکه با مطرح کردن سؤال‌های مختلف، دامنه وسیع‌تری از موضوع‌ها و مطالب درسی مطرح می‌شود و قدر مسلم این که با حضور فعال و پررنگ وی، کیفیت یادگیری نیز بالا می‌رود».

یکی از دانشجویان بیان کرد:

«به نظرم در رشته‌ای مثل رشته‌ی ما، بهترین روش تحقیق‌های میدانی مختلف است، اصلاً کسی تا به حال از ما فکر کردن نخواست است و گر نه ما هم اگر یک ذره تأمل کنیم روش‌های زیادی برای تعامل استاد و دانشجو هست، حتی همان کنفرانس‌هایی که می‌دهیم می‌تواند یک تعامل باشد، به این صورت که استاد ساکت نشیند و خودش و بچه‌ها نقد کنند و درصدد اصلاح برآیند».

یکی دیگر از دانشجویان بیان کرد:

«به نظر بنده این امر برمی‌گردد به استاد، آن هم در صورتی که تنها ملاک تدریس، جزوه‌گویی نباشد و بیشتر از کارهای تحقیقاتی برای دانشجویان استفاده نماید. در واقع، روش کنفرانس و ارائه دانشجویی در یادگیری دانشجو بسیار مؤثر است. با دادن تحقیق در مورد درس روز و انتخاب تحقیق برتر، این روش مؤثرتر هم خواهد شد».

یکی از دانشجویان اظهار داشت:

«شرکت در فعالیتهای کلاسی منوط به استفاده استاد از مهارت‌هایی نظیر پرسش‌های متراکم و تدریجی در حین درس است، از آن جا که یادگیری در ابتدای کلاس بیشتر است، لذا لازم است ۵۰ دقیقه‌ی اول کلاس را به تبادل نظر با دانشجویان پرداخت و سپس استاد به نتیجه‌گیری از مباحث طرح شده بپردازد. بنابراین، نیاز است استاد به دانشجو اجازه‌ی نظر دادن بدهد و هر دو همدیگر را درک کنند».

یکی از دانشجویان اظهار کرد:

«با ایجاد فضای همکاری بین دانشجو و استاد، به نحوی که دانشجو احساس مفید بودن نماید. استاد با محول نمودن تحقیق و پژوهش در زمینه درس مربوطه به دانشجویان، باعث ایجاد انگیزه در آنان گردد و با دقت و پیگیری عملکرد دانشجویان،

باعث دلگرمی و پشتکار بیشتر آنان می‌شود. هم‌چنین، با اختصاص دادن ساعتی از کلاس درس یا فوق برنامه به ساعت بحث آزاد یا اصطلاحاً اتاق فکر، دانشجویان را به تفکر و پیگیری شخصی و در نهایت نتیجه‌گیری از مطالب درسی مربوط به درس مورد نظر راغب می‌نماید».

یکی دیگر از دانشجویان اظهار نمود:

«در تعامل استاد با دانشجو، این استاد است که باید رهبری این تعامل را با استفاده از روش‌هایی هم‌چون استفاده از جملات طنزآلود برای تمرکز حواس و شور و حرارت استاد در ورود به کلاس، استفاده از مثال در حین کلاس، استفاده از مطالب متناسب با فهم کلاس، ارائه چارچوب کلی درس در ابتدای کلاس، رفتارهای اجتماعی و ... بر عهده بگیرد. در عین حال، باید دانشجویان را به مشارکت در بحث کلاسی برانگیزاند. به نظر محقق هیچ‌چیز مانند مشارکت خودت در یک فرایند بر یادگیری تأثیر ندارد. بنابراین، نیاز است استاد پروژه‌های درسی را به دانشجویان محول نماید و از دانشجو ارائه بخواهد».

بحث و نتیجه‌گیری

نظام آموزشی تمامی جوامع را قادر خواهد ساخت به‌سوی آرمان‌شهری عزیمت کنند که در آن هیچ‌یک از استعدادها که هم‌چون گنجینه‌ای در نهاد هر انسانی نهفته است، بی‌استفاده باقی نماند. در این زمینه آنچه قادر خواهد بود استعدادهای نهان را بیدار کند، فرایند یاددهی و یادگیری است که اساتید نقش‌آفرین اصلی آن می‌باشند و اساتیدی موفق می‌شوند که عدم تعادل بین یاددادن و یادگرفتن را کاهش داده و کلاس‌هایی را به‌وجود آورند که منشأ و موجد تدریس و یادگیری کارا باشد. بدین‌صورت که تدریس فعالیتی باشد که استاد همراه فراگیران، به‌منظور به‌سازی تدریس و یادگیری انجام می‌دهد و یادگیری در آن یک هنجار است. توجه به روش‌های تدریس تعاملی، باعث سرعت در از بین بردن عدم تعادل بین یاددادن و یادگرفتن می‌شود، کاربرد به‌موقع آنها سبب می‌شود که استاد، کلاسی بانشاط، پرتحرک و غنی برای یادگیری دانشجویان

ایجاد کند. بنابراین هدف مقاله حاضر، تحلیل کیفی تدریس در آموزش عالی و ضرورت توجه به تدریس تعاملی از نظر دانشجویان دانشگاه جامع علمی-کاربردی خراسان جنوبی بود که نگارندگان مقاله هم بر این بودند که وضعیت موجود را بسنجند و هم راهکارهایی برای برون رفت از این وضعیت ارائه نمایند.

همان گونه که یافته های پژوهش نشان داد، اکثر دانشجویان بر این اعتقاد بودند که اکثر مدرسان از روش سخنرانی و روخوانی از جزوه استفاده می کنند و جزوه گویی بخش اعظم کلاس آنها را به خود اختصاص می دهد. هم چنین علل گرایش مدرسان به این روش ها را عدم تسلط کافی مدرسان، راحت طلبی، مشغله فراوان مدرسان و اکتفا به جزوه های دوران دانشجویی خود، مسائل کلاسی از قبیل فرصت کم، شلوغی و بی نظمی در کلاس و این که اساتید مدرسان فعلی هم، از این روش استفاده کرده اند و بنابراین آنها این روش ها را به صورت ارثی حفظ کرده اند و یاد گرفته اند، بنابراین به تبعیت از چنین روشی قابل پیش بینی است که مشارکت دانشجو در فعالیت های کلاسی به حداقل برسد. چنان که اکثر دانشجویان بر این اعتقاد بودند که تقریباً دانشجویان اصلاً در فعالیت های علمی کلاس مشارکت داده نمی شوند. البته در بحث هایی در مورد امور عامیانه مشارکت داده می شوند. با نظر به این نتایج، با توجه به نتایج تحقیق باقری (۱۳۹۲) می توان گفت عاملیت دانشجو در اینجا نادیده گرفته شده است. بیشتر وقت استاد نیز به آموختن "چه" می گذرد، نه آموختن "به". طبیعی به نظر می رسد که دانشجو در این کلاس ها، انگیزه ی کافی برای فعالیت نداشته باشد چرا که هم فعالیتی برای او در نظر گرفته نشده است و هم این که عاملیت او نادیده گرفته شده است.

در پاسخ به سؤال چهارم راجع به اینکه تا چه میزان باروشهای تدریس تعاملی آگاهی دارید؟ آیا این روشها در کلاسهای درسی شما به کار برده می شوند؟ برخی از دانشجویان بر این اعتقاد بودند که خیر، با این روش مواجه نشده ایم و حتی نام آن را نشنیده ایم. اما برخی دیگر از دانشجویان بر این اعتقاد بودند که بله، با این مفهوم آشنا هستیم و می دانیم به چه چیزی اشاره دارد، اما متأسفانه در کلاس های ما عملی نشده است و تقریباً بین استاد و دانشجو در فرایند یاددهی و یادگیری تعامل علمی وجود ندارد و

صرفاً مدرسان به ارائه دروس بدون به چالش کشیدن ذهن دانشجویان می‌پردازند. این نتیجه نشان می‌دهد که هنوز آموزش‌های یک‌طرفه که مبتنی بر سخنرانی، امر کردن و حفظ توسط دانشجو است، مد نظر استادان است. این یافته با دیدگاه کونس و کامیل (Cuvenc & Acikgoz, 2007: 119) و برانداز و گینس (۱۳۸۴، ۱۳۷-۱۳۴) همسو است که معتقدند در روش‌های بانکی و استادمحور، دانشجویان به‌مانند ظرفی در نظر گرفته می‌شوند که باید به‌وسیله استاد پر شوند و هدف از یادگیری تأیید از طرف استاد است. دانشجویان در کلاس درس منفعل‌اند و هیچ فعالیتی جز گوش دادن و حفظ کردن انجام نمی‌دهند.

در پاسخ به سؤال پنجم نیز راجع به این که به نظر شما چگونه می‌توان مشارکت دانشجو را در بحث‌های کلاسی افزایش داد؟ اکثر دانشجویان معتقد بودند که در دانشگاه نیاز است از روش‌های فعال تدریس استفاده شود، چرا که دیگر دانشجویان می‌توانند به تحقیق بپردازند و حتی به‌واسطه‌ی تحقیق نیز می‌توانند به نظرپردازی در مورد موضوعات مختلف مربوط به رشته‌شان روی آورند. همان‌طور که برالیور (Broliiver, 2006: 28) می‌گوید تدریس، راهنمایی و رشد شناخت راه‌حل‌های مختلف در فرد است که پس‌خوراند فوری درباره‌ی میزان فهم و درک دانشجویان از موضوع درس فراهم می‌کند. از این‌رو، به نظر می‌رسد باید دانشجویان را به تفکر و مطالعه در مورد محتوای کتاب‌ها و بحث‌های کلاسی نمود.

با نظر به نتایج فوق، می‌توان گفت دانشگاه علمی-کاربردی خراسان جنوبی متناسب با انتظارات کنونی در جهان از آموزش عالی، پیش نرفته است. هنوز به شیوه‌ی سنتی نقش مدرسان نه‌بالنده ساختن ذهن دانشجو است، بلکه انتقال اطلاعات است. با توجه به پیشرفت فناوری، گسترش کتابخانه‌ها، توانایی دانشجویان در دستیابی به اطلاعات جدید و مکمل هم نیاز است. مدرسان در راستای استفاده از موارد بالا، روش‌های تدریس خود را تغییر دهند و بخشی از ساعات کلاسی را به فعالیت دانشجویی اختصاص دهند، تا هم دانشجو نسبت به یادگیری خود احساس مسؤولیت نماید و هم یک فرد عامل در یادگیری خود برای دنیای معاصر باشد. در واقع، دانشجو دیگر در سنی قرار

گرفته است که برخی از اطلاعات را از منابع مختلف جستجو نماید و مدرسان به عنوان افراد متخصص، آنها را در انسجام بخشیدن به اطلاعات خودشان کمک نمایند. لذا پیشنهاد می شود:

- (۱) با توجه به پیشرفت فناوری، گسترش کتابخانه ها و توانایی دانشجویان در دستیابی به اطلاعات جدید و مکمل روش های تعاملی تدریس مورد توجه قرار گیرند.
- (۲) اساتید در راستای استفاده از تدریس تعاملی، روش های تدریس خود را تغییر دهند و بخشی از ساعات کلاسی را به فعالیت دانشجویی اختصاص دهند، تا هم دانشجو نسبت به یادگیری خود احساس مسئولیت نماید و هم یک فرد عامل در یادگیری خود برای دنیای معاصر باشد. در واقع، دانشجو دیگر در سنی قرار گرفته است که برخی از اطلاعات را از منابع مختلف جستجو نماید و اساتید به عنوان افراد متخصص، آنها را در انسجام بخشیدن به اطلاعات خودشان کمک نمایند.
- (۳) با استفاده از این روش ها زمینه ای فراهم گردد تا دانشجویان به تدریج رو به تحقیق آورند و حتی به واسطه ی تحقیق، نیز به نظرپردازی در مورد موضوعات مختلف مربوط به رشته شان روی آورند.

منابع

- آهنگیان، محمدرضا (۱۳۸۲). *آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن*. تهران: طهوری.
- باقری، خسرو (۱۳۹۲). "آموزاندن «به» و آموختن «از»: تحول در آموزش و پرورش در پرتو عاملیت و تعامل". *فصلنامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال سوم، ش ۲ (بهار): ۲۴-۵.
- برانداز، دونا؛ گینیس، پال (۱۳۸۴). *هنر تدریس با روش آموزش فراگیر- محوری*. ترجمه سعید کتابی و محمد کاوش نیا. اصفهان: فرهنگ مردم.
- براون، جورج؛ اتکینز، مادلین (۱۳۸۵). *آموزش مؤثر در آموزش عالی*. ترجمه حمیدرضا آراسته. تهران: چاپار.

- پاک‌سرشت، محمدجعفر (۱۳۸۳). "کاوشی درباره روش تدریس در دانشگاه".
مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال یازدهم، ش ۳ و ۴ (زمستان): ۱۵۵-۱۷۴.
- دانهیل، جیمس (۱۳۴۸). آئین کلاس‌داری. ترجمه جمشید بهروش. تهران: عطائی.
- شریف، مصطفی؛ سالک، فاطمه (۱۳۸۷). "تأثیر ارزشیابی کیفیت تدریس اعضای هیأت علمی بر ارتقای حرفه‌ای آنان". مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال هفتم، ش ۲۱ (تابستان): ۲۵-۴۳.
- شعبانی‌ورکی، بختیار (۱۳۷۹). رویکردهای یاددهی-یادگیری. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صلاحی، اسماعیل؛ شکراللهی، فتانه (۱۳۸۴). "استقرار سیستم مدیریت کیفیت ایزو ۹۰۰۰ در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی کشور". مجله علم و آینده، سال سوم، ش ۸ (بهار): ۱۰۰-۱۱۴.
- فتحی‌آذر، اسکندر (۱۳۸۲). روش‌ها و فنون تدریس. تبریز: دانشگاه تبریز.
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۵). جزئیات روش‌های تدریس. تهران: فراشناختی اندیشه.
- کتن، رابرت؛ نیوبل، دیوید (۱۳۸۵). راهنمای بهبود تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. ترجمه احمدرضا نصر و دیگران. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- معروفی، یحیی؛ مهرمحمدی، محمود؛ علی‌عسکری، مجید (۱۳۸۶). "ارزش‌یابی کیفیت تدریس در آموزش عالی: بررسی برخی دیدگاه‌ها". مطالعات برنامه درسی، دوره دوم، ش ۵ (زمستان): ۸۱-۱۱۲.
- مؤمنی‌ماسوله، حجت‌الله؛ نصرآزادانی، محمدعلی؛ میرزامحمدی، محمدحسن (۱۳۸۵). "ارزیابی درونی، راهکاری برای بهبود مستمر کیفیت دانشگاهی: تجربه گروه آموزشی ریاضی دانشگاه شاهد". در: مجموعه مقالات دومین همایش ارزیابی درونی برای ارتقای کیفیت دانشگاهی. به کوشش مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران و دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران. تهران: ارس: ۲۸-۵۲.
- مویس، دانیل؛ رینولدز، دیوید (۱۳۸۴). آموزش مؤثر روش تدریس کارآمد. ترجمه

- محمدعلی بشارت و حمید شمسی پور. تهران: رشد.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۶). *بازاندیشی فرایند یاددهی و یادگیری و تربیت معلم*. تهران: مدرسه.
 - میرکمالی، محمد؛ نارنجی ثانی، فاطمه (۱۳۸۷). "بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و رضایت شغلی بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف". *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره چهاردهم، ش پایانی ۴۸، ش ۲ (تابستان): ۷۱-۱۰۱.
 - میرلوحی، حسین (۱۳۸۲). *کلیات علم تدریس*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
 - وایت‌برد، دیوید (۱۳۸۴). *روانشناسی یاددهی و یادگیری، سازمان‌دهی محیط یادگیری*. ترجمه محمود تلخابی و مقصود خدایاری. تهران: آییژ.
 - هویدا، رضا؛ مولوی، حسین (۱۳۸۷). "فرایند بهبود کیفیت آموزشی از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های استان اصفهان: مقایسه‌ای بر اساس مقیاس AQIP". *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، سال هشتم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۳۲-۱۴۱.
 - Blackmore, J. (2009). "Academic pedagogies, quality logics and performative universities: Evaluating teaching and what students want". *Studies in Higher Education*, Vol. 34, No. 8: 857-872.
 - Broliwer, H. (2006). "Teaching & learning philosophy". [online] Available: [www. Tand1. Vt. Edu/ socialstudies, teaching-& learning. Htm1](http://www.Tand1.Vt.Edu/socialstudies/teaching-&learning.Htm1) [2006/11/2].
 - Craft, A., Ed. (1994). *International developments in assuring quality in higher education: Selected papers from an international conference*. Montreal: Routledge.
 - Cuvenc, H. & Acikgoz, K. (2007). "The effects of cooperative learning and concept mapping on learning strategy use". *Educational Sciences: Theory & Practice*, Vol. 7, No. 1: 117-127.

- Fenstermacher, G. D. and Richardson, Virginia. (2000). On Making Determinations of Quality in Teaching, Paper Presented at Board on International Comparative Studies in Education of the National Academy of Sciences, pp 1-46.
- Hénard, F.; Roseveare, D. (2012). "Fostering quality teaching in higher education: Policies and Practices". *An IMHE Guide for Higher Education Institutions, OECD Institutional Management in Higher Education*, 7-11.
- Marsh, H. W., et al. (2009). "Exploratory structural equation modeling, integrating CFA and EFA: Application to students' evaluations of university teaching". *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal*, Vol. 16, No. 3: 439-476.
- Ramsden, P. (1992). *Learning to Teach in Higher Education*. London: Routledge.
- Roman, T. H. (2006). "Classroom activities can last a lifetime". *The technology teacher*, Vol. 66, No. 2: 31-32. [online] Available: <https://eric.ed.gov/?id=EJ747940> [2006/3/2].

ابوبکر قهستانی؛ دولتمرد و ادیب دربار غزنه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۶

محمدرضا عزیزی^۱

فاطمه فنودی^۲

سید مهدی رحیمی^۳

چکیده

خراسان بزرگ همواره از جمله پایگاه‌های مهم علمی و فرهنگی جهان اسلام قلمداد شده است؛ پایگاهی که دانشی مردانی از نیشابور، بخارا، سمرقند، هرات، قهستان و غیره پشتوانه‌ی آن بودند. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد به معرفی شاعر و دولتمردی از منطقه‌ی قهستان در سده‌ی چهارم و پنجم هجری، ابوبکر قهستانی،پردازد و احوال و آثار وی را با تکیه بر منابع گوناگون عربی و فارسی، گردآوری و تحلیل کند و سلوک و شخصیت او را در دیوان شاعرانی نامبردار مانند فرخی سیستانی، سنایی غزنوی، سوزنی سمرقندی و غیره پیگیری نماید. هم‌چنین به مراودات ادبی و گستره‌ی روابط ابوبکر قهستانی با معاصرانش توجه کند. آن‌چه ضرورت این پژوهش را بیشتر می‌کند، آوازه‌ی ادبی و سیاسی ابوبکر قهستانی بویژه در منابع عربی است، آوازه‌ای که در روزگار معاصر، مغفول مانده است. سروده‌های شاعرانی مانند ابوبکر قهستانی، سند تحولات فکری و هنری ملی و منطقه‌ای است که بررسی و آگاهی از آن در پژوهش‌های قهستان‌شناسی بویژه در دوره‌ای که اطلاعات اندکی از آن در دست است، اهمیت می‌یابد.

واژگان کلیدی: ابوبکر قهستانی، غزنویان، شاعران ذواللسانین

Mohammadrazizi@birjand.ac.ir

Mohammadrazizi@yahoo.com

Smrahimi@birjand.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

۲. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

مقدمه

مقدسی (۱۳۶۱، ج ۲: ۱۹۲) از جغرافی‌دانان قرن چهارم، قهستان را سرزمین پهناوری توصیف کرده که هشتاد در هشتاد فرسنگ سنگین بوده و شهرهای تون (فردوس)، جنابذ (گناباد)، طبس العنّاب (طبس مسینا)، طبس خرما (طبس گلشن)، رقه (از آبادی‌های بشرویه)، خوره (خور و بیابانک)، خوسب و کری (از آبادی‌های طبس گلشن) را در بر می‌گرفته است و قصبه‌ی آن، قاین بوده. ریزشهرها و آبادی‌های قهستان آن روزگار در کتاب *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*^۱ نیز آمده است.

از منظر فرهنگی نیز قهستان، خاستگاه شاعران و دانشمندان فراوانی بوده است. آثار متعددی در مورد شاعران فارسی‌زبان قهستان، تدوین شده و اشعار ایشان گردآوری شده است، اما درباره شاعرانی که به دو زبان فارسی و عربی شعر سروده‌اند، اطلاع کمی در دست است. یکی از این شاعران دوزبانه، ابوبکر علی بن حسن قهستانی است که در قرن چهارم و پنجم هجری می‌زیسته و شاعر دربار غزنویان بوده است. در این جستار، شاعر "دوزبانه" خوانده شده؛ زیرا او مانند سایر ساکنان قهستان در سده‌های مذکور به فارسی سخن می‌گفته اما به عربی، شعر سروده است، وانگهی در منابعی مانند *مجمع‌الفصحاء* ابیاتی به فارسی نیز به او نسبت داده‌اند.

پیش از این، غلامرضا طاهری در سال ۱۳۸۳ در بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد کاشمر) با عنوان "بررسی شرح احوال و افکار مشاهیر شعرای ادب عربی در منطقه قهستان (خراسان)" به این موضوع پرداخته، یا همایون در سال ۱۳۳۵ در مقاله‌ای کوتاه با عنوان "ابوبکر علی بن حسن قهستانی" شاعر را معرفی کرده است که از حاصل کار آنان به رسم امانت استفاده خواهد شد.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع فارسی و عربی به شرح احوال، زندگی، آثار و مراودات ادبی ابوبکر قهستانی با دیگر شاعران خراسان و جهان اسلام پرداخته و سروده‌های وی را بررسی و تحلیل نموده است.

شرح حال ابوبکر قهستانی

ابوبکر علی بن حسن قهستانی، شاعر، نویسنده و صاحب نفوذ دربار غزنویان در قرن چهارم و پنجم هجری بود. در ذیل نام وی در مجمع الفصحاء آمده: «گویند از علمای قهستان بوده و مذاق معاصرین خود را بشهد کلام خود شیرین می‌نموده، زیاده از احوالش اطلاعی نیست» (هدایت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۰۷). منابع مهمی چون مُعجم‌الادباء، دُمیه‌القصر و عَصْرَه أَهْلِ الْعَصْرِ و تَتِمَّة یتیمه‌الدهر فی محاسن أَهْلِ الْعَصْرِ نیز اطلاعاتی درباره تاریخ تولد، کودکی و استادان ابوبکر به دست نمی‌دهند.

اگر ابن‌النجار بغدادی (۱۹۷۷م، ج ۳: ۲۱۵) متوفی در ۶۴۳ قمری محل تولد او را رُخج، قندهار امروز دانسته، به این دلیل است که عرب‌ها در سده‌های نخست، گاه از تمام منطقه شرق بویژه سیستان به رخج یاد می‌کردند. وانگهی اطلاعات ابن‌النجار از قهستانی در کتاب *ذیل تاریخ بغداد* دقیق نیست. مثلاً می‌نویسد: «وقتی خوزستان به محمد بن محمود بن سبکتکین از سوی پدرش واگذار شد، ابوبکر قهستانی، کاتب او بود» (همانجا). مراد از خوزستان، جوزجان^۱ بوده است؛ زیرا غزنویان دستی بر خوزستان به گواه تاریخ نداشته‌اند. به هر حال، ممکن است برخی از منابع دیگر چون دُمیه‌القصر هم اصل و نسب وی را از رخج بدانند (باخرزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۷۹۰)، اما شهرت او به قهستانی و چرایی آن به هر حال، جای سؤال دارد.

با توجه به این که عنصرالمعالی (۱۳۶۸: ۲۵۵) او را در *قابوسنامه* در زمان رمزگشایی نامه خلیفه عباسی، جوان نامیده و پس از آن نیز سلطان محمود به سال ۴۰۸ هجری به امیرمحمد، خلعت بخشیده است و ابوبکر قهستانی را همراه پسرش به ولایت جوزجان فرستاده (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۷)، می‌توان تولد ابوبکر را در ربع پایانی قرن چهارم تخمین زد. بنابراین در جوانی به دربار سلطان محمود غزنوی راه و ارتقاء یافت و آن‌گاه که توانست به اسرار و رموز نامه القادربالله، خلیفه عباسی، پی ببرد از جانب سلطان محمود پاداش گرفت و در شمار ندیمانی قرار گرفت که اجازه نشستن در مجالس امیر را داشتند (آیتی، ۱۳۲۷: ۱۷۷).

۱. یکی از ولایت‌های خراسان بزرگ بوده که امروزه در شمال افغانستان، هم‌مرز با تاجیکستان و ترکمنستان قرار دارد.

ماجرای نامه مذکور از این قرار بود که سلطان محمود به خلیفه عباسی نامه‌ای فرستاد و از او خواست تا حکومت ماوراءالنهر را به او واگذار کند و اجازه دهد تا با سپاهیان‌ش آن‌جا را فتح کند. خلیفه در پاسخ وی نوشت که در تمام سرزمین‌های اسلامی، مردمی مطیع‌تر از آنها وجود ندارد؛ از این‌رو، این کار را نخواهد کرد. سلطان محمود، خشمگین شده و به فرستاده خلیفه نوشت: «آیا من از ابومسلم کمتر هستم؟ من خود با سپاه فیل‌ها به مرکز حکومت می‌آیم و با پای فیل‌ها دارالخلافه را ویران می‌کنم». و در ادامه بسیار تهدید کرد. فرستاده خلیفه رفت و پس از مدتی با نامه‌ای که مهر خلیفه داشت، بازگشت که به تهدیدهای سلطان محمود پاسخ داده بود. خواجه بونصر مشکان که مسؤول دیوان رسائل بود، نامه را گشود. در آن نوشته شده بود: "بسم الله الرحمن الرحيم" "الم الف و لام و میم" و آخر نامه، "الحمد لله والصلوه علی رسولہ محمد و آله أجمعین". دیگر مطلبی در آن نوشته نشده بود. سلطان محمود و همه کاتبان اندیشیدند و هر آیه‌ای که در آن "الم" بود خواندند و تفسیر کردند. اما پاسخی نیافتند. سرانجام ابوبکر قهستانی جوان گفت: چون سلطان، خلیفه را با فیل‌ها تهدید کرده است خلیفه نیز در پاسخ به آیه اول سوره فیل اشاره کرده است: «آیا ندیدی که پروردگارت با سپاه فیل چه کرد؟» سلطان محمود بسیار اندوهگین شد و گریه کرد و بسیار عذرخواهی کرد. به ابوبکر قهستانی نیز پاداش بسیار داد (عنصرالمعالی، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

ابوبکر قهستانی، القاب و مناصبی داشته که بیانگر موقعیت او در دربار غزنویان بوده است. از آن جمله: ۱- شیخ ۲- خواجه که یکی از عناوین بزرگان در آن زمان بود (حسینی کازرونی، ۱۳۸۴: ۷۹۹). ۳- عارض سپاه. ابوبکر قهستانی در زمان سلطان محمود، مسؤول اداره امور سپاه بود؛ پس از وزیر، صاحب دیوانِ عرض از مهم‌ترین ندیمان و دستیاران پادشاه بود. عارض دارای صفاتی ممتاز، لیاقت و هنر نظامی بود. در زمان صلح رسیدگی به امور سربازان از وظائف عارض بود. هر سال، سپاه را در یکی از دشت‌های مجاور پایتخت در برابر او عرضه می‌کردند و به نمایش می‌گذاشتند. گاهی نیز پادشاه در میان سپاه حاضر می‌شد. در زمان جنگ، عارض باید وسایل و تجهیزات سربازان را فراهم کند. در تمام طول جنگ فراهم کردن مایحتاج سپاه بر عهده عارض

بود، پس از پیروزی نیز بخشی از غنائم را در حضور پادشاه میان امرا و سربازان با توجه به شایستگی که از خود نشان دادند، تقسیم می‌کرد (قدیانی، ۱۳۸۴: ۵۱). ۴- عمید. لقب ابوبکر قهستانی در زمان امیرمحمد غزنوی بود. عمید، لقب رئیس دیوان رسالت بود (حسینی کازرونی، ۱۳۸۴: ۷۲۹). وظیفه این دیوان صدور فرمان‌ها، قوانین و جمع‌آوری اسناد بود. رئیس دیوان رسالت نوشتن نامه به خلفای عباسی، پادشاهان هم‌جوار و حکام را بر عهده داشت که گاهی پادشاه نامه‌ها را می‌گفت و رئیس دیوان با سبکی که معمول بود، می‌نوشت. زیردستان رئیس دیوان، دبیران و منشیان بودند که با توجه به لیاقت خود حقوق می‌گرفتند (قدیانی، ۱۳۸۴: ۵۲).

در دستگاه امیرمحمد غزنوی، ریاست دارالانشاء را او بر عهده داشت. امیر، وی را خواجه عمید خواند (بیهقی، ۱۳۵۰: ۸۰). دهخدا، لقب او را "عمید الملک" ذکر کرده است (ذیل: "علی قهستانی"). از آن جایی که امیر محمد، فردی عشرت‌طلب، شهوت‌ران و سست اراده بود (قدیانی، ۱۳۸۴: ۳۴) و ابوبکر نیز عیاش و خوش‌گذران بود، این امر، باعث حضور و نزدیکی وی به امیر شده بود. حموی (۱۴۰۸: ۲۵) در معجم‌الادباء از علاقه ابوبکر به غلمان سخن گفته و حتی از او غزل مذكر نیز نقل کرده است.

ابوبکر قهستانی پس از برکناری امیرمحمد غزنوی به بغداد گریخت. تاریخ ورود او به بغداد را حدود سال ۴۲۰ هجری دانسته‌اند (همان: ۲۹). در تاریخ بیهقی ذیل حوادث سال ۴۲۱ هجری از قول عبدالرحمن قوال چنین آمده است: «یک روز بر آن خضراء بلندتر شراب می‌خوردیم و من در پیش او [امیرمحمد غزنوی] نشسته بودیم و مطربان می‌زدند، از دور گردی پیدا آمد. امیر گفت رضی الله عنه، آن چه شاید بود؟ گفتند نتوانیم دانست. وی معتمدی را گفت به زیر رو و بتاز و نگاه کن تا آن گرد چیست. آن معتمد بشتاب برفت و پس بمدتی دراز باز آمد و چیزی در گوش امیر بگفت و امیر گفت الحمدلله ... چون نماز شام خواست، رسید، ما باز گشتیم، مرا تنها پیش خواند و ... گفت: بوبکر دبیر سلامت سوی گرمسیر تا از راه کرمان به عراق و مکه رود و دلم از جهت وی فارغ شد که به دست این بی‌حرمتان نیفتاد» (بیهقی، ۱۳۵۰: ۸۰). ابوبکر قهستانی در بغداد، خلیفه عباسی، القادر بالله و پسرش، القائم بامرالله و دو وزیر را ستوده است

(حموی، ۱۴۰۸: ۲۹؛ ابن النجار البغدادی، ۱۹۷۷م، ج ۳: ۲۱۶).

وی پس از سقوط غزنویان و روی کار آمدن سلجوقیان در خراسان به نیشابور آمد و به سال ۴۳۱ هجری در دربار آنان به مقامات والا رسید (آیتی، ۱۳۲۷: ۱۷۷). سلجوقیان هم ابوبکر را مورد احترام قرار دادند؛ زیرا می‌دانستند که او یکی از مخالفین سلطان مسعود و از طرفداران امیر محمد بوده است. اینک باید دید که ابوبکر کدام سلجوقی‌ها را دریافته است. این مطلب را از تذکرات یاقوت حموی نمی‌توان درک کرد، ولی مسلماً سلاجقه‌ی بزرگ و به عبارت دیگر، سلاجقه‌ی خراسان را که از سال ۴۲۹ تا ۵۵۲ هجری سلطنت کرده‌اند و تا آخرین روزگار، ریاست تمام سلاجقه را داشته‌اند، دریافته و نیز ممکن است به دربار سلاجقه‌ی کرمان (۴۳۳-۵۸۳ق.) رسیده باشد (همایون، ۱۳۳۵: ۳).

در زمان حضور ابوبکر قهستانی در نیشابور، افراد زیادی از او بهره گرفتند. از جمله می‌توان به علی بن حسن باخرزی، شاعر و ادیب عربی‌نویس ایرانی در قرن پنجم هجری اشاره کرد. او در فلسفه، شاگرد ابوبکر قهستانی بود (تونجی). وی در کتاب ارجمند خود، دمیة‌القصر، به تمجید از ابوبکر قهستانی می‌پردازد و اشعاری را از خود او و هم‌چنین اشعاری را از قول او از دیگر شاعران، نقل می‌کند.

علاوه بر این، دانشمند نامدار قرن چهارم هجری، ابومنصور ثعالبی نیشابوری، در تدوین کتاب تتمه یتیمه‌الدهر فی محاسن أهل العصر به یاری ابوبکر قهستانی، اشعار فراوانی را از شاعران معاصرش در اقصی نقاط ممالک اسلامی روایت می‌کند که برخی از این شاعران، بسیار گمنام و مهجورند. به عنوان نمونه، از قول ابوبکر قهستانی، اشعاری از امیر ابوالمطاع از شاعران شام در صفحه یازده تتمه یتیمه‌الدهر نقل شده است. این مسأله، فضل، ادب‌دوستی و به‌روز بودن ابوبکر قهستانی را گواهی می‌دهد.

ثعالبی به هنگام گزارش اشعار شاعران از زبان ابوبکر قهستانی، عناوین و تعبیری را برای او به کار می‌گیرد که نشانه ارج و احترام قهستانی نزد اوست. از آن جمله، شیخ ابوبکر علی بن الحسن، الشیخ ابوبکر ائده الله، شیخ ابوبکر علی بن الحسن القهستانی ائده الله و غیره می‌باشد.

دهخدا در لغتنامه او را «کریم، شوخ طبع و از بزرگان و فضلا و ادبای خراسان» (ذیل: علی قهستانی) برمی‌شمارد. هموست که به شاعران و ادیبان هم‌عصرش بسیار توجه دارد و به آنان، صله و جایزه می‌بخشد. این توجه و بخشش تا بدان حد بود که شاعری که او را با این زبان گزنده، در ابیات ذیل نکوهش کرده و نیز جایزه داده و او را تشویق کرد. رفتار قهستانی نشان از سعه صدر، منش والا و فرهنگ‌دوستی وی دارد:

أَبَا بَكْرٍ هَجَوْتُكَ لَا لِطَبْعِي فَطَبْعِي عَنْ هَجَاءِ النَّاسِ نَابِ
وَلَكِنِّي بَلَوْتُ الطَّبْعَ فِيهِ فَإِنَّ السَّيْفَ يُبْلَى فِي الْكِلَابِ

(حموی، ۱۴۰۸: ۲۵)

ترجمه: ای ابوبکر! تو را نه از سر طبع و ذوق هجو کردم؛ زیرا سرشت من از هجو مردم به دور است، اما من طبع خود را آزمودم؛ چرا که شمشیر با سگ‌ها آزمایش می‌شود.

ابوبکر قهستانی در سروده‌های فارسی

شاعرانی مانند فرّخی سیستانی، سنایی غزنوی و سوزنی سمرقندی، ابوبکر قهستانی را در زبان فارسی مدح و ستایش کرده‌اند. فرّخی و قهستانی هر دو در دربار غزنویان بودند. فرّخی، شاعر و ثناگوی محمود غزنوی بود. او چهار قصیده در مدح ابوبکر قهستانی سروده است. از جمله در قصیده‌ای بیست بیت با مطلع زیر می‌گوید:

پشت من بشکست همچون پر شکن زلفین یار

اشک من بیجاده گون و چشم من بیجاده بار

(فرّخی سیستانی، ۱۳۶۳: ۶۹)

پنج بیت نخست، قصیده در تغزل و نه بیت در ستایش سخاوت و سخنوری ابوبکر قهستانی است. فرّخی با عناوینی مانند عارض جیش، امید لشکر و خواجه از قهستانی نام می‌برد. در ادامه نیز به تهدید دشمنان وی می‌پردازد و آنان را از بدخواهی برحذر می‌دارد. این قصیده با دعا برای ممدوح و نفرین برای دشمنان وی پایان می‌پذیرد. قصیده دوم فرّخی در ستایش ابوبکر قهستانی نیز بیست بیت دارد:

ای غالیه کشیده ترا دست روزگار باز این چه غالیه ست که تو برده‌ای به کار

(همان: ۱۹۵)

او در این قصیده‌ی شیوا و روان، خواجه عمید را عمید ملک و بزرگ همه بزرگان روزگار دانسته است. شاعر، مقام ممدوح را تا آسمان بر می‌کشد و چهار عامل نفس شریف، اصل بزرگ، دل قوی و لطف پروردگار را باعث رسیدن ابوبکر به آن مقام می‌داند. آزاده نسبت به خادم ابوبکر هم‌چون بدبخت به خوشبخت رشک می‌برد و حسد می‌ورزد. به نظر می‌رسد فرخی در پاسداشت مقام ابوبکر، اغراق هم می‌کرده است.

فرخی سیستانی در قصیده‌ای طولانی‌تر خدمت به ابوبکر قهستانی را دور کننده بلا و فرمانبرداری از او را باعث آسایش و راحتی می‌داند. خدمت به ممدوح، هم‌چون درختی است که بر او سایه افکنده. شاعر از پروردگار می‌خواهد که این درخت بر تمام عالم سایه بیاندازد! مطلع قصیده چنین است:

دی به سلام آمد نزدیک من ماه من آن لعبت سیمین ذقن (همان: ۳۱۷)
این قصیده فرخی، چهل و هفت بیت دارد. شاعر در ادامه می‌گوید که بخت و شانس تو را می‌پرستد و بزرگ می‌دارد. همان‌گونه که بت‌پرست، بت را عبادت می‌کند. در عظمت مقام ممدوح می‌گوید که خادم تو سالار چین است و این سخنان از سر خامی و بیهودگی نیست. این قصیده نیز با دعا برای محبوب و نفرین بدخواهان پایان می‌پذیرد. هر چند ممکن است پاره‌ای از این صفات، شاعرانه و اغراق‌آمیز بنماید، اما گشاده‌دستی و شاعرناواری او با واقعیت زندگی و منش اخلاقی او هم منطبق است و گزافه نگفته؛ چه همان‌طور که در این قصیده بیان داشته، خانه ابوبکر محفل ادبا و شعرا بوده است. قصیده‌ای دیگر در ستایش ابوبکر قهستانی در دیوان فرخی وجود دارد که اخلاق او را از شعر و سخن او برتر توصیف کرده است. ممدوح با بخشش و اخلاق پسندیده، بزرگی و نیکنامی را به چنگ آورده است و هیچ‌کس نمی‌تواند نیکنامی را با خشم، مکر و حيله به‌دست آورد. شاعر، لطف و فضل ممدوح را به رام‌کننده اسب و نیکنامی را به کره اسبی سرکش تشبیه کرده است تا سختی رسیدن به نام نیک را در ذهن مخاطب تداعی کند. مطلع آن قصیده از این قرار است:

بوستانیست روی کودک من واندر آن بوستان شکفته سمن (همان: ۳۲۳)

سوزنی سمرقندی نیز چنین به گشاده‌دستی و کرم قهستانی در قبال شاعران اشاره می‌نماید:

فرّخی، هندی غلامی از قهستانی بخواست سی غلام ترک دادش، خوش لقا و خوش خرام
(سوزنی سمرقندی، ۱۳۳۸: ۲۲۶)

سنایی غزنوی نیز در مثنوی چهل بیتی، سفر ابوبکر قهستانی به دربار روم را گزارش می‌کند. آن‌جا که محمود غزنوی تصمیم گرفت، فرستاده‌ای را به دربار بفرستد تا پیام او را به قیصر روم برساند و او را به اطاعت از غزنویان و پرداخت مالیات دعوت کند، خواجه ابوبکر قهستانی به این منظور برگزیده شد. ابوبکر راهی دربار روم شد. سرانجام پس از گفتگو، پادشاه روم دادن مالیات را پذیرفت. مطلع قصیده این است:

شاه شاهان یمین دین محمود که جهان را به عدل بُد مقصود
(سنایی غزنوی، ۱۳۷۵: ۵۶۳)

سنایی در این مثنوی، القابی مانند سیدالندماء و حیدر ثانی را برای قهستانی آورده و از هوش سرشار و دانش وی تمجید کرده است. گفتنی است ابوبکر قهستانی هر کسی که وی را به زبان عربی ستوده است و یا به وی نامه نوشته، به عربی پاسخ داده، اما پاسخ قصاید فرخی را نداده و یا به دست ما نرسیده است.

مراودات ادبی قهستانی با شاعران عربی‌سرا

ابومحمد حسین بن تمیم به ابوبکر قهستانی، نامه نوشته است و این‌گونه نسبت به او ابراز محبت کرده و از وی درخواستی داشته است:

قُلْ لِلْعَمِيدِ وَ لَسْتُ مُعْتَمِداً عَلَى	خَلْقِ سِوَاهُ فَلَا سَلْبَتُ عِمَادِي
أَطْعَمَ هَنِيئاً إِنَّ ضَيْفَكَ جَائِعٌ	وَ اشْرَبَ مَرِيئاً إِنَّ ضَيْفَكَ صَادٍ
أَعْدُو إِلَيْكَ كَمَا أَرُوحُ عَلَى جَوِي	وَ طَوِيُّ فَقُلْ فِي رَائِحِ أَوْ غَادِ

(باخرزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۷۹۱)

ترجمه: به عمید ابوبکر بگو و من به کس دیگری جز او اعتماد ندارم. این اعتماد هیچ‌گاه سلب نشود! غذایت را به گوارایی تناول کن که میهمانت گرسنه است و آبت را

نوش جان کن که میهمانت، گلو خشک است. بامدادان نزد تو می‌آیم و شامگاه، مشتاق
برمی‌گردم، پس به کسی که همواره نزد تو می‌آید، چیزی بگو!

ابوبکر قهستانی به او پاسخ داده که:

لَبَّيْكَ يَا مَوْلَايَ بَلْ سَعْدِيكَ مِنْ لَفْظَيْنِ: تَلْبِيهِ وَ مِنْ إِسْعَادِ
لَا أَشْرَبَنَ وَلَا أَكَلْتُ عَلَى الصَّدَى وَ الْجَوْعِ غَيْرَ دَمِي وَ غَيْرَ فُؤَادِي

(همانجا)

ترجمه: سرورم! من درخواست را پاسخ می‌گویم و در نهایت خدمت دو کلمه
می‌گویم: اجابت و نیک‌بختی! هرگز چیزی جز خون [دل] و [پاره‌های] جگر را با وجود
این تشنگی و گرسنگی نمی‌نوشم و نمی‌خورم.

ابوعلی قومسی نیز صاحب دیوان رسائل سلطان محمود و از شاعران دو زبانه (فارسی-
عربی) بود. وی به قهستانی نامه می‌نویسد و نسبت به او اظهار محبت می‌کند و در
گرامیداشت او از الفاظی مانند "شیخ" و "سرور" و "من بنده او هستم" و "چه کسی
مثل ابوبکر است؟" استفاده می‌کند که نشان دهنده دوستی صادقانه و صمیمانه میان
آنهاست:

سَلَامٌ كَنَشْرِ الْوَرْدِ فِي رَيْقِ الْفَجْرِ وَ رِيحِ الْخُرَامَى فَوْقَهُ دَمْعُهُ الْقَطْرِ
عَلَى الشَّيْخِ مَوْلَانَا الَّذِي أَنَا عَبْدُهُ عَنِيتُ أَبَا بَكْرٍ وَ مَنْ كَأَبِي بِكَرٍ؟

(همان: ۶۴۴)

ترجمه: سلامی بسان انتشار بوی گل در پاکی بامدادی و چون رائحه گل شب‌بویی که
روی آن گل، شب‌نم نشسته باشد، بر شیخ و سرور ما که من، بنده اویم. منظورم ابوبکر
است و چه کسی مانند ابوبکر است؟

ابوبکر قهستانی نیز در پاسخ او سروده است:

سَلَامُكَ يَا مَوْلَايَ فَهُوَ سَلَامَةٌ أَتَى فَسَلِمَتِ الدَّهْرُ مِنْ نُوبِ الدَّهْرِ
تَحِيَّتُكَ الْحُسْنَى حَيَاةً جَدِيدَةً تُفِيدُ بِهَا رَوْحِي مَزِيداً عَلَى عُمَرِي

(همانجا)

ترجمه: سرورم! سلام تو که سلامتی است، به من رسید، پس همواره از حوادث روزگار

در امان باشی!

سلام زیبای تو به منزله زندگی تازه‌ای است که روحم با آن، علاوه بر عمرم از آن برخوردار می‌شوند.

از دیگر افرادی که با ابوبکر قهستانی ارتباط داشته‌اند، ابومحمد حسن بن محمد الرقی است. وی سفرهای زیادی داشته است تا این که در جوزجان به خدمت ابوبکر قهستانی رسیده است و با این ابیات، ابوبکر قهستانی را ستوده است. مصراع آخر، دلیلی ضمنی بر نام دقیق ابوبکر قهستانی و نویسندگی وی هم به‌شمار می‌رود:

لَوْ قِيلَ لِي هَلْ لِلنَّهْيِ مَالِكٌ	يُعْرِفُ أَمْ هَلْ لِلْعَلَى صَاحِبٌ؟
لَقُلْتُ وَالصَّادِقُ فِي قَوْلِهِ	مَمْدَحٌ إِذْ هُجِيَ الْكَاذِبُ
عَمِيدُهَا الشَّيْخُ أَبُو بَكْرٍهَا	عَلَى بْنُ الْحَسَنِ الْكَاتِبُ

(ثعالبی نیشابوری، ۱۴۰۳ق: ۶۳)

ترجمه: اگر به من گفته شود آیا برای عقل، مالکی و برای بزرگی و والایی، صاحبی وجود دارد؟ بی‌درنگ خواهم گفت و [می‌دانم] راستگو در سخنش، ستایش می‌شود همان‌طور که دروغگو سرزنش می‌گردد: پیشوای آن، شیخ ابوبکر علی بن حسن کاتب است.

همچنین ابویوسف یعقوب بن احمد (وفات ۴۷۴ق.) ادیب و لغوی اهل نیشابور که در اصل کردنژاد بوده و صاحب دو کتاب *الْبُلْغَةُ الْمُتَرْجِمَةُ فِي اللُّغَةِ* (دهخدا، ذیل "یعقوب بن احمد") و *جَوْنه* اند است، ابوبکر قهستانی را ستوده است. ثعالبی در تتمه *یتیمه‌الدهر*، بخشی از اشعار عربی او را در ستایش ابوبکر قهستانی به این شرح آورده است:

كَلَامُكَ رُوحُ أَجْسَامِ الْكَلَامِ	وَلَفْظُكَ فَاعِلٌ فِعْلِ الْمَدَامِ
وَدُونُكَ كُلُّ مَمْدُوحٍ كَلَاماً	وَعَبْدُكَ كُلُّ حُرٍّ فِي الْأَنَامِ
لَعَمْرُ غَلَاكَ هَلْ أَبْصَرْتَ مِثْلًا	لِنَفْسِكَ فِي شَمَائِلِكَ الْكِرَامِ؟
بِمِصْرَ وَغَيْرِهَا مِنْ كُلِّ مِصْرٍ	وَفِيمَا طُفَّتْ مِنْ يَمَنِ وَشَامِ
وَفِي أَرْضِ الْعِرَاقِ بِلَادُ يَمَنِ	وَحَيْثُ حَلَّتْ بِالْبَلَدِ الْحَرَامِ

فَكَيفَ وَ أَنْتَ فَذَّ فِي الْمَعَالِي فَرِيدٌ فِي مَكَارِمِكَ التَّوَامِ
(باختری، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۹۸۲)

ترجمه: سخن تو جان کالبد سخن است و لفظ تو هم چون شراب عمل می کند. هر سخن نیکویی از [کلام] تو پایین تر است و هر آزاده ای که در میان مردم باشد، [به منزله] بنده تو است. به بزرگی ات سوگند آیا برای خودت مثل و ماندی در خصلت های نیکو دیده ای؟ در مصر و در کل شهرهای دیگر و در آنچه از یمن و شام گشتی و در خاک عراق که کشور خیر و برکت است و در مکه که اقامت کردی [برای خودت ماندی دیده ای؟]، پس چگونه کسی مانند تو است در حالی که تو در بزرگی ها و در فضائل اخلاقی یکتا و بی همتایی؟

این ابیات، سفرهای فراوان ابوبکر قهستانی در دنیای آن روز مانند مصر، شامات، یمن، عراق و شبه جزیره عربستان و در نتیجه، جهان دیدگی او را به نیکویی نشان می دهد. ابویوسف یعقوب بن احمد، شعر دیگری نیز در ستایش قهستانی سروده است و او را این گونه غرق صفات پی در پی کرده و بی همتا دانسته:

يا أَبَا بَكْرٍ عَلِيًّا	ما رَأَى مِثْلَكَ أَنْسُ
أَنْتَ فِي الْحُزْنِ سرورٌ	أَنْتَ فِي الْوَحْشَةِ أَنْسُ
أَنْتَ غَيْثٌ أَنْتَ بَدْرٌ	أَنْتَ لَيْثٌ أَنْتَ شَمْسُ
أَنْتَ لِلْسُّودِّ قُطْبٌ	أَنْتَ لِلْعُلَيَّاءِ أَسُ
إِنْ تَحَمَّلْتَ فَقُدْسٌ	أَوْ تَكَلَّمْتَ فَقُسٌّ (همان: ۹۸۳)

ترجمه: ای ابوبکر علی! مردم مثل تو ندیدند. تو در زمان اندوه، مایه خوشحالی و در تنهایی همدم مونس. تو بارانی! تو ماه تمامی! تو شیری، تو خورشیدی! تو محور بزرگی و پایه بزرگواری هستی. اگر صبر کنی مانند کوه قدس هستی و اگر سخن بگویی مانند قس بن ساعده آیادی، خطیب مشهور دوره جاهلی عرب هستی.

از شاعران دیگری که به ابوبکر قهستانی نامه نوشته و از او به بزرگی یاد نموده، احمد بن محمد بن عمیره چشمی است:

سَتَرَى عَلَى رَغَمِ الْعَدُوِّ مَحَلَّةً مَنْ حَالُهُ كَمَحَلِّهِ مِنْ مَجْدٍ؟

أَرْجُو بِحَمْدِ اللَّهِ لَيْسَ بِحَمْدِهِ
لُطْفَ اللَّطِيفِ سَيِّدِي وَبِعَبْدِهِ
(ابن فندق: ۱۳۶۱: ۲۰۴)
ترجمه: بر خلاف خواست دشمن، جایگاه [اولایش] را خواهی دید. چه کسی به مجد و عظمت او می‌رسد؟ با سپاس از پروردگار که هیچ کسی غیر از او شایسته ستایش و بندگی نیست، لطف آن مهربان [ابوبکر] را امید دارم!
هر چند این دو بیت، خاصه بیت دوم از هم گسیخته و سست به نظر می‌رسد، اما ابوبکر درخواست وی را این‌گونه پاسخ داده است:

يَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَيْرَةَ الْ-
أُوتِيتَ سُؤْلَكَ خُذْ رِسْوَكَ إِنَّهُ
مِنْ غَيْرِ هَذَا الضَّرْبِ كُنْتُ أَجِبُهُ
جَشْمِي مَا جَشَمْتَنِيهِ اسْتَأْدِهِ
مَعَهُ بِخَاتَمِ رَبِّهِ وَبِشِدِّهِ
لَكِنَّ دَهْرِي طَعْنَهُ فِي كَبْدِهِ
(همانجا)

ترجمه: ای احمد بن محمد عمیره جشمی! آنچه را که با زحمت به‌دست آوردم، آن را دریافت کن. به خواسته‌ات رسیدی. از قاصدت بگیر، زیرا همراه او انگشتر اربابش است. دوست داشتم غیر از این، [چیزی به تو بدهم]. اما روزگارم در جگرش نیست. دوست دیگر ابوبکر قهستانی، عمر بن عبدالعزیز جکرزی، است که ابوبکر به او ابراز علاقه می‌کند و دیدار او را می‌خواهد:

يَا قَمَرَ الْوَجْهِ يَا وَجَهَ الْقَمَرِ
فَاطْلُعْ وَجَلَّ مَا بِجَوَى مِنْ قَتَرٍ
حُوشِيَتْ طَالَ ذَا السَّرَّاءِ وَاسْتَمَرَّ
فَطَالَ مَا اشْتَاقَ أَبُو بَكْرٍ عُمَرَ
(ثعالبی نیشابوری، ۴۰۳ق: ۲۶۶)

ترجمه: ای ماه چهره! ای چهره ماه! فراق اختیار کردی و این دوری، طولانی شد و ادامه یافته. تو بتاب و آنچه را در این محبت از غبار کدورت است، از بین ببر، چون مدت زیادی است که ابوبکر مشتاق [دیدن] عمر است.
از دیگر شاعرانی که ابوبکر قهستانی با آنها مکاتبه و مراوده داشته است، شریف مرتضی، برادر سید رضی، گردآورنده کتاب ارجمند نهج البلاغه می‌باشد. کنیه او ابوالقاسم و نامش علی بن حسین موسوی ملقب به علم‌الهدی ذوالمجدین بود. در سال ۳۵۵ هجری

به دنیا آمد و در سال ۴۳۶ هجری از دنیا رفت (ابن خلکان، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۴۹). قصیده‌ای را که ابوبکر قهستانی برای شریف مرتضی سروده به این قرار است:

أُرَاعِي نُجُومًا مِنْ دُمُوعِي طَوَالِهَا	ضَلَلْتُ بِهَا صَبْرِي وَبِالنَّجْمِ يُهْتَدَى
وَلَمْ أَثِقْ بَعْدَ الظَّاعِنِينَ فَدَيْتُهُمْ	لَأَبْقَى وَ لِكِنِّي لِأَشْقَى وَ أَكْمَدَا
رَأَى طَيْفَ سَعْدَى غَضَى الطَّرْفِ أَنْ يَرَى	سِوَاهَا فَظَنَنْتُ لِي لِوَاحِظَ هُجْدَا
وَمَا نِمْتُ لَكِنْ مَاتَ إِنْسَانٌ نَاطِرِي	فَبَوَّأْتُهُ مِنْ جَفْنِ عَيْنِي مُلْحَدَا

(باخرزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۷۸۶)

ترجمه: ستارگانی را رصد می‌کنم که از اشک‌هایم طلوع می‌کنند. به‌خاطر آنها شکیبایی‌ام را از کف می‌دهم و مردم با ستاره هدایت می‌شوند. بعد از یاران سفر کرده، طاقت نمی‌آورم، فدایشان شوم! [اگر هم] دوام بیاورم با دردهای بسیار شوربخت خواهم بود. خیال سعدی مرا چشم بسته دید، پس چشم‌هایم را خوابیده گمان برد و آنها نمی‌خواستند که غیر از او را ببینند. خوابیدم، بلکه مردمک چشمانم از بین رفت، پس او را در چشمانم مأوا دادم.

پیداست که عاطفه در این ابیات، صادقانه و تأثیرگذار است و از ذوق شعری و توانایی ابوبکر قهستانی در ادب عربی، نشان‌ها دارد. وی در قصیده‌ای دیگر خطاب به شریف مرتضی با مطلع زیر می‌گوید:

لَكَ الْخَيْرُ أَبْشِرْ، كُلُّ شَيْءٍ لَهْ مَدَى	هُوَ الدَّهْرُ لَيْسَ الدَّهْرُ، خُلِدَتْ سَرْمَدَا
--	---

(همان، ج ۱: ۳۰۰)

ترجمه: خوبی‌ها از آن تو باد، مزده باد! هر چیزی پایانی دارد، روزگار را بقایی نیست، تو جاودانه باشی.

شریف مرتضی نیز در پاسخ به نامه ابوبکر قهستانی، با مهر و محبت فراوان می‌سراید:

أَبَتْ زَفَرَاتُ الْحُبِّ إِلَّا تَصْعَدَا	وَ يَأْبَى لَهَيْبِ الْوَجْدِ إِلَّا تَوْقَدَا
وَلَمْ أَرْ مِنْ بَعْدِ الَّذِينَ تَشَرَّدُوا	لَأَعِينَنَا إِلَّا رُقَادًا مُشَرَّدَا
تَذَكَّرْتُ بِالْغُورِينَ نَجْدًا ضَالَلَهُ	وَمِنْ أَيْنَ ذِكْرِي غَائِرِ الدَّارِ مُنْجِدَا
وَقُلْتُ لِمَنْ يَحْدُو الْمَطَايَا يَحْتُهَا	عَلَى الْبُعْدِ دَعْنَا فِي الْمَطَايَا مِنَ الْحِدَا

مَضَى الْبَيْنُ عَنَّا بِالْحَيَاهِ وَ طَيِّبِهَا
فَقُلْ لِلَّذِي يَنْوِي الْفِرَاقَ وَ عِنْدَهُ
وَعَدَتْ بَيْنَيْنِ يَسْلُبُ الْعَيْشَ طَيِّبَهُ
وَ مَا كَانَ عِنْدِي أَنْ يُفَرِّقَ شَمْلَنَا
وَ كَانَ الَّذِي كَانَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ كُلَّهُ
فَلَمْ يَبْقَ بَعْدَ الْبَيْنِ شَيْءٌ سِوَى الرَّدَى
بَأَنِّي مُطِيقٌ لِلْفِرَاقِ التَّجَلُّدَا:
فَمَا كَانَ ذَاكَ الْوَعْدُ إِلَّا تَوَعُّدًا
وَ يَبْعَدُ عَنْ دَارِ الْعَمِيدِ تَعَمُّدًا
وَ دَادَا وَ فِي كُلِّ الرَّجَالِ تَوَدُّدًا

(همان: ۳۰۱)

ترجمه: آه و ناله‌های دوستی، بیشتر شد و آتش محبت، زبانه کشید. بعد از کسانی که آواره شدند، جز خوابی پریشان، چشمان ما ندیدند. در غورین، نجد را آشفته به‌خاطر آوردم. کجا یاد آن منزل گود افتاده می‌تواند، یاریگر باشد؟ به کسی که برای شتران، حدی می‌خواند و آن را تشویق به دور شدن می‌کند، گفتم: ما را در این مرکب‌ها از شنیدن حدی راحت بگذار! جدایی ما را از زندگی و خوشی آن دور کرد. پس تنها مرگ پس از جدایی باقی مانده است. به کسی که قصد جدایی دارد و گمان می‌کند من از سر بردباری، آن دوری را تحمل خواهم کرد، بگو: به جدایی، وعده دادی که آن خوشی زندگی را سلب می‌کند. آن وعده تنها تهدیدی بود. گمان نمی‌کردم که جمع‌مان پراکنده گردد و عمید (لقب ابوبکر قهستانی) به عمد از خانه ما دور شود. آنچه میان من و تو بود، سراسر دوستی بود. در همه مردان، محبت و نوع دوستی وجود دارد. ابوحنیفه استرآبادی نیز اشعاری را در مورد ابوبکر قهستانی سروده است که مطلع آن چنین است:

هَلْ لِظَلَامِ اللَّيْلِ إِلَّا حَادٍ أَوْ لَضَلَالِ الصُّبْحِ مِنْ هَادٍ (همان: ۶۲۶)

ترجمه: آیا برای تاریکی شب، آوازخوان و حدی خوان^۱ نیست و برای فریب صبحگاه، راهنمایی وجود دارد؟

ابوحنیفه، در ادامه‌ی قصیده، از قهستانی استمداد می‌طلبد که واژه "دست" فارسی در بیت دوم درخور تأمل است:

يَا أَيُّهَا الْقَمَرُ الْمُلتَجِي بَيْنَ ظِلَامِ الزَّمَنِ الْعَادِي

۱. آواز خواندن برای شتر و در این بیت، حدی، آوازخوان

أَخْلِقُ بِذَاكَ الدَّسْتِ بُرْجاً فَقَدْ حَفَّ بِضَوْءِ الْقَمَرِ الْبَادِي (همانجا)
ترجمه: ای ماه تابانی که در تاریکی این روزگار خیانت کار به او پناه برده می‌شود! چه زیباست آن دست بخشنده‌ای که در زیر نور ماه تابان می‌بخشد!

حلقه ارتباط ابوبکر قهستانی با توجه به آنچه از اخوانیات و نامه‌های او با سایر شاعران باقی مانده، گسترده است. از آنچه گذشت بر می‌آید که غالب این اشعار یا برای اظهار محبت و یا برای درخواست کمک سروده شده است. اخوانیات او فنی، صادقانه و زیباست و محتوای شعر شاعران دیگر بر داد و دهش و فرهنگ دوستی قهستانی دلالتی روشن دارد. از منظر زبانی و فضای فرهنگی نیز استفاده از زبان عربی در همه ارتباطات و مراودات شاعری در قهستان سده چهارم و پنجم هجری، البته مهم و قابل اعتناست.

اشعار ابوبکر قهستانی

برخی معتقدند که ابوبکر قهستانی، شعر فارسی نسروده است؛ چرا که او به شاعرانی که به زبان فارسی برای او شعر گفته و او را ستوده‌اند، پاسخی نداده است، اما با شاعران عربی‌سرا مکاتبه داشته است. رضاقلی‌خان هدایت (۱۳۳۶، ج. ۱: ۲۰۷) در مجمع‌الفصحاء، دو بیت فارسی البته با قید تردید به او نسبت می‌دهد: «گویند این دو بیت ازوست، بنام دیگری هم دیدم:

اگر بتگر چنان صورت نگارد مریزادا خجسته دست بتگر
اگر آزر چنو تانست کردن درود از جان من بر جان آزر»
اما استاد مظاهر مصفا و استاد عباس اقبال آشتیانی، این دو بیت را به قطع و یقین از دقیقی دانسته‌اند. (همانجا؛ وطواط، ۱۳۶۳: ۱۰۸). دیوان ابوبکر قهستانی از بین رفته، اما سروده‌های عربی که از وی به دست ما رسیده است، کم نیست. این سروده‌ها، مشتمل بر قالب‌هایی نظیر قصیده، قطعه و ابیاتی پراکنده و موضوعاتی چون مدح، هجو، خمریه، غزل، وصف، اخوانیات، معما و غیره است.

قهستانی، شاعری صاحب‌منصب در دربار غزنویان بود. از این‌رو، پادشاهان و وزرا را - لاجرم - ستایش کرده است. بیشتر مدایح وی درباره امیرمحمد غزنوی است. این اشعار

از ارتباط تنگاتنگ شاه و ابوبکر قهستانی خبر می‌دهند:

يُسْرُكُ أَنْ أَرَى دَنِفًا حَزِينًا لَكَ الْبُشْرَى بِمَا تَرْضَى رَضِينَا
وَلَكِنِّي إِذَا مَا طَبْتُ نَفْسًا بِمَا تَهْوَى، فَكَيْفَ أَرَى حَزِينَا

(باخرزی، ۱۴۱۴ق.، ج ۲: ۷۷۹)

ترجمه: اگر از این که بیمار و اندوهگین دیده شوم، خوشحال می‌شوی. مژده باد به آنچه که تو خشنودی، ما خشنودیم. اما هرگاه تو بخواهی، خوب شوم، پس چطور اندوهگین باشم؟

ابوبکر قهستانی بسیار از دلبستگی خویش به امیرمحمد بن محمود غزنوی می‌گوید. شاید همین علاقه قلبی و خدمت بی‌شائبه، موجب نزدیکی هر چه بیشتر او به خاندان غزنویان شده است. از منظر ادبی نیز مدایح او استوار و نیرومند است و صنایع ادبی که به کار می‌گیرد، خیال‌انگیز و فنی است:

يَا مَنْ حَكَى شَجَرَ الصَّنَوْبِ قَدَّهُ حَقًّا لَقَدْ عَلَّقْتُكَ أَفْئِدَهُ السَّوْرَى
إِنَّ الْقُلُوبَ حَكَّتْ ثِمَارَ صَنَوْبٍ عَلَّقَنَ مِنْ ذَاكَ الْقَوَامِ صَنَوْبِرَا

(همان: ۷۸۲)

ترجمه: ای کسی که قدش شبیه درخت صنوبر است. به‌راستی که دل‌های مردم، دلبسته توست. دل‌ها مانند میوه‌های درخت صنوبرند که به صنوبری از آن قد و قامت راست آویزانند.

زمانی که ابوبکر قهستانی در بغداد بوده، خلیفه عباسی، ابوالعباس احمد بن المقتدر را مدح گفته است. بیست و پنجمین خلیفه عباسی (وفات ۴۲۲ق.). همو که مردی متدین، عابد، عاقل و فاضل و بسیار خیر بود (معین، ذیل "قادر"). هم‌چنین پسر القادر، خلیفه القائم بامرالله را نیز در دو قصیده، هر دو در ماه‌های محرم سال‌های ۴۲۴ و ۴۲۵ هجری ستایش کرده است.^۱

علی بن حسن قهستانی برای شمس‌الکفاه، احمد بن حسن میمندی نیز شعر سروده است. او اولین وزیر از سه وزیر سلطان محمود غزنوی بود که زبان عربی را زبان رسمی

دربار غزنوی قرار داد. پس از مدتی سلطان به خواجه احمد بن حسن میمندی مظنون شد و او را به زندان انداخت. این وزیر تا آغاز سلطنت مسعود در زندان بود و در سال ۴۲۴ هجری درگذشت (قدیانی، ۱۳۸۴: ۳۲).

شیخ عمید ابوسهل حمدوی از ادیبان و شاعرانی بود که پادشاهان او را گرمی داشته و ابوبکر قهستانی نیز او را ستوده است. ثعالبی در تتمه یتیمه‌الدهر از او به دریای ادب تعبیر کرده است. وی حاکم ری و جبال بوده و سرزمین تحت حکومت او در گستردگی به سرزمین عراق، مانند شده است. او به دنیا توجه نداشت و برای آخرت توشه اندوخت تا جایی که به او "أزهد الزهاد" گفتند (ثعالبی، ۱۴۰۳ق: ۲۴۹). ابوبکر قهستانی در سوگ او سروده است:

يَا مَا لِهَذَا الْقَلْبِ لَا يَرَعَوِي وَ قَدْ دَرَى أَنْ قَدْ هَوَى مَنْ هَوَى (همان: ۲۶۵)
ترجمه: این قلب را چه شده است که از حرکت باز نمی‌ایستد و می‌داند کسی را که دوست داشته از پای افتاده است.

به هر روی، آثار بازمانده از ابوبکر قهستانی نشان می‌دهد که در عربی و عربی‌سرای، چیره‌دست بوده. به‌طوری که برخی از ابیات عربی وی به‌عنوان شاهد و معیار در کتاب‌های بلاغی نمونه آورده شده است. رشیدالدین وطواط (۱۳۶۳: ۱۰) در حدائق السحر از ابوبکر قهستانی، شاهی بر تجنیس مُطَرَّف آورده است:

تَمَتَّعَ بِيَوْمٍ مُسْعِدِ النَّجْحِ مُسْعِفٍ وَ دَعَا قَوْلَ لَاحٍ مُعْنِتِ النَّصْحِ مُعْنِفٍ
در قسمت اسجاع (سجع متوازن)، ضمن بیان این نکته که این نوع سجع، مخصوص نثر نیست، بلکه در شعر "موازنه" خوانده می‌شود، یک بیت شعر از ابوبکر قهستانی را نیز به‌عنوان مثال می‌آورد:

فَمَا ذُقْتُ إِلَّا مَاءَ جَفْنِي مَشْرَبًا وَ مَا نِلْتُ إِلَّا لَحْمَ كَفِّي مَطْعَمًا (همان: ۱۵)

کوتاه سخن آن که «اشعار و نکات عربی ابوبکر علی، نظر به قدرتی که در آن زبان داشته، همواره مورد توجه علما بوده چنان که بسیاری از گفتارهای او به حیث مثال و شاهد گرفته شده» (همایون، ۱۳۳۵: ۳).

نثر قهستانی

آن چه از نثر قهستانی به ما رسیده، مطالب پراکنده‌ای به عربی است. در تتمه یتیمه‌الدهر ثعالبی (۱۴۰۳ق: ۲۶۴) بیان شده است که دو ضرب المثل «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَ جَدَّ وَ جَدَّ» و «مَنْ قَرَعَ بَاباً وَلَجَّ وَلَجَّ» از ابوبکر قهستانی می‌باشد. اما در *امثال و حکم دهخدا* این دو ضرب‌المثل، گمنام ضبط شده‌اند (۱۳۶۵: ج ۴: ۱۷۴۴ و ۱۷۴۶) که در صورت اثبات این دو ضرب‌المثل معروف، افتخار بزرگی از آن ابوبکر قهستانی خواهد شد.

وی در مورد پیروزی‌های پی‌درپی سپاهیان نیز این گونه گفته است: «هَذِهِ فُتُوحٌ أَلَفْتُهَا النَّفُوسُ وَ الطَّبَاعُ وَ مُرِنْتُ عَلَيْهَا الْأَبْصَارُ وَالْأَسْمَاعُ فَهِيَ لَا تُسْتَعْرَبُ غَرَائِبُهَا وَ لَا تُسْتَعَجَبُ عَجَائِبُهَا» (ثعالبی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۴). اینها پیروزی‌هایی هستند که جان‌ها و سرشت‌ها با آن خو گرفته‌اند، چشم‌ها و گوش‌ها نیز به آن انس یافته‌اند. از این‌رو، شگفتی‌های آن، شگفت به نظر نمی‌رسد و عجایب آن، عجیب نمی‌نماید. یا در توصیف ساختمانی گفته: «كَأَنَّ الشَّيَاطِينَ نَصَبَتْ تِلْكَ الْأَسَاطِينَ» (همانجا). گویا شیاطین، ستون‌های آن را برپا کرده‌اند. هم‌چنین ابوبکر قهستانی در داستانی گفته است: «مَا قِيلَ لِبَيْدَاءِ الْمُلْكِ أَنَّكَ لَا تَسْلِمُ حَتَّى تَسْلِمَ وَ لَا تَأْمَنُ حَتَّى تُؤْمِنَ» (همانجا). آنچه در مورد قلمرو پادشاهی گفته شد این است که تو از سلامتی برخوردار نمی‌شوی مگر این که در سلامتی بکوشی و ایمن نمی‌شوی مگر این که در امنیت بکوشی.

دلایلی وجود دارد که احتمال انتساب دو ضرب‌المثل مذکور در ذیل این عنوان را به ابوبکر قهستانی قوت می‌بخشد؛ زیرا همین مقدار اندک که از نثر قهستانی باقی مانده، مسجع و آهنگین است. جمله‌های وی از منظر سبک‌شناسی در شعر و نثر نوعاً کوتاه می‌باشند. از سوی دیگر، ابوبکر به اندرز و حکمت اخلاقی علاقه‌مند است و در شعر او به‌صورت پراکنده، حکمت وجود دارد. چنان که «فلسفه را دوست داشت، نکته‌سنج و ظریف بود» (ابن‌النجار بغدادی، ۱۹۷۷م، ج ۳: ۲۱۶). اما به‌طور کلی درباره آثار وی باید گفت، ابوبکر قهستانی به شعر علاقه و در آن، مهارت بیشتری از خود نشان داده است.

نتیجه

خراسان، خاستگاه شعر دری و قهستان به عنوان بخشی از آن از دیرباز، مهد شاعران و دانشوران بزرگ بوده است. در بازه زمانی محدودی، زبان عربی، زبان رسمی و اداری در این منطقه گردیده است. حکومت غزنویان بنا به دلایل گوناگون، زبان عربی را در سده چهارم و پنجم هجری، زبان رسمی دربار کرد. از این رو، شاعران بسیاری در آن زبان و ادبیات زبردست شدند و بخش متناهی از فرهنگ ایرانی و این منطقه به ناچار در شعر و نثر عربی آنان جریان یافته است.

ابوبکر علی بن حسن قهستانی از خیل آن شاعران و نویسندگانی است که آثار و اشعار عربی او بیشتر از فارسی است. با عنایت به آنچه در متن مقاله گذشت، او از هوش سرشاری برخوردار بود و در شاعری و سخنوری، توانا و در امور دربار، کاردان بود. قهستانی در سروده‌های هم‌عصران خویش، فرهنگ‌دوست، سخاوتمند و جهان‌دیده تصویر شده و روابط گسترده‌ای با شخصیت‌های ادبی و دینی از اقصی نقاط جهان اسلام داشته است. درونمایه شعر او مدح، اخوانیات، وصف، غزل، خمریات، معما و غیره است. در پایان نیز پیشنهاد می‌گردد، اشعار پراکنده وی از منابع گوناگون فارسی و عربی به عنوان سندی ذی‌قیمت از قرن چهارم و پنجم هجری برای انجام پژوهش‌های ادبی و علمی بعدی گردآوری شود.

منابع

- آیتی، محمدحسین (۱۳۲۷). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قایینات و قهستان*. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی‌بکر (۱۴۰۷ق.). *وفیات الأعیان و أبناء أبناء الزمان*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۱۳۶۱). *تاریخ بیهقی*. با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار. با مقدمه علامه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: فروغی.
- ابن‌النجار البغدادی، الحافظ محب‌الدین ابوعبدالله (۱۹۷۷م.). *ذیل تاریخ بغداد*.

- دراسه و تحقیق مصطفی عبدالله عطاء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۴). *جغرافیای شهرستان بیرجند (با اشاراتی به تاریخ و فرهنگ / این شهرستان)*. مشهد: به نشر، آستان قدس رضوی.
- باخرزی، علی بن حسن (۱۴۱۴ق.). *دمیه/القصر و عصره أهل العصر*. بیروت: دارالجیل.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۰). *تاریخ بیهقی*. تصحیح علی اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- تونجی، محمد. "باخرزی". *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱: ۹۹-۱۰۰.
- ثعالی نیشابوری، عبدالملک بن محمد (۱۴۰۳ق.). *تتمه یتیمه/الدهر فی محاسن أهل العصر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حموی، یاقوت (۱۴۰۸). *معجم/الأدباء*. بیروت: دارالإحياء التراث العربی.
- حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۸۴). *فرهنگ تاریخ بیهقی*. تهران: زوار.
- دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه دهخدا*، نسخه الکترونیکی (روایت چهارم). ذیل "علی قهستانی".
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۵). *امثال و حکم*. تهران: امیرکبیر.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد محدود بن آدم (۱۳۷۵). *گزیده حدیقه/الحقیقه و شریعه/الطریقه*. با مقدمه و توضیحات و حواشی عسکر حقوقی. تهران: هیرمند.
- سوزنی سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۳۸). *دیوان سوزنی سمرقندی*. شرح و تصحیح ناصرالدین شاه حسینی. تهران: امیرکبیر.
- طاهری، غلامرضا (۱۳۸۳). "بررسی شرح احوال و افکار مشاهیر شعرای ادب عربی در منطقه قهستان (خراسان)". *پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۶۸). *گزیده قابوسنامه*. به کوشش غلامحسین یوسفی. تهران: امیرکبیر.
- فرّخی سیستانی، علی بن جولوغ (۱۳۶۳). *دیوان فرّخی سیستانی*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: زوّار.

- قدیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران از ظهور اسلام تا پایان سامانیان*. تهران: فرهنگ مکتوب.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۶۳). *تاریخ گردیزی*. تهران: دنیای کتاب.
- لسترنج، گی. (۱۳۷۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی، ج ۲*. ذیل "قادر".
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*. مترجم علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- وطواط، رشیدالدین محمد عمری (۱۳۶۳). *حدائق السحر فی دقائق الشعر*. تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه طهوری؛ کتابخانه سنائی.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۶). *مجمع الفصحاء*. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.
- همایون (۱۳۳۵). "ابوبکر علی بن حسن قهستانی". *مجله آریانا*، سال چهاردهم، ش ۱۶۸ (بهار): ۱-۳.

تأثیر نهاد وقف در پایداری حسینیه‌های عصر قاجار بیرجند

مطالعه موردی: حسینیه بی‌بی عروس^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۷

مرضیه فاریابی^۲

حسن هاشمی زرج‌آباد^۳

مفید شاطری^۴

علی زارعی^۵

چکیده

یکی از سنت‌ها و خصلت‌های پسندیده مردم در طول ادوار مختلف اسلامی برای کسب رضای خداوند و رسیدن به کمال، سنت وقف است. نظام وقف در تاریخ جوامع اسلامی نمونه‌ای از برنامه‌ریزی پایداری در سنتی هزارساله را نشان می‌دهد که با مطالعه این جوامع، مجموعه بناهایی را می‌توان یافت که به علت اجرای سنت حسنه وقف، پایداری طولانی‌تری نسبت به دیگر بناها داشته‌اند، بدین صورت که بخشی از موقوفات صرف عزاداری و انجام امور مذهبی و بخشی دیگر صرف حفظ و نگهداری و در نهایت پایداری بنا می‌شد. این پژوهش که بر پایه مطالعات توصیفی-تحلیلی و با روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است، درصدد این است که اهمیت این موضوع و تأثیر آن را بر نحوه شکل‌گیری و پایداری حسینیه‌های عصر قاجار شهر بیرجند بیان کند. در این مقاله، با مطالعه و بررسی وقف‌نامه‌ی حسینیه بی‌بی عروس و تحلیل فضای معماری آن، تأثیرات وقف بر شکل‌گیری حسینیه و در نهایت، تأثیرات آن به عنوان یک عامل مهم در پایداری حسینیه بیان می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرضیه فاریابی با عنوان «پژوهشی بر نقش وقف در شکل‌گیری سیمای کالبدی شهر بیرجند: تأکید بر حسینیه‌های عصر قاجار» به راهنمایی دکتر حسن هاشمی زرج‌آباد و دکتر مفید شاطری می‌باشد.

faryabi1991@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

hhashemi@birjand.ac.ir

۳. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند

mshateri@birjand.ac.ir

۴. استادیار گروه جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

azareie@birjand.ac.ir

۵. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند

می‌دهد که حسینه بی بی عروس به عنوان یکی از حسینه‌های وقفی مورد بررسی و جزو یکی از عناصر اصلی و مهم تشکیل دهنده در بافت تاریخی بیرجند محسوب می‌شده که با مراجعه به اسناد وقفی آن، می‌توان دریافت که حفظ، پایداری و ماندگاری بنا جزو یکی از نیت اصلی واقف بوده و در واقع، کالبد بنا پاسخگوی نیازهای چندگونه این بنا (امور مذهبی و حفظ بنا) بوده است. در نهایت، نیت واقف بر انجام امور مذهبی و نیازمند مکانی برای عمل به این نیت، دلیلی اصلی بر پایداری کالبدی این حسینه در شهر شده است.

واژگان کلیدی: وقف، حسینه بی بی عروس، قاجار، بیرجند

مقدمه

وقف یکی از برترین و بادوام‌ترین مظاهر احسان و نیکوکاری به مردم، خدمت و کمک به مصالح جامعه و تنظیم امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که مظاهر آن را می‌توان چه به صورت کالبدی و چه به صورت غیرکالبدی در میان جوامع اسلامی مشاهده کرد. یکی از بهترین راه‌های شناخت افکار و عقاید جامعه، توجه به نوع و سبک تبلور افکار آنها در ساخت فیزیکی شهر است. شهر اسلامی با تأثیر از تفکر اسلامی، بیشترین تأثیر خود را از پدیده وقف اخذ نموده است. مالکیت غالب بناهای با عملکرد عمومی که عموماً جز موارث فرهنگی و تاریخی جامعه اسلامی به شمار می‌روند، وقفی است. اکثر متحذات عمومی در بافت‌های فرهنگی و تاریخی و مجتمع‌های زیستی ما، وقفی هستند (قدیری، ۱۳۶۹: ۳۶).

بازتاب‌های کالبدی وقف در محیط شهری شامل موقوفاتی هستند که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارند، در واقع ایجاد بناهایی چون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب‌انبارها و قنات‌ها، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، حسینه‌ها و تکایا از جمله بازتاب‌های کالبدی وقف هستند. در واقع این گونه بازتاب تأثیر و کارایی آن در ساختار شهر می‌تواند بیشتر باشد آثار کالبدی وقف ظرفی هستند.

که مظلوف آن‌ها عملکردهای وقفی هستند و این عملکردها نقش اساسی در حیات و زندگی مدنی جامعه ایفا می‌کنند (شفقی، ۱۳۷۶: ۳۷).

مراسم و مناسک آیینی و مذهبی از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری سازمان فضایی شهر و پایداری و ماندگاری فضاهای شهری می‌باشند. در این زمینه می‌توان به فرهنگ و آیین‌های شیعیان اشاره کرد که با انعکاس آن در سیمای کالبد شهری، چهره‌ای خاص و هویتی مشخص به شهرهای شیعیان می‌دهد. به‌طور خاص مراسم عزاداری محرم و صفر در رابطه با ساختار شهرهای سنتی ایرانی دارای اهمیت ویژه است (شیعه و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۷). شدت تأثیر آیین‌ها بر کالبد شهر تا اندازه‌ای بود که منجر به خلق فضاهای عمومی آیینی و عام‌المنفعه در شهر گردیده است. در واقع، مهم‌ترین فضاهای اجرای آیین‌های عاشورایی در ایران، حسینیه‌ها و تکایا هستند (علی‌الحسابی و پای‌کن، ۱۳۹۲: ۳۳). حسینیه‌ها ارتباط نزدیکی با محلات شهری دارند و در داخل بافت مسکونی قرار گرفته‌اند (نادری، ۱۳۷۴: ۶۰). ظهور حسینیه‌ها و تکایا در معماری اسلامی ایران این ارتباط معنوی را پررنگ‌تر و پرمعناتر نموده است. شاید بتوان تداوم و ثبات اعتقادات ایرانیان را دلیلی بر پایداری کالبدی فضاهای مرتبط با آن دانست. در عصر قاجار توجه خاص دربار، بویژه ناصرالدین شاه به مراسم عزاداری امام حسین (ع) باعث شد حسینیه‌ها و تکایای بسیاری در نقاط گوناگون ایران و در بسترهای فرهنگی، جغرافیایی متفاوت از یکدیگر ساخته شوند. تقریباً تمامی حسینیه‌های این عصر به‌دلیل باورهای مذهبی حاکمان و مردمان تحت تأثیر سنت وقف شکل گرفته‌اند. این اعتقادات به‌گونه‌ای است که این بناهای عام‌المنفعه در سیمای کالبدی بسیاری از محلات تاریخی شهرهای اسلامی دیده می‌شوند و سنت وقف، سبب پایداری این گونه بناها شده است. هسته اولیه بافت تاریخی شهر بیرجند را عناصر وقفی بسیاری از جمله مساجد، مدارس، حسینیه‌ها، تکایا، آب‌انبارها و حمام‌ها پوشانده است، از میان این بناهای ارزشمند، تعداد زیادی حسینیه‌های وقفی متعلق به دوره قاجاریه وجود دارد. بسیاری از این بناها از جمله حسینیه بی‌بی عروس که مورد مطالعه‌ی این پژوهش است در محلات تاریخی، جزو هسته‌های اصلی و مهم شکل‌دهی به شهر هستند. در واقع، حسینیه‌ها با توجه به

ساخت آنها تحت تأثیر سنت وقف، رقبات بسیاری دارند که در ماندگاری و پایداری بودن آنها در کالبد شهری بسیار مؤثر واقع شدند و هم‌چنان بسیاری از آنها هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، خصوصاً حسینیه‌هایی که به دستور حاکمان محلی این شهر ساخته شده‌اند و موقوفاتی نیز بر آنها مقرر گردیده است. امروزه برنامه و روشی که در عین حفظ منابع طبیعی، نیاز نسل‌های کنونی و آینده اجتماع را به‌صورتی مستمر تأمین کند، پایدار محسوب می‌شود (حاجبی و ارژمند، ۱۳۹۰: ۸۹). با اجرای سنت وقف به‌عنوان یکی از برنامه‌ریزی‌های اصولی و دقیق در حوزه سیمای شهرهای اسلامی، این عمل سبب پایداری در بناهای سنتی شده است. در واقع، با کمک موقوفاتی که برای اصل بنا نامبرده شده است، می‌توان پایداری و تداوم معماری را در بناهای سنتی مشاهده کرد و با اجرای این سنت، بناهایی را مشاهده می‌کنیم که هنوز هم پابرجا هستند و با گذشت چندین سال هنوز مورد استفاده عموم قرار گرفته و در این گونه مکان‌ها عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) صورت می‌گیرد. پایداری در این مقاله از حیث جنبه‌های کالبدی بنا بیشتر مد نظر می‌باشد، هر چند کارکردهای اجتماعی، مذهبی آن نیز در طول زمان به‌واسطه وجود بنای اصلی، پایدار و برقرار مانده است.

مقاله حاضر در پی آن است تا با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع وقف در پایداری حسینیه‌های بیرجند با تأکید بر حسینیه بی‌بی عروس به‌عنوان مطالعه موردی، نقش این عامل مهم را مورد بررسی قرار دهد. در معماری بناهای سنتی، هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل نقش وقف و اسناد وقفی برجای مانده با تأکید بر محتوای آنها جهت تأکید واقفان بر پایداری حسینیه‌ها می‌باشد. با توجه به تعدد حسینیه‌ها در بافت تاریخی شهر بیرجند و با توجه به این که اکثریت حسینیه‌های وقفی این شهر پابرجا هستند، خصوصاً حسینیه بی‌بی عروس که طی چندین سال ماندگار و پایدار مانده است. این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سؤال است که وقف به چه میزان در ایجاد و پایداری عناصر کالبدی شهری، ازجمله حسینیه مورد مطالعه، مؤثر بوده است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. از آنجایی که شکل‌گیری حسینیه‌ها و پایداری این بناها در شهر بیرجند با توجه به سنت وقف مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته، روش پژوهش در این تحقیق بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و بر پایه‌ی اطلاعات اسناد وقفی شکل گرفته است تا مصادیق کاربردی و عینی نهاد وقف را در پایداری حسینیه‌ها، از جمله حسینیه بی‌بی عروس مشخص نماید.

حسینیه‌های عصر قاجار در شهر بیرجند

بافت تاریخی شهر بیرجند دارای چندین محله بزرگ و کوچک و متشکل از بناهایی بوده که سنت مذهبی وقف تأثیر مهمی در شکل‌دهی آنها داشته و وجود آنها در محلات تاریخی، بسیار شاخص و تأثیرگذار و سبب گسترش شهر شده است. از میان موقوفات در این خطه می‌توان به وجود حسینیه‌ها در بافت تاریخی اشاره کرد که در دوره قاجاریه کارکرد مذهبی وقف بویژه برای ساخت، تعمیر و بازسازی این بناها در این شهر، بسیار پررنگ عمل می‌کرده است. با مطالعه و بررسی میدانی در حسینیه‌های شهر بیرجند و مطالعات صورت گرفته توسط دیگر پژوهشگران نیز می‌توان خاطر نشان کرد که می‌توان سبک معماری این حسینیه‌ها را با توجه به دو طبقه اجتماعی حکومت‌نهاد و مردم‌نهاد به خوبی تشخیص داد که این دو نهاد اجتماعی در معماری بنا، از جمله در ابعاد بنا، کیفیت ساخت، تزئینات و مصالح تأثیر بسزایی گذاشته‌اند. این تفاوت در ساخت بناها را می‌توان با بررسی اسناد وقفی مربوط به حسینیه به خوبی مشاهده کرد.

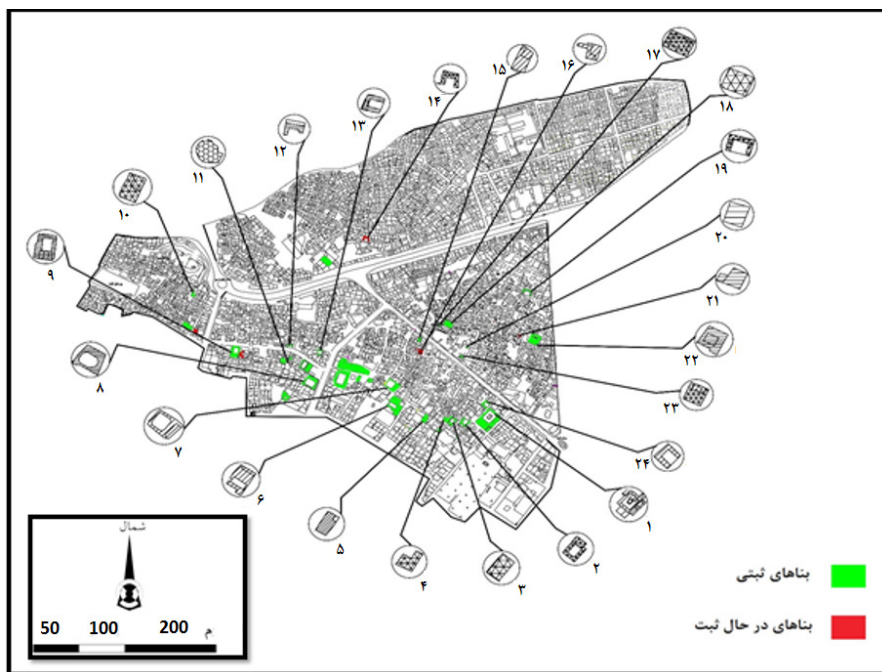
حسینیه‌های شهر بیرجند را می‌توان به چند بخش تقسیم نمود:

۱- حسینیه‌هایی که به قصد عزاداری احداث شده بودند و بانیان آنها املاک برای هزینه این امر وقف کرده و خود حسینیه را هم وقف نموده بودند. مانند حسینیه‌های آراسته، آقامیرهادی و شوکتیه؛

۲- خانه‌های مسکونی که صاحبان‌شان آنها را برای عزاداری و روضه‌خوانی وقف نموده

و املاکی را نیز برای هزینه‌های مربوط وقف کرده بودند. مانند حسینیه‌های اسدی، بهرمان، هادوی و

۳- خانه‌های مسکونی که وقف بر عزاداری نبودند ولی صاحبان‌شان در حیات خود در آنها عزاداری و روضه‌خوانی می‌کردند و ملک یا املاکی را هم به این منظور اختصاص داده بودند، ولی موقوفه نبودند و پس از آنان بازماندگان‌شان این امر را که به صورت سنت درآمده بود، ادامه می‌دادند. مانند حسینیه‌های اسدزاده، سادسی، سریع‌السیر، کبابی و ... (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۱). نقشه ۱ پراکنش جغرافیایی حسینیه‌ها را در بافت تاریخی شهر بیرجند نشان می‌دهد.



نقشه ۱: موقعیت حسینیه‌ها در بافت تاریخی شهر بیرجند^۱ (ترسیم: نگارندگان)

۱. ۱- حسینیه شوکتیه ۲- خانه هادوی ۳- خانه آراسته ۴- خانه پردلی ۵- حسینیه بهرمان ۶- حسینیه بی بی عروس ۷- حسینیه نواب ۸- حسینیه اسدی ۹- حسینیه گود ۱۰- خانه لاله ۱۱- آب انبار حاج باقر ۱۲- حسینیه آقا محمدعلی ۱۳- حسینیه حاجیه آمنه ۱۴- خانه کبابی ۱۵- حسینیه طوفانی ۱۶- حسینیه حاج غلامحسین ۱۷- خانه لیلی حسین جعفر ۱۸- خانه غلامرضا حسین جعفر ۱۹- خانه اعتمادی نیا ۲۰- حسینیه مهتدی ۲۱- حسینیه شیخ فضل الله ۲۲- حسینیه حاج رضا بیک ۲۳- خانه شریف ۲۴- حسینیه آراسته

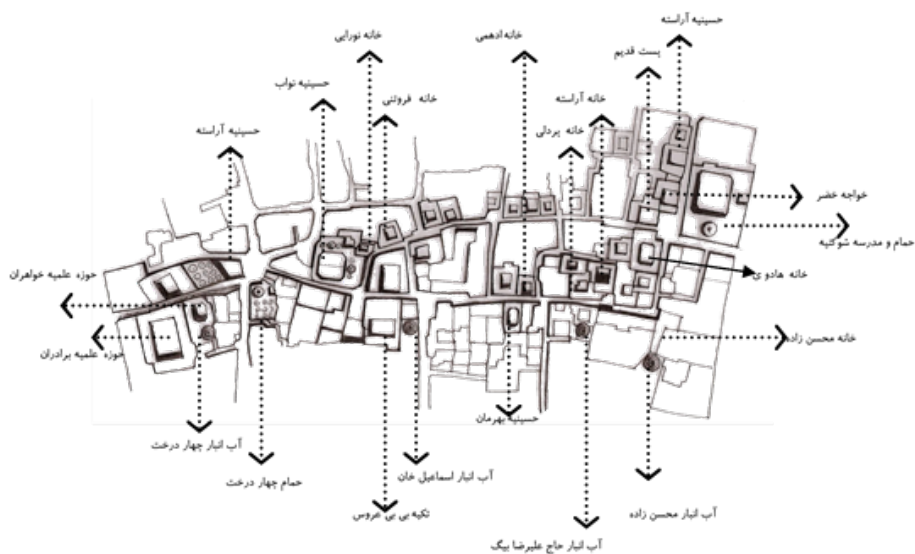
موقعیت مکانی بنا

این بنا در بافت تاریخی شهر بیرجند، واقع در جبهه‌ی شرقی محله چهاردرخت و ضلع جنوبی کوچه خواجه‌ها، در خیابان منتظری ۳ واقع است که با مساحت ۱۱۷۶ متر مربع جزو موارث فرهنگی و با شماره ۲۷۵۸ ثبت آثار ملی کشور شده است. نقشه (۲). این بنا با توجه به معماری زیبایش متعلق به دوره قاجار می باشد، در مقابل این بنا، حسینیه نواب و سایر بناهای با ارزش از دوران قاجاریه و پهلوی قرار دارد که هر کدام به نوبه خود حائز اهمیت اند. نقشه (۳)



موقعیت حسینیه بی بی عروس در بافت تاریخی بیرجند

نقشه ۲) موقعیت حسینیه بی بی عروس در بافت تاریخی بیرجند (ترسیم: نگارندگان)



نقشه ۳) محدوده بنا در بافت تاریخی (منبع: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، آرشیو، ۱۳۹۵)

تاریخچه بنا و موقوفات آن

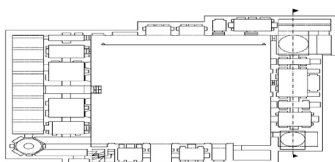
این بنا متعلق به علی اکبرخان حسامالدوله [دوم] از حاکمان محلی در شهر بیرجند بوده و یکی از همسران آن امیر به نام بی بی عروس در این حسینیه زندگی می کرده، از این رو این حسینیه را "حسینیه بی بی عروس" نامیدند. این بنا طی موقوفات حسامالدوله [دوم] در ایام محرم، مراسم روضه خوانی در آن برگزار می شد. نام دیگر این بنا در گذشته "حسینیه میدانی" بوده است (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). در واقع، بی بی عروس دختر "محمدابراهیم خان"، نایب الحکومه در میان و فورگ بود که از شجره خاندان میرزارفیع خان محسوب می شود (شاطری و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۷). مرحوم امیرعلی اکبرخان حسامالدوله و ارشد اولاد مرحوم میرعلم خان حشمت الملک و در سیستان و طبرستان حکومت داشت. وی معدلت کیش، مصلحت اندیش، سلامت خوی و عافیت جوی بود، از این روی بعد از فوت میرعلم خان، امارت و عمارات قاین را به دیگر اولاد مرحوم امیر واگذار کرده و

خود دنباله همان حکومت سیستان و طبس گرفت و تا زمان مرحوم امیرمحمد اسمعیل شوکت‌الملک [اول] حیات داشت، التفاتی به طرف قاین نکرد و حتی این که در آن موقع طبس را مقر حکومت قرار داده بود، فرزند ارشدش امیرمعصوم خان به قاین آمده و مورد ملاطفت عم خود، مرحوم شوکت‌الملک [اول] اسماعیل خان واقع گردید (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۱۷). پس از کوتاه زمانی حسام‌الدوله [دوم] به سبب خستگی و ضعف ناشی از کبر سن، امارت سیستان را به فرزندش امیرمعصوم خان خزیمه که در او احساس لیاقت داشت سپرد و خود در طبس به استراحت پرداخت. ایام به درازا نکشید تا این که در سال ۱۳۳۳ قمری درگذشت (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۱۱).

در تحلیل وقف‌نامه علی‌اکبرخان حسام‌الدوله [دوم]، بعد از حمد و ستایش خداوند متعال و سلام و صلوات بر محمد (ص)، علاوه بر وقف قنوات از قنات جاریه پائین بلده بیرجند و از قنات جاریه اکبرآباد واقع در حوالی قریه گیو، جمیع با تمامی ملحقات و متعلقات شرعیه از اراضی و دشت و کل لواحق شرعیه و عرفیه جهت خرج در حسینیه خود علی‌اکبرخان حسام‌الدوله که از معمرات و ابنیه ایشان است، متولی باید هر ساله منافع دو فقره ملک مرقومه را اخذ و دریافت فرموده، بعد از مصارف ملکی و مُلکی و مالیات دیوانی و تعمیر حسینیه مزبوره، اگر لازم داشته باشد و نیم‌عشر حق‌التولیه و نیم‌عشر حق‌النظاره به مصارف مرقومه فوق می‌رسانده باشد و چنان چه حسینیه خرابی کلی داشته باشد، متولی می‌تواند در مخارج تغییر و روزه‌داران را آبگوشت دهد و اگر در قنات‌ها هم خرابی حاصل شد، متولی در تغییر دادن مجاز است و اگر فایده املاک کفاف به هر دو نکند، تعمیر و تنقیه مقدم است. متولی باید یک نفر سرایه‌داری برای حسینیه معین کند که مراقب در و دیوار و پشت بام و ناودان و جاروب هر روزه بوده باشد. چنان چه ناظر و متولی محتاج به سکنای حسینیه نباشند، سرایه‌داری باید محض محافظت در حسینیه سکنا داشته باشد و اگر در زمانی متولی بخواهد حسینیه را محض صرفه وقف به اجاره و کرایه بدهد، مجاز است سکنای متولی در زمان احتیاج مقدم به ناظر است، ولی سرایه‌دار باید همه وقت در حسینیه یا درب حسینیه سکنا داشته باشد و به خدمت محوله خود مشغول باشد. هرگاه خدای نخواستہ اولاد متولی و ناظر معدوم

صرف شوند، ذکوراً او اناثاً تولیت و نظارت به اولاد اخوی حضرت مستطاب واقف سرکار بندگان حضرت امیر شوکت‌الملک [اول] دام اقبال العالی به قرار شرایط مقررده خواهد رسید و با فقدانهم به اولاد ابی واقف معظم تفویض خواهد شد و مع انعدامهم با اولاد امی حضرت معظم‌الیه خواهد رسید و مع انقراضهم تولیت باعلم واصلح قصبه بیرجند و نظارت با امام جمعه قصبه مزبور خواهد بود (منبع: اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو. وقف‌نامه عادی علی‌اکبرخان حسام‌الدوله [دوم] مربوط به سنه ۱۳۳۱ ق).

با توجه به تحلیل سند وقفی حسینیة مربوطه، می‌توان دریافت که عمل به سنت وقف توسط بانیان سبب پایداری این بنا در بافت تاریخی و معماری بنا طی سالیان طولانی دست نخورده باقی مانده است. در این خصوص می‌توان خاطر نشان کرد که طی سالیان متمادی این بنا، هنوز معماری دوره قاجار را با کلیه فضاهای اصلی و خدماتی که لازمه پایداری این حسینیة در بافت تاریخی بیرجند بوده است، داراست. (جدول ۱)، (طرح ۱ و ۲). در ضلع غربی بنا، اتاق بزرگ مستطیل شکل قرار دارد، به‌صورت مسقف و با پوشش طاق و تویزه که مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) در این مکان برگزار می‌شود (تصویر ۱) و در حیاط مرکزی که فضای وسیعی را به خود اختصاص داده است، در گذشته چادری را جهت انجام عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) در صحن حسینیة برپا می‌کردند (تصویر ۲)، (صابر‌مقدم، بی‌تا: ۹). در واقع، وجود سنت وقف و اجرای آن سبب حفظ، نگهداری و پایداری حسینیة بی‌بی عروس و نمایش باشکوه معماری دوره قاجار و تداوم انجام مراسمات مذهبی تاکنون شده است.



طرح (۱) پلان حسینیه بی بی عروس (منبع: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، ۱۳۹۵)



طرح (۲) نما و برش از حسینیه بی بی عروس (صابرمقدم، بی تا: ۳)



تصویر ۱) نمایی از ضلع غربی اتاق سرپوشیده مخصوص عزاداری حسینیه بی بی عروس با پوشش طاق و تویزه (عکاس: مرضیه فاریابی)



تصویر ۲) نمایی از صحن حسینیه بی بی عروس (عکاس: مرضیه فاریابی)

جدول (۱) تفکیک فضایی بنای حسینیه بی‌بی عروس

فضاهای اصلی	حسینیه سرپوشیده	دارد
	مسجد یا نمازخانه	مسجد جامع چهاردرخت در نزدیکی بنا دارد
	هشتی	دارد
	دالان	دارد
	حوض یا باغچه	ندارد
	ایوان یا ایوانچه	ندارد
	تزئینات	رسمی‌بندی، مقرنس‌کاری، گچ‌بری و آجرکاری دارد
	سازه‌های طاقی	قوس‌های نیم‌دایره، کلیل آذری، جناغی و طاق و تویزه دارد
	سکو	ندارد
فضاهای خدماتی	آشپزخانه	دارد
	وضوخانه	دارد
	آبانبار	آبانبار اسماعیل‌خان در نزدیکی بنا دارد
	دکان	ندارد
	سالن غذاخوری	ندارد

(منبع: نگارندگان)

عوامل تأثیرگذار وقف در پایداری بنا

شناخت محیط و معماری بناها تنها با درک فعالیت‌های انسان در دنیای پیرامونش امکان‌پذیر است و هدف معماری را می‌توان ایجاد انگارهای انسانی، در درون شکل کالبدی دانست. طراحی انسانی مهم‌ترین اصل طراحی پایدار است که به قابلیت زیستی تمام اجزای تشکیل دهنده نظام زیست جهانی می‌پردازد. این اصل به‌طور عمیق ریشه در نیاز به حفظ عناصر زنجیره‌ای نظام‌های زیستی دارد که تداوم حیات و بقای انسان، منوط به وجود آنهاست. ضروری‌ترین بخش معماری، خلق و ساخت محیط‌هایی است که امنیت، سلامت، آسایش فیزیکی، صحت روانی و بهره‌وری ساکنان خود را تداوم بخشد و سبب پایداری شود (ارمغان و گرجی مهربانی، ۱۳۸۸: ۲۷). معماری سنتی ایران در تمامی سطوح، معماری متقابل با اقلیم و پاسخگویی نیازهای آسایشی ساکنان بوده است

و عناصر به کار رفته شده در این معماری، بسیاری از مفاهیم نوین در عرصه معماری پایدار را در بر دارد (سجادزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۴). در واقع، حسینیة بی بی عروس از آن دسته از بناهای عصر قاجار می باشد و تمامی اصولی که برای پایداری معماری یک بنا لازم است رعایت شود را داراست. از این رو، این بنا به کمک موقوفاتی که برای آن ذکر شده علاوه بر پایداری بنا در بافت تاریخی شهر، انجام مراسمات مذهبی، نوعی تداوم معماری دوره قاجار را به همگان نمایش می دهد.

با تحلیل و بررسی وقف نامه حسینیة بی بی عروس، عواملی چند را می توان در پایداری بنا درک کرد که در آن به خوبی تأکید شده است، از جمله:

۱- در بخش اول اشاره به وقف دو فقره ملک، برای اطعام روزه داران و در بخشی دیگر، اشاره به اطعام روزه داران به شصت نفر مؤمن داشته و در آن اشاره شده که در خود حسینیة علی اکبرخان حسام الدوله [دوم] که از معمرات ایشان است برگزار شود. به واقع، برای این که سالانه به نیت واقف جهت اطعام روزه داران عمل شود، نیاز به وجود مکانی پابرجا و پایدار بوده تا به نیت واقف عمل شود. در نتیجه، در نگهداری از بنا کوشا بوده اند.

۲- اشاره به اراضی کश्مان و دشت و سایر لواحق شده که متولی هنگام ضرورت تعمیر این بنا، می تواند از منافع اراضی، اولویت را به تعمیر بنا دهد که این امر، نشان از اهمیت حفظ و نگهداری از بناست.

۳- متولی باید هر ساله منافع دو فقره ملک را دریافت نموده و به مصارف اطعام و تعمیر بنا برساند و چنان چه حسینیة خرابی کلی داشته باشد، متولی می تواند در مخارج تغییری بدهد و روزه داران را به جای پلو، آبگوشت بدهد و اگر املاک کفاف هزینه ها را نداد، تعمیر بنا مقدم است.

۴- متولی باید یک نفر سرایدار برای حسینیة معین کند که مراقب در و دیوار و پشت بام و ناودان و جاروب هر روزه بوده باشد. چنان چه ناظر و متولی محتاج به سکنا در حسینیة نباشد، سرایدار باید محض محافظت در حسینیة حضور داشته باشد و اگر زمانی متولی بخواهد حسینیة را محض صرفه وقف به اجاره و کرایه بدهد، مجاز است. سکنا

متولی در زمان احتیاج مقدم به ناظر است، ولی سرایدار باید همه وقت در حسینیه یا درب حسینیه سکنا داشته باشد و به خدمت در نگهداری و محافظت از بنا مشغول باشد. ۵- با توجه به اهمیت موضوع آب جهت انجام عزاداری، به خوبی می‌توان خاطر نشان کرد که در وقف‌نامه حسینیه، واقف هم توجه بسزایی به وقف قنات داشته و این مکان به قنات قصبه و آب‌انبار اسماعیل خان (وقفی) نزدیک بوده است که این عامل هم در میان عوامل مهم دیگر، در پایداری این بنا مؤثر واقع شده است.

۶- با توجه به پیوند معنوی و نزدیک موقوف با امور دینی و مذهبی، این امر سبب شده مردم همواره به امور دینی حساس و نسبت به حفظ نهادهای آن نیز توجه خاصی نشان دهند و علاوه بر متولیان، مردم نیز به کمک هم آمده و سعی در حفظ و پایداری بنا داشته‌اند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶).

با بررسی این وقف‌نامه، به خوبی می‌توان درک کرد که واقف این حسینیه با دقت و نکته‌سنجی خود، علاوه بر نیت مذهبی جهت اطعام روزه‌داران، به واقع پابه‌پای نیت مذهبی، اهمیت بسیاری هم به حفظ، نگهداری و پایداری بنا قائل شده است که همین امر سبب شده این بنا، طی سالیان دراز هم چنان پابرجا بماند و در پایداری این حسینیه مؤثر واقع شود.

نتیجه

وقف به عنوان یک نهاد حمایتی، نقش مؤثری در شکل‌گیری و پایداری عناصر کالبدی شهری ایفاء نموده است. در واقع، با توجه به این که جایگاه وقف را به غیر از عوامل خیرخواهی و احسان، می‌توان از جنبه معماری و پایداری اجتماعی مورد مطالعه قرار داد، به گونه‌ای که می‌توان وقف را یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار بر روند پایداری اجتماعی در معماری و شهرسازی اسلامی دانست. با توجه به اسناد باقی مانده حسینیه‌های عصر قاجار در بیرجند، می‌توان دریافت که عاملان اصلی وقف را دو نهاد حکومتی و مردمی تشکیل داده‌اند که بخشی از ثروت خود را صرف ساخت حسینیه‌ها کرده‌اند و بخش دیگر را وقف اداره و تعمیر و نگهداری آن نموده‌اند. این گونه موقوفات در قالب کالبدی

در روند پایداری و بازسازی بنا نقش بسیار مؤثری داشته و از این جهت که هر بنای وقفی قابلیت نگهداری خود را از اموال موقوفه پیرامون خود دارد و نیاز به هیچ گونه کمک اقتصادی دیگری ندارد، یک امری پایدار محسوب می شود و از آن بابت که جهت خیر رساندن به مردم است، یک پایداری اجتماعی نیز محسوب می شود.

از آثار مهم وقف، حفظ بناها و تعمیر مستمر آنهاست که محققان از طریق آنها با مصالح ساختمانی و سبک های معماری هر عصر آشنا می سازند و کارایی و عملکرد بناهای موقوفه چون مساجد، مدارس و ... را برای ما روشن می سازند و حتی ابتکار منطقی و عقلایی بانیان و سازندگان آنها را به جامعه امروز معرفی می کنند. از طریق بررسی وقفنامه حسینیة بی بی عروس می توان دریافت که تعمیر بنا به منظور حفظ و پایداری آن، در کنار دیگر نیت مذهبی، چون اطعام روزه داران پیوسته در نظر گرفته شده و با صراحت در آن قید شده است تا موقعی که مخارج احیای بنا وجود دارد، دیناری در جای دیگر خرج نشود. این عمل سبب پایداری این بنا در شهر بیرجند شده است، به گونه ای که اگر واقف به حفظ و نگهداری بنا تأکید نمی کرد، شاید این بنا هم متروکه و هویت تاریخی خود را از دست می داد. از طرفی می توان خاطر نشان نمود که این عامل نه تنها در شکل گیری فضاهای عمومی مؤثر بوده، بلکه در تداوم نوع بهره برداری از آنها نیز نقش بسزایی داشته است. در واقع، بخش ساخت، مرمت و نگهداری بناهای عام المنفعه یکی از بخش های اساسی وقفنامه ها بوده که در وقفنامه حسینیة بی بی عروس به خوبی به آن اشاره شده است. از دیگر سو، پیوند معنوی و نزدیک موقوفات با امور دینی و مذهبی سبب شده که مردم همواره به امور مذهبی حساس شوند و نسبت به حفظ نهادهای آن توجه خاصی داشته باشند. از آنجایی که بیشتر بناهای موقوفه پیوند نزدیکی با امور مذهبی دارند، علاوه بر متولیان، مردم هم نیز برای پایداری بنا کوشیده اند و سعی در حفظ این گونه از بناها داشته اند. در پایان می توان خاطر نشان نمود که اگر بسیاری از فضاهای عمومی وقفی نبودند، در اثر گذر زمان و توسعه و گسترش شهری، گمان می رفت با دخالت دولت، تغییر کاربری دهند و به کاربری های تجاری و سودآور تبدیل شوند. اصول و ویژگی های نظام وقف به گونه ای است که بسیاری از این عناصر و فضاهای

وقفی هر کدام از طریق رقبات (املاک) درآمدزایی (موقوفات) که بر آنها وقف شده‌اند، محافظت و مرمت می‌شده‌اند و در نهایت، آباد و پایدار برجای مانده‌اند. بنا بر مطالب ذکر شده، سنت وقف می‌تواند به‌عنوان یک سرمایه همه‌جانبه و کامل در روند توسعه پایدار شهرها تأثیر بسزایی داشته باشد و با نظارت و حفاظت پایدار از مراکز وقفی که همان استخوان‌بندی شهرهای اسلامی‌اند، می‌توان الگوی اصیل معماری و شهرسازی اسلامی و روند رشد و پیشرفت آن را به همگان نشان داد و شهر اسلامی پایدار را هم چنان سرزنده نگه‌داشت.

منابع

- آیتی، ابوالحسن (۱۳۷۶). *خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی*. تهران: موفق.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قایمات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی. آرشیو (۱۳۹۵). بناهای تاریخی در بافت قدیم بیرجند. [چاپ نشده].
- ارمغان، مریم؛ گرجی مهربانی، یوسف (۱۳۸۸). "ارزش‌های معماری بومی ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار". *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، دوره بیست و هشتم، ش ۱۲۶ (تابستان): ۲۰-۳۵.
- حاجبی، بیتا؛ ارژمند، محمود (۱۳۹۰). "تأثیرات وقف بر پایداری مدارس صفوی". *نامه معماری و شهرسازی*، دوره سوم، ش ۶ (بهار و تابستان): ۸۹-۱۰۲.
- رضایی، جمال (۱۳۸۱). *بیرجندنامه*. تهران: هیرمند.
- سجاذزاده، حسین، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی الگوهای معماری پایداری در اقلیم گرم و خشک (نمونه موردی: خانه‌های سنتی شهر کاشان)". در: *مجموعه مقالات همایش ملی عمران و معماری با رویکردی بر توسعه پایدار*. فومن: دانشگاه آزاد اسلامی واحد فومن و شفت: ۹-۱.
- شاطری، مفید، و دیگران (۱۳۹۴). *درمیان‌نامه با اشاراتی به فورگ*. بیرجند:

- چهاردرخت.
- شیعه، اسماعیل، و دیگران (۱۳۹۲). "بررسی تعامل مراسم آیینی و ساخت شهر مشهد در طرح‌های توسعه شهری (نمونه موردی: مراسم عزاداری ایام محرم و صفر در بافت قدیم مشهد)". *پژوهش‌های معماری/اسلامی*، سال اول، ش ۱ (زمستان): ۱۰۱-۱۱۶.
 - شفقی، سیروس (۱۳۷۶). "وقف در اصفهان پراکندگی جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی". *وقف میراث جاویدان*، سال پنجم، ش ۱۹ و ۲۰ (پاییز و زمستان): ۳۲-۴۷.
 - صابرمقدم، فرامرز (بی‌تا). *گزارش ثبتی آثار باستانی حوزه شهرستان بیرجند (حسینیه محبان الزهرا)*. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی: بیرجند [منتشر نشده].
 - علی‌الحسابی، مهران؛ پای‌کن، عصمت (۱۳۹۲). "تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق آن در آیین‌های عاشورایی". *مطالعات شهر/ایرانی - اسلامی*، دوره سوم، ش ۱۲ (تابستان): ۲۷-۳۶.
 - قدیری، بهرام (۱۳۶۹). "احیاء فرهنگ وقف با هدف تسهیل زندگی در مجتمع‌های زیستی". *معماری و شهرسازی صفا*، دوره اول، ش ۱ (تابستان): ۳۶-۴۳.
 - میرزایی، نقی و دیگران (۱۳۹۱). "تأثیر نهاد وقف در شکل‌گیری و پایداری بناهای معماری/اسلامی". در: *مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی*. مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران: ۷-۱.
 - نادری، اتابک (۱۳۷۴). *سیرنمایش در/اردبیل*. اردبیل: رخ.

اسناد

اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو. وقف‌نامه علی‌اکبرخان حسام‌الدوله [دوم] مربوط به سنه ۱۳۳۱ ق. کلاسه پرونده (ع-۶۲).



سند وقف‌نامه عادی علی اکبرخان حسام‌الدوله [دوم]

(منبع: اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو)

رابطه تصور از پایگاه اجتماعی معلمان در افکار عمومی با سبک زندگی آنان مطالعه موردی: دوره‌های مختلف تحصیلی آموزش و پرورش خراسان جنوبی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۷

غلامعلی مرادی^۱

علی اصغر محمدی^۲

سیدعلی هاشمیان فر^۳

چکیده

توجه به ارتقاء پایگاه اجتماعی معلمان در جامعه از مهم‌ترین عوامل موفقیت نظام آموزشی می‌باشد. با روند گسترش وسایل ارتباط جمعی، افکار عمومی با زندگی اقشار و گروه‌های مختلف جامعه، ارتباطی تنگاتنگ یافته است. یکی از موضوعات بررسی، تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان است که با کم و کیف شیوه زندگی‌شان، ارتباط می‌یابد. هدف از این پژوهش، شناخت تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان نزد افکار عمومی و این‌که این تصور، چه ارتباطی با سبک زندگی‌شان داشته است، می‌باشد. از نظر روش، این پژوهش از نوع پیمایشی- توصیف همبستگی است. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند. روایی ابزار تحقیق مقدار ۰/۷۸۴ حاصل شد. جامعه آماری در تحقیق حاضر کلیه معلمان شاغل در استان خراسان جنوبی در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بوده است که در مجموع ۱۳۲۵۶ نفر معلم شاغل (زن و مرد) در مقاطع مختلف تحصیلی را شامل می‌گردد. حجم نمونه ۴۰۰ نفر معلم زن و مرد با فرمول کوکران محاسبه گردید. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، از کل مناطق آموزشی پنج شهر (نهبندان جنوب استان، بیرجند مرکز استان، طبس گلشن

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد واحد دهقان و مدرس دانشگاه فرهنگیان
moradi.gholamali@yahoo.com
asmohamadi@dehaghan.ac.ir
seyedalihashemianfar@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

غرب استان، قاین شمال استان و درمیان شرق استان) انتخاب و سپس از هر شهر چهار مدرسه (دو دخترانه و دو پسرانه) و از مرکز استان (بیرجند) ده مدرسه انتخاب گردید که در مجموع ۲۶ مدرسه با روش تصادفی ساده انتخاب و سپس در هر مدرسه تعداد ۱۶ پرسش‌نامه تکمیل گردید که در نهایت، تجزیه و تحلیل روی ۴۰۰ پرسش‌نامه صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره نشان داد که ۰/۳۲ از تغییرات متغیر ملاک (سبک زندگی) به‌وسیله متغیر پیش‌بین (پایگاه اجتماعی) تبیین می‌گردد. با توجه به تحلیل یافته‌ها به‌نظر می‌رسد نهادهایی که در اشاعه افکار عمومی نقش مهمی دارند، مانند رسانه‌های ارتباط جمعی، می‌بایست در جهت حفظ و گرامی‌داشت پایگاه اجتماعی معلمان، تلاش نمایند.

واژگان کلیدی: پایگاه اجتماعی معلمان، سبک زندگی معلمان، افکار عمومی

بیان مسأله

سبک زندگی، یکی از مفاهیم اساسی و مهم علوم اجتماعی است که دارای پیشینه طولانی در مطالعات این حوزه از دانش بشری دارد. اما در معنای جدید آن، سبک زندگی مبحثی نوظهور در قافله‌ی علم بشر است که خاستگاهی غربی دارد و در طلیعه‌ی حضور خود توانسته است کارهای بسیار بزرگی را برای غرب امروزی انجام دهد و نقش مؤثری را در مدیریت فرایند "جهانی شدن" بر عهده بگیرد. این مفهوم ارتباط نزدیکی با مباحثی هم‌چون فرهنگ، هویت، ارزش و هنجارها، نظام‌های اجتماعی و اقتصادی دارد. در نگاهی دیگر، سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به‌کار می‌گیرد، چون نه تنها نیازهای جاری او را بر می‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازد. سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگی و مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد (پیری سارمانلو، ۱۳۹۴: ۱).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از ابعاد پیشرفت و توسعه جوامع، نوع سبک زندگی

آنان بوده است. سعادت یا تباهی یک جامعه تا حد زیادی به شیوه زندگی و چگونگی ارتباط آنان با محیط پیرامون وابسته بوده است. این مفهوم هم‌چون سایر متغیرهای زندگی اجتماعی، با عوامل زیادی مرتبط است. در این بررسی، سبک زندگی معلمان با محوریت تأثیر افکار عمومی بر نگرش آنان از پایگاه اجتماعی‌شان و در نهایت، ارتباط این نگرش بر سبک زندگی آنان مورد مطالعه قرار گرفته است. سبک زندگی معلمان یکی از مسائل مهم در میزان کارایی معلمان در جامعه است، زیرا معلمان در بسیاری از موقعیت‌ها به‌عنوان گروه مرجع و حتی الگو مطرح می‌باشند. با این حال، طی سال‌های اخیر به‌دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات و متعاقب آن وسعت حوزه عمومی جامعه، معلمان در معرض قضاوت و ارزیابی اقشار و گروه‌های مختلف جامعه قرار گرفته‌اند که این خود با نگرش معلمان نسبت به جایگاه‌شان در جامعه و هم‌چنین با نوع نگاه‌شان نسبت به قلمرو خصوصی و عمومی‌شان در زندگی اجتماعی‌شان ارتباط داشته است. امروزه گسترش ارتباطات و رسانه‌های ارتباط جمعی بر شدت تأثیرگذاری افکار عمومی افزوده است، اگر در گذشته اغلب مردم در گروه‌های قومی و قبیله‌ای زندگی می‌نمودند و اطلاع‌چندانی از محیط اطراف نداشتند، اکنون وسایل ارتباطی نوین چهره جدیدی از روابط اجتماعی را به نمایش گذاشته است. پدیده افکار عمومی اگر چه مقوله جدیدی است اما به‌صورت علم و به لحاظ تاریخی همراه با پیدایش دولت‌ها و حکومت‌ها و کنش‌های تبلیغاتی آن در عرصه زندگی سیاسی به‌وجود آمده است (ستوده، قنادان و مطیع، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

تاکنون سازمان‌هایی نظیر مؤسسه رأی‌گیری گالوپ^۱ و دیگر سازمان‌های مشابه آمریکایی، مؤسسه بریتانیایی افکار عمومی و مؤسسه فرانسوی افکار، بررسی افکار عمومی را به‌صورت فعالیت منظمی انجام داده‌اند (باتومور، ۱۳۷۰: ۲۶۲). آن‌چه اکنون تحت عنوان افکار عمومی از آن یاد می‌شود را به روسو^۲ نسبت می‌دهند (لازار، ۱۳۸۵: ۳۷). از نظر هابرماس^۳ این مفهوم نخستین بار در معنای صحیح کلمه در اندیشه سیاسی

1. Gallup
2. Rousseau
3. Habermas

قرن هجدهم به کار برده شد ولی بعدها بدون آن که معنای اصلی خود را از دست بدهد با پیدایش نظرسنجی عمومی یا سنجش علمی افکار، نظرخواهی و مراجعه به آراء و نظرات مردم در رد یا قبول امری در سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی معنای دقیق پیدا کرد (نوذری، ۱۳۸۱: ۴۹۰). بیش از ۵۰ تعریف جمع‌آوری شده توسط چایلدز^۱ در سال ۱۹۶۵ گواه پیچیدگی مفهوم آن است گرچه تداعی افکار عمومی با نظرسنجی‌ها پس از دهه ۷۰ قرن بیستم به آن (به آسانی) وجهه علمی بخشید اما جدال بر سر معنی آن ادامه دارد (آن ماری، جیسن، مهرطلب، ۱۳۸۱: ۴۴). ماکیاول^۲ افکار عمومی را صدای خدا می‌خواند (ستوده، قنادان و مطیع، ۱۳۸۶: ۱۸۰) و به این مسأله اشاره می‌کند که خلق نیرومندترین عنصر تشکیل دهنده جامعه است، لذا حکومت‌ها همواره باید توجه خاصی به آن داشته باشند. به عقیده هابس^۳ دنیا در سلطه افکار عمومی هست. ویلیام تمپل^۴ معتقد است که نظریه افکار عمومی را باید بر تولید قدرت بنا نهاد. روسو در قرارداد اجتماعی از اراده عمومی سخن می‌راند. به اعتقاد وی این اراده رهنمود تمام حکومت‌ها و قدرت‌هاست (اسدی، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۷). جامعه‌شناسان معمولاً افکار عمومی را از این نظر که آن را به عنوان ارتباط و کنش متقابل اجتماعی می‌دانند، بیشتر مورد تأکید و مطالعه قرار می‌دهند. براساس این دیدگاه، بدون ارتباط میان اعضاء آن مجموعه‌ای که نسبت به یک موضوع مورد نظر علاقمندند، افکار عمومی هم وجود نخواهد داشت. شاید بسیاری از افراد دیدگاه‌های کاملاً مشابهی داشته باشند، اما تا زمانی که فرد از آرای سایرین بی‌اطلاع باشد، نمی‌شود آن‌ها را در قالب افکار عمومی گنجانند (جلیلیان، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

به اعتقاد دادگران (۱۳۸۲: ۱۹)، «مفهوم افکار عمومی در گذر زمان، دستخوش دگرگونی‌های عظیمی شده است و بر حسب نیازها و شرایط ویژه، تعبیر و تفسیر خاصی از آن به عمل آمده است. در گذشته‌های دور و در مفهوم سنتی افکار عمومی در سطح خود، چیزی معادل اراده، احساسات و عقاید قومی قبیله‌ای و در سطح کلان در برگیرنده روح محض، باورهای دینی و تعصب ملی در قبال یک مسأله خاص تصور

-
1. Childs
 2. Machiavelli
 3. Hobbes
 4. Temple

می‌شد؛ اما امروزه افکار عمومی را ضمیر باطنی و پنهان یک ملت و ظهور آن را بازتاب طبیعی اکثریت یک جامعه در برابر پیام‌ها و رویدادهایی که برای آنها جنبه حیاتی دارد، می‌دانند. اصطلاح افکار عمومی، وضعیت پیچیده آن را بیان می‌دارد، زیرا مجموعه‌ای از عقاید و مفاهیمی است که ارتباط بسیار نزدیک با مسائل و منافع و مصالح عمومی دارد و در سطح گسترده‌ای از جامعه مطرح می‌شود». از نظر هابرماس تحقق نظام‌های حقوقی و قانونی امروزه از طریق مفاهیم گفتمانی و افکار عمومی امکان پذیر است. لایه‌های زیرین اجتماعی برای تحقق نظام‌های حقوقی و قانونی نه شامل نیروهای خودانگیخته بازاری است و نه اقدامات عامدانه و متأملانه دولت رفاه، بلکه شامل مفاهیم گفتمانی و افکار عمومی است که از دل جامعه مدنی به حوزه عمومی سربرآورده و از طریق فرایندهای مردم سالارانه به قدرت ارتباطی و مفاهیم‌ای تبدیل می‌گردند (نوذری، ۱۳۸۱: ۵۱۵). از منظری دیگر، افکار عمومی را پدیده‌ای روانی، اجتماعی که دارای خصلتی جمعی است و عبارت است از ارزیابی مشترک، روش مشترک و نظر مشترک گروه اجتماعی در یک مسأله که همگان به آن توجه و علاقه دارند و در لحظه معینی بین عده‌ی زیادی از افراد، اقشار، طبقات یا کل اجتماع نسبتاً عمومیت می‌یابد و از جانب مردم پذیرفته می‌شود، می‌دانند (تراپیان، ۱۳۸۲: ۱).

از خلال افکار عمومی می‌توان به درکی از جایگاه اقشار و طبقات مختلف در هر جامعه دست یافت. یکی از این روش‌ها، پرسش از افراد جامعه از طریق مصاحبه‌ها می‌باشد. در همین ارتباط در مصاحبه انجام شده در با چند تن از معلمان اراک که در سال ۱۳۷۷ نتایج آن به چاپ رسید، از نگاه آنان مسائلی چند در زمینه ارتقاء پایگاه اجتماعی معلمان مورد توجه قرار گرفت که شامل امور مادی و غیر مادی بود. احترام قائل شدن به معلمان از جانب مسؤولین ادارات آموزش و پرورش، تشویق مادی و غیر مادی معلمان، تأمین نیازهای مادی معلمان به نحوی که به شغل دوم روی نیاورند و فرصت لازم را برای مطالعه و رسیدن به امور آموزشی دانش‌آموزان داشته باشند. از جهت مادی نیز ضمن رفع نیازهای ضروری خود، امکان توجه به آراستگی ظاهر (لباس و پوشاک مناسب) که جنبه مهمی از شخصیت معلمان است را داشته باشند. هم‌چنین معلمان خوب به مردم معرفی شوند. از نظر آنان اگر معلم احساس نماید که پایگاه اجتماعی او ضعیف است،

از کار خود دل‌سرد شده و از نظر آموزشی و تربیتی موفقیتی حاصل نخواهد شد. اگر دانش‌آموزان نیز متوجه شوند که معلمان احترامی در جامعه ندارند به معلم بی‌احترامی خواهند نمود (فرخمهر، ۱۳۷۷: ۱۰-۱۲). بنابراین عقیده بر این است که معلمان باید با آرامش خاطر و رقابت سالم و حفظ وحدت و دوستی در مدرسه‌ها خدمت نموده و برای بالا بردن سطح دانش‌آموزان کوشش نمایند (همان: ۱۴). ایفای نقش معلم مستلزم این است که معلمان از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار باشند و تنزل حرفه‌ی معلمی با کاهش نسبی قدرت خرید در ارتباط است. این واقعیت که فارغ‌التحصیلان پسر تمایل کمتری برای ورود به حرفه‌ی معلمی نشان می‌دهند، نشانه‌ی پایین بودن موقعیت اجتماعی معلمان است. اگر باور عمومی این باشد که بهترین‌ها، بهترین‌ها را می‌سازند به منزلت معلمان بیشتر توجه خواهد شد و تلاش و کوشش جهت احیای منزلت معلمان، اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد یافت. معلمی که از منزلت بالایی برخوردار است، می‌تواند الگویی مطلوب برای دانش‌آموزان باشد. (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲: ۵۹-۶۰).

در مطالعه دیگری که نتایج آن در سال ۱۳۸۳ در رابطه با موقعیت معلمان از نگاه دانش‌آموزان به چاپ رسید، مشخص گردید که نظم و انضباط، بیشترین تأثیر را در پایگاه اجتماعی معلمان دارد و این خود بر افزایش میزان کارایی و کیفیت کلاس درس می‌افزاید و پس از آن وقار و متانت معلم، نقش مهمی در پایگاه اجتماعی او دارد. هم‌چنین در این مطالعه به میزان تخصص و تسلط معلمان در موضوع تدریس به‌عنوان عامل مهم دیگر مؤثر در ارتقاء موقعیت معلمان از نگاه دانش‌آموزان تأکید شده است. خصوصیات ظاهری معلمان، سبک لباس و پوشش ظاهری، نشاط و تندرستی نیز در این ارتباط مهم دانسته شده‌اند (لیاقت‌دار و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۰-۸۵).

از نظر اندیشمندان اجتماعی نیز وقوف بر پایگاه اجتماعی و جایگاهی که فرد در جامعه دارد، در ارتباط با دیگران حاصل می‌شود. در همین ارتباط هابرماس اعتقاد دارد که عمدتاً از خلال گفتمان است که به درکی از خود تفرد یافته‌مان و با خصلت‌های خاص و قابلیت‌های ارجاع به‌خود دست پیدا می‌کنیم (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۲۶). از نظر هابرماس هیچ شناختی رها از فرهنگ وجود ندارد و تجربه اجتماعی میانجی هر نوع شناختی برای افراد است (Habermas, 1990، نقل از محمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸).

نظریه پردازان کنش متقابل نیز بر این امر تأکید دارند که "خود" هر فرد در رابطه متقابل فرد و جامعه، در ارتباط با تجربه اجتماعی شکل می گیرد. سازوکار این عمل عبارت از نگاه کردن خود در آینه دیگران است. به عبارت دیگر، انسان در این روند سعی دارد تا خود را از دید دیگران ارزیابی کند. همه انسان ها آینه یکدیگرند و در این نگرستن ها است که به قضاوت یکدیگر می نشینند. همان گونه که ظاهراً خود را در آینه برانداز می کنیم و از آراستگی آن خرسند می شویم و از آشفتگی اش ناخرسند. در ذهن دیگران نیز برداشتی از ظاهر رفتار، اهداف، کردار و شخصیت مان داریم که به صورت گوناگون از این برداشتها متأثر می شویم (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۱۰). کولی^۱ با تفسیری که از جامعه و روابط افراد داشت، در پی آن بود که به پیوستگی رابطه فرد و جامعه تأکید نماید. یک فرد مجزا تجریدی است که به تجربه در نمی آید، هم چنان که جامعه اگر به عنوان چیزی جدا از افراد در نظر گرفته شود، نیز همین وضعیت را دارد ... "جامعه" و "افراد" بر دو پدیده جداگانه دلالت نمی نمایند، بلکه جنبه های جمعی و فردی یک پدیده را نشان می دهند ... خود یک شخص از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می یابد ... خاستگاه اجتماعی زندگی یک شخص از رهگذر نشست و برخاست او با اشخاص دیگر پدید می آید. به نظر کولی، خود نخست، فردی و پس اجتماعی نمی شود، بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط مبتنی بر گفتگو شکل می گیرد. آگاهی یک شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران در باره خودش است، پس به هیچ روی نمی توان از خودهای جداگانه ای سخن به میان آورد (کوزر، ۱۳۷۲: ۴۰۹-۴۱۰).

هنگامی که یک نقش اجتماعی مورد ارزش گذاری اجتماعی قرار می گیرد، پایگاه اجتماعی آن نقش معلوم می شود (اگبرن و نیمکف، ۱۳۸۰: ۲۰۲). فرد از نظر جامعه شناسی با توجه به ترکیب جامع نقش هایی که ایفا می کند، کاملاً تعریف می شود. همین ترکیب، نقش های متفاوت اجتماعی یک فرد یا ترکیب تصویری موقعیت های او را، پایگاه وی می نامند. این پایگاه به اصطلاح موقعیت، موقعیت ها است. هر موقعیت حرفه ای دارای خواص چندی است، مثلاً شأن، کشش، میزان آزادی فرد و دستمزد. براساس این چهار

متغیر می‌توان موقعیت‌های گوناگون را در شالوده دیوانی (بوروکراتیک) تعیین کرد و به هریک از آنها، به اعتبار عناصر چهارگانه مذکور نمره داد. معمولاً در شالوده سلسله‌مراتبی عادی جامعه، هر چه کار انسان جالب‌تر (علاقه‌انگیزتر) باشد، شأن و آزادی انسان و میزان دستمزد او هم بالاتر است. ارباب بزرگ کسی است که بالاترین دستمزدها، مهم‌ترین شأن‌ها و جالب‌ترین کارها را دارد و ساعت کار او هم به دلخواه خودش است (یعنی از آزادی بیشتری برخوردار است). در موقعیت‌های متوسط سلسله‌مراتب اداری، بعضی‌ها می‌پذیرند که دستمزد نسبتاً پایینی داشته باشند تا از شأن بالاتر و کار جالب‌تر و یا آزادی کامل‌تری برخوردار گردند، یا بر عکس، یک کار نامطلوب می‌گیرند تا دستمزد بیشتری دریافت کنند. بالاخره، بعضی دیگر هستند که آزادی را فدای شأن می‌کنند و مانند این‌ها. خلاصه این چهار خاصیت ممکن است به‌صورت‌های گوناگون با هم ترکیب شوند (مندرانس و گوروچ، ۱۳۶۹: ۱۵۵-۱۵۶). ملوین تامین^۱ (۱۳۷۳: ۶۹)، «امتيازات پایگاه اجتماعی را در سه مقوله زیر طبقه‌بندی می‌نماید؛ ۱) مالکیت یعنی داشتن حقوق و مسؤولیت‌هایی درباره اموال و خدمات؛ ۲) قدرت یعنی توانایی رسیدن به هدف‌های خود علی‌رغم مخالفت احتمالی دیگران؛ ۳) پاداش‌های روانی، یعنی هر عایدی یا واکنش غیرمادی که از دیگران صادر می‌گردد و مایه بهزیستی، لذت، و یا رضایت خاطر شخص می‌شود». فرد برای ارضاء نیازهای روانی‌اش شغلی را بر می‌انگیزد و خود را به‌طور کامل در قالب نقشی که بر عهده دارد قرار می‌دهد، تا هم انتظارات دیگران را پاسخ دهد و هم نیازهای خود را برآورده سازد (مندرانس و گوروچ، ۱۳۶۹: ۱۵۷). به این سبب، موقعیت‌های شغلی و سن افراد تا اندازه‌ای نوع کالای مورد مصرف آنها را مشخص می‌نماید (صدرنبوی، ۱۳۷۸: ۱۷).

نوع کالاهای مورد مصرف بعدی از ابعاد سبک زندگی است، سبک زندگی را می‌توان الگوهای از کنش دانست که تمیز دهنده افراد جامعه است (Chaneg, 1996: 4)، نقل در ذکایی، (۱۳۸۱: ۲۳). اگرچه جامعه‌شناسان اولیه هم‌چون زیمل^۲ و وبر^۳، ابعادی از

1. Tamin
2. Simmel
3. Weber

مفهوم سبک زندگی را مورد توجه قرار دادند، با این حال، هیچ‌گاه مستقلاً و مستقیماً آن را مورد استفاده قرار ندادند. تداول استفاده از این مفهوم به سال‌های دهه‌ی ۸۰ قرن بیستم برمی‌گردد (همان: ۲۳). امروزه هم مفهوم سبک زندگی پررنگ شده است و هم توجه به مصادیق سبک زندگی در زندگی انسان‌ها – که اغلب اطلاعی از مفهوم سبک زندگی ندارند – محوریت یافته است (بیات، ۱۳۹۱: ۴۶).

اصلاح سبک زندگی مستلزم تغییر رفتارهایی است که بخش عمده‌ای از عادات روزمره فرد را تشکیل می‌دهند. اگر با تغییر سبک زندگی، کیفیت کلی زندگی فرد بهبود نیابد، تأمین و تداوم این انگیزه دچار اشکال می‌شود (Covinsky, 1999: 72)، نقل در ملکی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۴). استاندارد مصرف با جای گرفتن در فهم عمومی شخص به‌عنوان معیار درستی و خوبی، این کار را مستقیماً انجام می‌دهد، زیرا شخص به‌طور عادی اندیشه خود را با آن وفق می‌دهد و شیوه زندگی خود را با این معیارها که به آن تعلق دارد، همانند می‌کند. استاندارد مصرف این کار را به‌طور غیرمستقیم نیز انجام می‌دهد، به این معنی که مردم از ترس رسوایی و بی‌حرمتی اجتماعی، تأکید دارند خود را با مراتب صرف هزینه‌های مقبول به‌عنوان الگوی رفتار درست همنوا کنند، چون رعایت معیار زندگی برای راحتی شخص و موفقیت در زندگی، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. عموم مردم پذیرفتن به‌کار بستن آن را امری موافق و مصلحت‌آمیز می‌دانند. این امر سبب می‌گردد تا شخص به بهترین وضع در معرض دید اشخاصی واقع شود که برداشت خوب از آنها مورد نظر است، در حالی که تمایلات و گرایش‌هایی که عملی شدن آنها به صرف افتخارآمیز زمان و مواد مربوط نمی‌شود، در یک جا متوقف و فراموش می‌شود (وبلن، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

گیدنز^۱ (۱۳۸۵: ۱۲۰) معتقد است در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از شیوه‌های زندگی معینی پیروی می‌نماییم، بلکه به تعبیری دیگر که اهمیت زیادی هم دارد، ناچار به این پیروی هستیم و در حقیقت، ما انتخاب دیگری جز گزینش نداریم ... شیوه زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش از عملکردهایی تعبیر کرد که فرد آنها را

به کار می‌گیرد و نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم می‌سازند ... هر شیوه زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که - علاوه بر اهمیت خاص خود، از نظر تداوم امنیت وجودی - پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کمابیش منتظم را نیز تأمین می‌کند. شخصی که خود را متعهد به شیوهی زندگی معینی می‌داند، انتخاب‌های دیگر را لزوماً "خارج از موازین و معیارهای خویش" می‌بیند، همان‌طور که آنهایی هم که با او در کنش متقابل قرار می‌گیرند، همین عقیده را دارند. افزون بر این، گزینش یا ایجاد شیوه زندگی تحت تأثیر فشارهای گروه و الگوهای رفتاری آنها و همچنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی، صورت می‌گیرد.

در ایران تحقیقات زیادی در رابطه با سبک زندگی صورت گرفته است. مقدس جعفری، رضادوست، گلبریان، (۱۳۹۱: ۱۰۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ در شهر اهواز" با روش پیمایشی نشان دادند که ارتباط معنادار و مستقیم بین سرمایه فرهنگی و اوقات فراغت وجود دارد. همچنین در رابطه با متغیرهای زمینه‌ای ارتباط معنادار و معکوس بین سن و وضعیت تأهل وجود داشته است و بین قومیت و محل زندگی و وضعیت شغلی وجود ارتباط معنادار تأیید نشده است. اعظمی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "تأثیر موقعیت شغلی بر سبک زندگی زنان شاغل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی" نشان داد که رابطه معنادار بین موقعیت شغلی با هر یک از شاخص‌های اوقات فراغت، مدیریت بدن و روابط اجتماعی وجود دارد. همچنین با افزایش موقعیت شغلی از پایین به بالا، سطح سلیقه از سنتی به امروزی تغییر پیدا می‌کند.

ملکی‌پور (۱۳۹۳: ۶۸) در تحقیقی با عنوان "پارادایم‌های نوین معلمان در سبک زندگی" نتیجه‌گیری می‌نمایند که برای تجهیز و توانا کردن معلمان در ارتقاء سبک زندگی و اخلاق زیست‌محیطی به الگوی اساسی، باید معلمان دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- (۱) آشنایی با سواد اطلاعاتی؛ (۲) آشنایی با الگوهای نوین تدریس؛ (۳) تداوم دانش اثربخش؛ (۴) برنامه‌ریزی خوب؛ (۵) کشف استعدادها و یادگیرندگان؛ (۶) انگیزه

مثبت در دانش‌آموزان؛ ۷) حساس کردن دانش‌آموزان به محیط پیرامون خود؛ ۸) ایجاد مهارت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان؛ ۹) تعامل با خانواده‌ها؛ ۱۰) مهارت در سنجش و ارزیابی آموزه‌های زیست‌محیطی یادگیرندگان.

امیرکافی و شمس‌الدینی (۹۱:۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر عدالت سازمانی بر رفتار شهروندی سازمانی معلمان" نشان دادند که تأثیر عدالت سازمانی بر رفتار شهروندی و سازمانی معلمان قابل توجه است. همچنین میان ابعاد متغیر عدالت سازمانی، رویه عدالت توزیعی، عدالت تعاملی‌ای و عدالت مؤلفه‌های رفتار شهروندی سازمانی (نوع دوستی، جوانمردی و فضیلت مدنی)، رابطه معناداری وجود دارد.

نویدی و برزگر (۹۶:۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان "راه‌های ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان" نشان دادند که منزلت اجتماعی معلمان در تهران نسبتاً پایین است و معلمان مورد مطالعه، منزلت خود را پایین ارزیابی کردند. محققان با استفاده از نظریات معلمان مورد مطالعه و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و به کمک یافته‌های سایر پژوهش‌های انجام شده، راه‌های زیر را برای ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان مشخص نمودند:

ارتقاء جایگاه تعلیم و تربیت از طریق تغییر سیاست‌های کلان کشور در جهت اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت، تأمین امکانات رفاهی بر رفع محرومیت از زندگی معلمان، ایجاد تشکلهای صنفی برای دفاع از حقوق معلمان و حریم تعلیم و تربیت، استقرار انضباط اجتماعی و اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی، افزایش کارایی نظام آموزش و پرورش از طریق اصلاح مدیریت نیروی انسانی و استقرار نظام شایسته‌سالاری، سخت‌کوشی و تلاش مسؤولان معلمان برای افزایش دانش، تخصص، انگیزش، مناعت طبع و سایر صلاحیت‌های حرفه‌ای و در عین حال پرهیز آنان از کم‌کاری، فرار از مسؤولیت، مظلوم‌نمایی و تحریک حس‌ترحم دیگران.

میرفرد، احمدی و بلداجی (۱۳۹۰: ۱۴۷) نیز در تحقیقی با عنوان "بررسی اولویت‌های ارزشی معلمان و ارتباط آن با برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی" به این نتایج دست یافتند که معلمان دارای‌های ارزشی مادی‌گرایانه هستند و تفاوتی در اولویت‌های ارزشی گروه‌های مختلف سنی معلمان مشاهده نشد. از بین متغیرهای مستقل تحقیق

"احساس امنیت اجتماعی"، "جنسیت" و "درآمد" رابطه‌ی معناداری با اولویت‌های ارزشی داشتند.

فراهانی، محمدخانی و جوکار (۱۳۸۹: ۵) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین رضایت از زندگی با کیفیت زندگی و بهزیستی ذهنی در معلمان شهر تهران" دریافتند که رضایت از زندگی از طریق دو متغیر یعنی بهزیستی زندگی و کیفیت زندگی قابل پیش‌بینی است، اگر چه تا اندازه‌ای رضایت از زندگی از طریق متغیرهای کیفیت زندگی، هم‌چون ملزومات زندگی، سلامت بدنی، روابط بین فردی و معنی‌دار بودن زندگی قابل تبیین است. زارع و فلاح (۱۳۹۱: ۷۵)، با پژوهشی تحت عنوان "بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن" دریافتند که در انواع سبک زندگی، بیشترین میانگین نمرات مربوط به سبک زندگی لذت‌جویانه و کمترین میانگین، مربوطه به سبک زندگی منفعلانه است. با توجه به ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با انواع سبک زندگی مثبت و معنادار است. این ضریب معناداری رابطه بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی کارکردگرایانه، لذت‌جویانه و منفعلانه را نیز تأیید می‌کند. با استفاده از رگرسیون گام‌به‌گام ترتیب اثر متغیرها عبارت بودند از سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. از این‌رو، به این نکته باید اشاره کرد که نقش سرمایه اقتصادی نسبت به سایر متغیرها، برتری دارد.

ایمان و مرحمتی (۱۳۹۳: ۲۰) در پژوهشی با عنوان "تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی در شهر شیراز"، مشاهده نمودند که سبک زندگی امروزی جوانان توسط سرمایه فرهنگی تبیین می‌گردد و ارتباط مؤلفه‌های سبک زندگی امروزی با سرمایه فرهنگی معنادار است. کردی و هادی‌زاده (۱۳۹۱: ۳۵) در تحقیقی با عنوان "بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل" ملاحظه نمودند که اکثر زنان دارای سبک زندگی سنتی می‌باشند و آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها نشان داد که بین سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل تفاوت وجود دارد که این تفاوت در ابعاد سبک زندگی (روابط اجتماعی، مدیریت بدن و الگوی خرید) کاملاً مشهود بود. از دیگر نتایج ناشی از تحلیل همبستگی پژوهش این بود که بین سن، تحصیلات، درآمد خانواده با سبک زندگی، رابطه معناداری وجود داشت و منزلت شغلی زنان شاغل از عوامل تأثیرگذار بر نوع سبک زندگی

آنان بوده است. تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد که سن افراد، سپس نوع فعالیت و در رتبه بعدی درآمد خانواده و تحصیلات به گونه نسبی قدرت تبیین نوع سبک زندگی را دارند و در نهایت تحصیلات زنان، نقش اصلی را در نوع سبک زندگی آنان دارا بود. به طور کلی در این پژوهش ها مشخص گردید که سبک زندگی تحت تأثیر عوامل متعددی است که افکار عمومی یکی از مهم ترین این عوامل است. در این رابطه رسانه های گروهی نقش بسیار مهمی را طی دهه های اخیر بر عهده داشته اند. هم چنین با تغییر موقعیت و پایگاه اجتماعی افراد، به گونه ای چشمگیر سبک زندگی آنان تغییر نموده است. علاوه بر این ها شهرنشینی، اشتغال، تحصیلات و تغییر ارزش ها، از متغیرهای دیگر تأثیرگذار بر سبک زندگی معلمان بوده است.

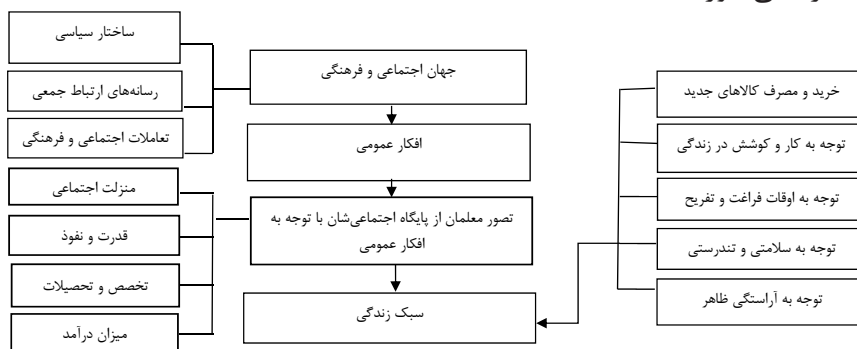
محتوای افکار عمومی از ارزش ها و هنجارهایی که از حقوق، دین و اخلاق یا رسم گرفته می شود، متأثر می گردد و از سوی دیگر، تحت تأثیر منافع اجتماعی قرار می گیرد (باتومور، ۱۳۷۰: ۲۶۳). افکار عمومی بر اثر حوادث و اتفاقاتی که در محیط پیرامون روی می دهند، از طریق رسانه های ارتباط جمعی در جامعه منتشر می شود (دادگران، ۱۳۸۱: ۳۸). در زمره عامل های بسیار مهم، وسایل ارتباط جمعی (سینما، رادیو، تلویزیون و مطبوعات) و تجمعات ارادی، عمده هستند که می خواهند به طور مستقیم از راه فشار افکار عمومی و یا به طور غیرمستقیم از راه قانون گذاری ناشی از آن، هنجارهای اجتماعی خاصی را استقرار بخشند (باتومور، ۱۳۷۰: ۲۶۳). افکار عمومی با عوامل فرهنگی- اجتماعی و هم چنین عوامل زیستی- روانی و افزون بر آنها، با نفوذ رهبران فکری و دخالت گروه های فشار ترکیب می گردد و سپس در جامعه شکل می گیرد و به چند عامل بستگی دارد: (۱) عوامل فرهنگی- اجتماعی؛ (۲) اثرات عوامل فرهنگی بر افکار عمومی که خود عبارتند از: الف) ایدئولوژی؛ ب) افکار قالبی؛ ج) افسانه ها و اساطیر؛ د) ارزش های فرهنگی (دادگران، ۱۳۸۱: ۳۸).

اما مهم ترین عوامل در ساخت و پرداخت افکار عمومی جامعه عبارتند از: نفع شخصی، گروه های سنی، گروه های جنسی، تحصیل کرده ها، اوضاع جغرافیایی و اقلیمی، اوضاع اقتصادی، تعلقات مذهبی و قومی، روشنفکران، حاکمیت ها، آزادی، نوجوانی و تولید، ادبیات و هنر (شریتیان، ۱۳۸۵: ۱۶۲). افکار عمومی پس از شکل گیری در پی مشروعیت

خود است، این مشروعیت در درون ساخت جامعه نمود می‌یابد و افراد و گروه‌هایی که از طرح یک مسأله منتفع می‌گردند در پی‌ریزی این مشروعیت نقش مهمی دارند. افکار عمومی پس از مشروعیت و استقرار، رفتار فرد را مقید ساخته و جهت می‌دهند (باتومور، ۱۳۷۰: ۲۶۳). افکار عمومی به شیوه‌های زیر نمود می‌یابد: (۱) عقیده‌ای که آشکارا و گاه با بوق و کرنا بیان می‌شود؛ (۲) عقیده‌ای شفاهی که گاه درگوشی ابراز می‌شود، یا عقیده‌ای که زاینده شایعات است؛ (۳) رأی‌گیری عمومی یا (رفراندوم) عمیق‌یابی عقاید؛ (۴) همه‌پرسی با رأی‌گیری اجباری (سووی، ۱۳۴۳: ۱۲؛ ستوده، قنادان و مطیع، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

افکار عمومی موجب تسهیل در انتخاب افراد می‌شوند، به‌طوری که تأثیر برخی از آنان از جمله رسانه‌ها به شکلی است که با کنار هم قرار دادن موقعیت‌ها و حالت‌های گوناگون، شکل‌ها و نمادهای ویژه‌ای را به‌وجود می‌آورند که سبک زندگی بی‌سابقه و نیز انتخاب‌های تازه‌ای را القاء می‌نمایند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

سبک زندگی خود با عوامل زیادی مرتبط است که در اینجا بیشتر روی افکار عمومی و پایگاه اجتماعی معلمان مورد توجه قرار گرفته، لذا در این پژوهش به ارتباط قضاوتی که معلمان از افکار عمومی در مورد پایگاه اجتماعی‌شان دارند و ارتباط آن با سبک زندگی‌شان پرداخته شده است. در نمودار ۱ متغیرهای پژوهش با تمرکز بر تصور معلمان و سبک زندگی، آورده شده است.



نمودار ۱) روابط بین متغیرهای پژوهش

بر این اساس در این پژوهش مهم‌ترین مسأله مورد بررسی، ارتباط بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در نزد افکار عمومی و سبک زندگی آنان می‌باشد. این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی به دنبال پاسخ دادن به این سؤالات است:

- ۱- معلمان چه قضاوتی نسبت به پایگاه اجتماعی خود دارند؟
 - ۲- آیا این قضاوت‌ها با سبک زندگی معلمان رابطه دارد؟
- بر اساس این پرسش‌های محوری، شش فرضیه مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی و سبک زندگی، رابطه وجود دارد.
- ۲- بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "سلامتی و تندرستی" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.
- ۳- بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "اوقات فراغت و تفریح" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.
- ۴- بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "خرید و مصرف کالای جدید و امروزی" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.
- ۵- بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "آراستگی و سیمای ظاهری" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.
- ۶- بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "کار و زندگی و تلاش" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.

تعریف مفاهیم نظری

الف) سبک زندگی

سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر نمود که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او را برآورند، بلکه روایت خاصی که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم سازد (رحمت آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵):

۲۳۶). پایگاه اجتماعی در اصطلاح مشخص کننده ی وضع فرد یا گروه در یک نظام اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۷۹۰).

ب) افکار عمومی

از نظر گینزبرگ^۱، افکار عمومی مجموعه ی آراء و داوری هایی را می گویند که در جامعه ای که به گونه ای خاص شکل گرفته و از ثباتی معین برخوردار است، در جریان است و حاصل عملکرد بسیاری از اذهان می باشد (صلاح، ۱۳۸۷: ۴۱). گابریل تارد^۲، افکار عمومی مجموعه ای از داوری های مردم درباره مسائل روز است که مورد پذیرش بیشتر مردم جامعه است (شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۱۱).

ج) تعریف عملی مفاهیم

برای این که تصویر روشن تری از مفاهیم اصلی این پژوهش ارائه دهیم و امکان پژوهش پذیری این مفاهیم فراهم شود؛ آن ها در قالب مؤلفه ها و خرده مؤلفه ها به صورت زیر در جداولی آورده ایم.

جدول ۱) مؤلفه های پایگاه اجتماعی معلمان

سازه	مؤلفه ها	خرده مؤلفه ها
پایگاه اجتماعی	منزلت اجتماعی، قضاوتی است که به موجب آن جامعه حیثیت، اهمیت یا محبوبیت بیشتری به فلان موقعیت یا به فلان پایگاه اجتماعی می دهد	الگو واقع شدن
		محل مراجعه بودن
		تمایل به داشت موقعیت معلم
		ارزش قائل بودن به معلم
	وضعیت اقتصادی (مالکیت)	میزان درآمد ماهیانه
		میزان دارایی
		توانایی رفع نیازها
	تحصیلات و تخصص	میزان تحصیلات
		میزان تسلط بر مطالب کتابها
		برخوردار از مدرک علمی معتبر
	قدرت و نفوذ، توانایی رسیدن به هدف در زندگی به رغم برخورد با مخالفت احتمالی است.	برخوردار از قدرت استدلال
		میزان توجه افراد جامعه به سخنان معلمان
		توانایی اعمال نفوذ بر دیگران

منبع: (تأمین، ۱۳۷۳: ۱۰)

1. Ginsberg
2. Gabriel Tard

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، پایگاه اجتماعی معلمان به خرده مؤلفه‌هایی تبدیل و در قالب سؤالاتی مورد سنجش قرار گرفت. این سؤالات از خود معلمان پرسیده شد که آنان به توجه افکار عمومی، چه تصویری از هریک از ابعاد پایگاه اجتماعی‌شان دارند؟

جدول ۲) مؤلفه‌های سبک زندگی معلمان

ابعاد	سازه
خرید و مصرف کالاها و امروزی	سبک زندگی
توجه به کار و کوشش در زندگی	
توجه به اوقات فراغت و تفریح	
توجه به سلامتی و تندرستی	
توجه به آراستگی ظاهر	

همان‌طور که در جدول ۱ و ۲ مشاهده می‌گردد، پایگاه اجتماعی معلمان و سبک زندگی آنان به خرده مؤلفه‌ها و ابعادی تبدیل سپس در قالب سؤالاتی مورد سنجش قرار گرفت. از معلمان مورد بررسی پرسیده شد که آنان با توجه به افکار عمومی، چه تصویری در رابطه با هریک از ابعاد پایگاه اجتماعی‌شان دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته و اطلاعات مورد نیاز برای آزمون و سنجش فرضیات از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه به شکل میدانی جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه معلمان شاغل در استان خراسان جنوبی در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ بوده است که در مجموع ۱۳۲۵۶ نفر معلم شاغل (زن و مرد) در مقاطع مختلف تحصیلی را شامل می‌گردد. اطلاعات مربوط به آمار جامعه‌ی مورد مطالعه از طریق مراجعه به سازمان آموزش و پرورش خراسان جنوبی (معاونت محترم نیروی انسانی) به‌دست آمده است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر معلم (زن و مرد) با فرمول کوکران محاسبه گردید. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، از کل مناطق آموزشی پنج شهر (نهبندان جنوب استان، بیرجند مرکز استان، طبس

گلشن غرب استان، قاین شمال استان و درمیان شرق استان) انتخاب و سپس از هر شهر چهار مدرسه (دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه) و از مرکز استان (بیرجند) به دلیل تمرکز بخش زیادی از معلمان در آن، ده مدرسه انتخاب گردید که در مجموع ۲۶ مدرسه با روش تصادفی ساده انتخاب گردیدند و سپس در هر مدرسه، تعداد ۱۶ پرسش‌نامه تکمیل گردید که در نهایت، تجزیه و تحلیل روی ۴۰۰ پرسش‌نامه صورت گرفت. پرسش‌نامه این پژوهش محقق‌ساخته و شامل ۶۰ سؤال بوده است که بخش اول مربوط به سؤالات عمومی و بخش دوم مربوط به سؤالات متغیر پیش‌بین (پایگاه اجتماعی معلمان) و در نهایت بخش سوم شامل سؤالات مربوط به سبک زندگی معلمان بوده است. برای سنجش پایگاه اجتماعی این مفهوم به مؤلفه‌هایی شامل (منزلت، وضعیت اقتصادی، تحصیلات و تخصص، قدرت و نفوذ) که هر کدام، خرده‌مؤلفه‌هایی را در برمی‌گرفت تبدیل گردید و در نهایت، سؤالات پرسش‌نامه را تشکیل می‌داد که از نمره یک کمترین میزان تا نمره پنج بیشترین میزان، نمره‌گذاری گردید که حاصل جمع نمرات سؤالات در هر مؤلفه، نمره آن مؤلفه را تشکیل داد و نمره کل پایگاه اجتماعی، حاصل جمع کل مؤلفه این متغیر بوده است. هم‌چنین برای سنجش سبک زندگی نیز این مفهوم به مؤلفه‌های شامل (خرید و مصرف کالاها و امروزی، توجه به کار و کوشش در زندگی، توجه به اوقات فراغت و تفریح، توجه به سلامتی و تندرستی و توجه به آراستگی ظاهر) که هر کدام، خرده‌مؤلفه‌هایی را در بر می‌گرفت تبدیل گردید که از نمره یک کمترین میزان تا نمره پنج بیشترین میزان، نمره‌گذاری گردید که حاصل جمع نمرات سؤالات در این متغیر، نمره کل سبک زندگی را تشکیل داد.

برای سنجش سبک زندگی معلمان نیز سؤالاتی که توان سنجش سبک زندگی معلمان را داشت (با در نظر گرفتن اعتبار آن‌ها)، در قالب طیف لیکرت طرح گردید و از خود معلمان راجع به هر کدام از ابعاد سبک زندگی سؤال شد. پرسش‌نامه این تحقیق دارای اعتبار صوری است که از طریق توافق اساتید جامعه‌شناسی و روانشناسان به لحاظ تطابق اهداف پژوهش و سؤالات طرح شده در پرسش‌نامه، حاصل شده است. در این مطالعه به منظور محاسبه ضریب پایایی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردیده است، آلفای به‌دست آمده در این زمینه ۰/۷۸ بود که نشان از همبستگی درونی نسبتاً

بالای گویه‌ها در زمینه‌ی سنجش گویه‌ها با توجه به ملاک مورد بررسی می‌باشد. در این تحقیق با توجه به وسعت زیاد جامعه مورد بررسی که شامل کلیه‌ی معلمان شاغل در مقاطع مختلف، مناطق دوازده‌گانه استان خراسان جنوبی می‌گردید، انتخاب نمونه‌ای که معرف کامل جامعه مورد بررسی باشد، مشکلات متعددی را به دنبال داشت، زیرا تعداد معلمان شاغل در مناطق مختلف استان یکسان توزیع نشده‌اند. از طرفی، توزیع پاسخگویان از نظر مدرک و مقطع تحصیلی با یکدیگر کاملاً متفاوت بود. لذا سعی گردید با توجه به سهمیه‌ای که برای هر منطقه تعیین گردیده بود، افراد مورد بررسی با روش کاملاً تصادفی انتخاب گردند. تعداد نمونه مورد بررسی در این پژوهش با توجه به فرمول کوکران ۳۷۴ نفر محاسبه گردید که به جهت ترس از افت نمونه، این تعداد به ۴۲۰ نفر افزایش یافت که در نهایت، ۴۰۰ پرسش‌نامه مورد بررسی، تحلیل و تفسیر آماری قرار گرفت.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

نمونه مورد بررسی در این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر زن و ۲۰۰ نفر مرد بوده است. حداقل سن پاسخگویان ۲۰ و حداکثر آن ۵۹ سال بوده است. پاسخگویان معلمان شاغل به کار بوده‌اند. همچنین ۱۱/۲٪ افراد مورد بررسی دارای مدرک دیپلم، ۲۱/۶٪ دارای مدرک کاردانی (فوق دیپلم) و بیشترین تعداد افراد، یعنی ۳۷/۴٪ دارای مدرک کارشناسی (لیسانس) بوده‌اند و ۲۹/۸٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) بوده‌اند.

جدول ۳) آماره‌های مربوط به خلاصه تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان با توجه افکار عمومی

متغیر	آماره‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
منزلت	۲۳/۴۶	۳/۱۶	۱۰/۰۳	
وضعیت اقتصادی	۱۹/۲۵	۳/۰۲	۹/۱۲	
قدرت و نفوذ	۲۰/۷۱	۳/۸۹	۱۵/۱۳	
تخصص و تحصیلات	۲۱/۲۲	۴/۱۷	۱۷/۴۰	

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد میانگین نمره معلمان (۲۳/۴۶) در مؤلفه منزلت اجتماعی با توجه افکار عمومی از سایر ابعاد بالاتر است. در مرتبه دوم افکار عمومی با میانگین ۲۱/۲۲ به تخصص و تحصیلات معلمان توجه بیشتری داشته‌اند. قدرت و نفوذ معلمان در مرتبه سوم با میانگین عددی ۲۰/۷۱ قرار داشته است. در پایین‌ترین سطح، میانگین نمره وضعیت اقتصادی معلمان با مقدار ۱۹/۲۵ قرار داشته است. به‌طور کلی معلمان از نظر منزلت اجتماعی جایگاه بالایی دارند، اما از نظر اقتصادی، جایگاه پایین‌تری دارند.

ب) یافته‌های تحلیلی

فرضیه اول پژوهش: بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی و سبک زندگی، رابطه وجود دارد.

جدول ۴) نتایج رگرسیون چندمتغیره مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی و سبک زندگی

متغیر پیش‌بین	Beta	R ²	درجه آزادی	F مقدار	sig
منزلت	۰/۴۵	۰/۲۰۸	۱	۱۰۴/۳۵	۰/۰۰۱
			۳۹۸	-	
			۳۹۹	-	
تخصص	۰/۳۱۱	۰/۳۰۸	۲	۸۸/۲۹	۰/۰۰۱
			۳۹۷	-	
			۳۹۹	-	
ثروت	۰/۲۳۰	۰/۳۶۰	۳	۷۴/۲۸	۰/۰۰۱
			۳۹۶	-	
			۳۹۹	-	
قدرت	۰/۱۶۶	۰/۳۸۵	۴	۶۱/۷۴	۰/۰۰۱
			۳۹۵	-	
			۳۹۹	-	

در جدول ۴ مقدار همه متغیرهای پیش‌بین (ابعاد پایگاه اجتماعی) شامل منزلت، تخصص، ثروت و قدرت با سبک زندگی ارتباط دارد. مشاهده می‌شود که متغیر منزلت، ۰/۲۰۸ از تغییرات متغیر ملاک را تبیین می‌نماید و متغیرهای تخصص، ثروت و قدرت

هر کدام به ترتیب به میزان (۰/۰۱۰)، (۰/۰۵۲) و (۰/۰۲۵) از سطح تبیین متغیر سبک زندگی را بالا برده‌اند. در مجموع، ۰/۳۸۵ از تغییرات متغیر ملاک (سبک زندگی) از طریق مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی تبیین می‌گردند و بقیه تغییرات مربوط به متغیرهایی می‌باشند که در این الگو قرار نگرفته‌اند.

جدول ۵) نتایج رگرسیون چند متغیره پایگاه اجتماعی و سبک زندگی

متغیر پیش‌بین	Beta	R ^۲	درجه آزادی	مقدار F	Sig
پایگاه اجتماعی	۰/۵۶۹	۰/۳۲۳	۱	۱۹۰/۰۹۵	۰/۰۰۱
			۳۹۸	-	
			۳۹۹	-	

با توجه به نتایج رگرسیون در جدول ۵، ملاحظه می‌گردد که با ورود متغیر پیش‌بین (پایگاه اجتماعی)، به تنهایی ۰/۳۲۳ از تغییرات متغیر ملاک (سبک زندگی) به‌وسیله آن تبیین گردیده است. در نتیجه، مشخص می‌گردد که تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی، با سبک زندگی آنان رابطه دارد. این مسأله در نظریات هابرماس و کولی نیز بیان شده است.

فرضیه دوم پژوهش: بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "سلامتی و تندرستی" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.

جدول ۶) نتایج ضریب همبستگی پایگاه اجتماعی معلمان و مؤلفه سلامت و تندرستی اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون		
بهداشت	همبستگی پیرسون	۰/۷۵۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
	تعداد	۴۰۰

آزمون فوق، انتظار نظری این تحقیق را در ارتباط با تأثیر پایگاه اجتماعی بر سلامت و تندرستی برآورده می‌سازد، چنان‌که جهت رابطه‌ها در ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، پایگاه اجتماعی معلمان با توجه معلمان به سلامت و تندرستی آنان ارتباط دارد. سطح معناداری برابر با (۰/۰۰۱) می‌باشد.

فرضیه سوم پژوهش: بین تصور معلمین از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "اوقات فراغت، تفریح" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.

جدول (۷) نتایج همبستگی میان پایگاه اجتماعی معلمان و توجه به اوقات فراغت، تفریح با پایگاه اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون		
۰/۱۵۱	همبستگی پیرسون	اوقات فراغت
۰/۰۰۲	سطح معناداری	
۴۰۰	تعداد	

آزمون فوق، انتظار نظری این تحقیق را در ارتباط با تأثیر پایگاه اجتماعی بر توجه به اوقات فراغت، تفریح برآورده می‌سازد، چنان‌که جهت رابطه‌ها در ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، پایگاه اجتماعی معلمین با توجه به اوقات فراغت، تفریح آنان، ارتباط معناداری دارد. سطح معناداری برابر با (۰/۰۰۲) می‌باشد.

فرضیه چهارم پژوهش: بین تصور معلمین از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "خرید و مصرف کالای جدید و امروزی" سبک زندگی، رابطه وجود دارد. جدول (۸) نتایج همبستگی میان پایگاه اجتماعی معلمان و توجه به خرید و مصرف کالای جدید و

امروزی با پایگاه اجتماعی		
ضریب همبستگی پیرسون		
-۰/۰۱۶	همبستگی پیرسون	شیوه مصرف
۰/۷۵	سطح معناداری	
۴۰۰	تعداد	

آزمون فوق نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی معلمان و توجه آنان به خرید و استفاده از کالاهای خارجی ارتباط معناداری وجود ندارد، چنان‌که جهت رابطه‌ها در ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، پایگاه اجتماعی معلمین با توجه‌شان به خرید و استفاده از کالاهای خارجی رابطه معناداری ندارد. سطح معناداری برابر با (۰/۷۵) می‌باشد.

فرضیه پنجم پژوهش: بین تصور معلمین از پایگاه اجتماعی شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "آراستگی و سیمای ظاهری" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.

جدول ۹) نتایج همبستگی میان پایگاه اجتماعی معلمان و توجه به آراستگی و سیمای ظاهری

ضریب همبستگی پیرسون		
۰/۴۷۹	همبستگی پیرسون	سیمای ظاهری
۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۴۰۰	تعداد	

آزمون فوق، انتظار نظری این تحقیق را در ارتباط با تأثیر پایگاه اجتماعی بر توجه به آراستگی و سیمای ظاهری برآورده می سازد، چنان که جهت رابطه ها در ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد، پایگاه اجتماعی معلمین با توجه معلمین به آراستگی و سیمای ظاهری آنان ارتباط دارد. سطح معناداری برابر با (۰/۰۰۱) می باشد.

فرضیه ششم پژوهش: بین تصور معلمین از پایگاه اجتماعی شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "کار و زندگی و تلاش" سبک زندگی، رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰) نتایج همبستگی میان پایگاه اجتماعی معلمان با توجه به کار و زندگی و تلاش

ضریب همبستگی پیرسون		
۰/۵۶۴	همبستگی پیرسون	فعالیت اقتصادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۴۰۰	تعداد	

آزمون فوق، انتظار نظری این تحقیق را در ارتباط با تأثیر پایگاه اجتماعی با توجه به کار و زندگی و تلاش برآورده می سازد، چنان که جهت رابطه ها در ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد، پایگاه اجتماعی معلمین با توجه به کار و زندگی و تلاش آنان ارتباط دارد. سطح معناداری برابر با (۰/۰۰۱) می باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله مهم مورد بررسی این پژوهش بازخورد افکار عمومی در رابطه با پایگاه اجتماعی معلمان در ارتباط با سبک زندگی آنان می‌باشد. نتایج آماره‌های به‌دست آمده در این رابطه نشان داد که تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان با توجه به افکار عمومی بر سبک زندگی آنان تأثیرگذار است. از آن‌جا که پایگاه اجتماعی افراد، کاملاً به ارزیابی شخصی آنان اتکاء دارد، بنابراین معیار قضاوت در پایگاه افراد در جامعه، دوری یا نزدیکی افراد مورد نظر نسبت به ارزش‌های حاکم در آن جامعه است. میزان تحصیلات، اصل و نسبت و موقعیت شغلی، گاه به‌عنوان بنیانی برای ارزیابی پایگاه افراد (به‌وسیله دیگران) به‌کار می‌رود (ملک، ۱۳۷۷: ۷۴). کولی سعی در تبیین چگونگی شکل‌گیری «خود» در رابطه متقابل فرد و جامعه و در تجربه اجتماعی دارد. سازوکار این عمل عبارت از نگاه کردن خود در آینه دیگران است. به‌عبارت دیگر، انسان در این روند سعی دارد تا خود را از دید دیگران ارزیابی کند، همه انسان‌ها آینه یکدیگرند و در این نگرستن‌ها است که به قضاوت یکدیگر می‌نشینند (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۱۰-۴۱۱). نوع قضاوت دیگران در رابطه با موقعیت و جایگاه اجتماعی افراد در جامعه بر رفتارهای اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. زیمل معتقد است که سبک زندگی عینیت بخشیدن به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی است، نوعی فردیت برتر و یکتایی در قالبی که دیگری این یکتایی را درک کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). بنابراین می‌توان بیان نمود که دیدگاه‌های نظری و تحقیقات میدانی و تجربی نیز ارتباط بین افکار عمومی و شکل‌گیری سبک زندگی را تأیید می‌نماید.

فرضیه اول این پژوهش این بود که بین تصور معلمین از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی و سبک زندگی آنان رابطه معناداری وجود دارد. پایگاه اجتماعی و سبک زندگی با یکدیگر رابطه متقابل دارند که ماکس وبر به ارتباط بین سبک زندگی و سلسله مراتب اجتماعی (پایگاه اجتماعی) توجه نموده است (زارع و فلاح، ۱۳۹۱: ۸۳). افراد به مدد این سبک‌ها هویت خویش را ابراز داشته و اظهاراتی را در مورد فضای اجتماعی و فرهنگی خود بیان می‌دارند (هندری و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۲۷، نقل در مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

آزاده و معدن‌دار (۱۳۹۳: ۳۴) نیز نشان دادند که نقش و موقعیت اجتماعی افراد در سبک زندگی آنها جایگاه ویژه‌ای دارد.

فرضیه دوم این پژوهش این بود که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی و توجه آنان به سلامتی و تندرستی‌شان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش، فرضیه را تأیید می‌کند. در واقع، تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان بر سبک زندگی آنان تأثیرگذار است و نوع نگاهی که افراد در ارتباط با پایگاه اجتماعی‌شان دارند بر شیوه زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. در پژوهشی دیگر نشان داده شد زنانی که دارای تحصیلات و پایگاه اجتماعی بالاتر هستند، توجه بیشتری به مراقبت‌های بهداشتی و تندرستی دارند (میرزایی و یاراحمدی، ۱۳۸۹: ۴۶). نتایج این فرضیه نشان داد که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی و توجه آنان به اوقات فراغت، تفریح، رابطه معناداری وجود دارد.

اسماعیلی و جاویدان (۱۳۸۵: ۱۳) نیز در تحقیقی با عنوان "جایگاه اوقات فراغت و تفریح در جامعه ایران" نشان دادند که میزان مشارکت افراد باسواد در فعالیت‌های ورزشی، اجرای موسیقی در حضور دیگران، رفتن به موزه و فعالیت در گروه‌های اجتماعی، بیش از افراد بی‌سواد است. همچنین افراد شاغل مشارکت بیشتری در اردوها و گردش‌های دسته‌جمعی دارند.

فرضیه چهارم این پژوهش این بود که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "خرید و مصرف کالای جدید و امروزی" سبک زندگی، رابطه وجود دارد. اما نتایج این پژوهش نشان داد که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی و توجه آنان به خرید و مصرف کالاهای جدید و امروزی رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی، اگر چه تعدادی از معلمان ممکن است تصویری مطلوب از پایگاه اجتماعی‌شان با توجه به افکار عمومی داشته باشند، اما مسأله بر خرید کالاهای جدید و امروزی و خارجی تأثیرگذار نیست و به‌طور کلی، معلمان افرادی ساده‌زیست می‌باشند. فرضیه پنجم این پژوهش این بود که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "آراستگی و سیمای ظاهری" سبک زندگی، رابطه وجود دارد؛ نتایج این پژوهش نیز نشان داد که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار

عمومی و توجه آنان به آراستگی و سیمای ظاهری‌شان، رابطه معناداری وجود دارد. از نظر وبر طبقه‌بندی انسان‌ها در گروه‌های منزلتی بیشتر بر الگوهای مصرف آنها مبتنی است تا جایگاه‌شان در بازار یا در فراگرد تولید بر خلاف طبقات اجتماعی که می‌توانند اشتراک اجتماعی داشته یا نداشته باشد، گروه‌های منزلتی معمولاً اجتماعی هستند که با سبک‌های شایسته زندگی و احترام و فخر اجتماعی‌ای که دیگران برای‌شان قائل‌اند، به همدیگر وابستگی پیدا نمایند (کوزر، ۱۳۷۲: ۳۱۳-۳۱۴).

فرضیه ششم این پژوهش این بود که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی با توجه به مؤلفه "کار و زندگی و تلاش" سبک زندگی، رابطه وجود دارد؛ نتایج نیز نشان داد که بین تصور معلمان از پایگاه اجتماعی‌شان در افکار عمومی و توجه آنان به کار و زندگی و تلاش رابطه معناداری وجود دارد. نهاد آموزش و پرورش در نهادینه نمودن فرهنگ کار و تلاش بعد از خانواده مهمترین نهاد می‌باشد (شریعتی، ۱۳۷۲: ۳۲).

پیشنهاده‌ها

۱- مشخص شد که منزلت و جایگاه اجتماعی معلمان در جامعه، نقشی مهم در سبک زندگی آنان دارد، مسأله‌ای که بدون شک فرایند تدریس، نحوه‌ی برخورد معلم با دانش‌آموزان و مرجع بودن او را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و می‌تواند پیامدهای مثبت یا منفی به‌دنبال داشته باشد. لذا ضروری به نظر می‌رسد که سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش و ... از نظر مادی و غیرمادی به معلمان توجه ویژه‌ای بنمایند تا به کرامت و عزت معلم خدشه‌ای وارد نشود و جامعه را از خسارت‌های جبران‌ناپذیر احتمالی مصون دارد.

۲- اجرای هر چه سریع‌تر نظام رتبه‌بندی معلمان، نقشی مهم در عدالت آموزشی و ارتقاء جایگاه معلمان خواهد داشت و از این طریق به معلمان کمک خواهد کرد تا وقت بیشتری را به پژوهش و ارتقاء علمی و خودشکوفایی خود اختصاص دهند که در نهایت دانش‌آموزان این کشور از آن سود خواهند برد.

منابع

- آزاده، منصوره؛ معدن‌دار، اعظم (۱۳۹۳). "نقش سبک زندگی، حیات رابطه‌ای و کنترل زندگی در رابطه بین موقعیت اجتماعی و رضایت از زندگی". *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال دهم، ش ۳۴ (بهار): ۳۳-۵۶.
- آن‌ماری، گینگراس؛ جیسن، پیرکریر (۱۳۸۱). "جامعه‌شناسی/افکار عمومی، شکل‌گیری و اقصاء". ترجمه علی مهرطلب. *مجله رسانه*، سال سیزدهم، ش ۵۱ (پاییز): ۴۴-۵۱.
- اسدی، علی (۱۳۷۵). "افکار عمومی چیست؟". *هنر هشتم*، پیش ش ۲ (تابستان): ۳۶-۴۵.
- اسماعیلی، رضا؛ جاویدان، حمدالله (۱۳۸۵). "جایگاه اوقات فراغت و تفریح در جامعه ایران". *فرهنگ /صفهان*، ش ۳۲ (تابستان): ۴-۱۷.
- اعظمی، معصومه (۱۳۹۱). "تأثیر موقعیت شغلی بر سبک زندگی زنان شاغل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی". *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ش ۱۴۹ (آبان): ۴۶-۵۶.
- اگبرن، ویلیام؛ نیمکف، مایر (۱۳۸۰). *زمینه جامعه‌شناسی*. ترجمه امیرحسین آریان‌پور. تهران: گستره.
- امیرکافی، مهدی؛ شمس‌الدینی، محمدحسن (۱۳۹۲). "تأثیر عدالت سازمانی بر رفتار شهروندی سازمانی معلمان". *فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی*، سال دوم، ش ۸ (پاییز): ۹۱-۱۲۳.
- ایمان، محمدتقی؛ مرحمتی، ندا (۱۳۹۳). "تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی در شهر شیراز". *دوفصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، سال بیست و پنجم، ش ۳ (تابستان): ۲۰-۵۵.
- باتومور، تی. بی. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن منصور و حسن حسین کلجاهی. تهران: امیرکبیر.
- بیات، سجاد (۱۳۹۱). "سبک زندگی چرا آمد". *دو ماهنامه سوره /اندیشه*، ش ۶۴ و

- ۶۵ (آبان و آذر): ۴۶-۴۸.
- پیری سارمانلو، اژدر (۱۳۹۴). "سبک زندگی ایرانی- اسلامی به مانند الگوی اعتدال در زندگی". *مجله پژوهش ملل*، دوره اول، ش ۱ (دی): ۵-۱.
- تامين، ملوین (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- ترابی‌ان، محمود (۱۳۸۲). "افکار عمومی چیست". *مجله روابط عمومی*، ش ۲۶ (مرداد و شهریور): ۴۲-۴۴.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۹). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. مشهد: مرن‌دیز.
- دادگران، محمد (۱۳۸۱). "افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی". *ماهنامه علمی- تخصصی روابط عمومی*، ش ۲۲ (فروردین): ۳۶-۴۶.
- _____ (۱۳۸۲). "افکار عمومی به‌عنوان یک پدیده روانی- اجتماعی بر نگرش‌ها استوار است". *ماهنامه روابط عمومی*، ش ۲۹ (اسفند): ۱۹-۲۱.
- ذکابی، محمدسعید (۱۳۸۱). "خرده فرهنگ سبک زندگی و هویت". *رشد آموزش علوم/ اجتماعی*، ش ۲۰ (پاییز): ۲۰-۲۷.
- رحمت‌آبادی، الهام؛ آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵). "سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان". *رفاه اجتماعی*، سال پنجم، ش ۲۰ (بهار): ۲۳۵-۲۵۳.
- رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲). "بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون". *مجله علوم اجتماعی*، ش ۲۳ (پاییز): ۴۳-۵۲.
- زارع، بیژن؛ فلاح، مهدی (۱۳۹۱). "بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن". *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره پنجم، ش ۲۰ (زمستان): ۷۴-۱۰۵.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، ج ۲. تهران: کیهان.
- ستوده، هدایت‌الله؛ قنادان، منصور؛ مطیع، ناهید (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*. تهران: آوای نور.

- سووی، آلفرد (۱۳۴۳). *افکار عمومی و اثر آن در زندگی اجتماعی*. ترجمه جمال شمیرانی. تهران: کتاب‌های جیبی.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۸۵). "بررسی پدیده افکار عمومی". فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۱۱ (زمستان): ۱۵۲-۱۷۵.
- شریعتی، سعید (۱۳۷۲). "عوامل مؤثر در رشد فرهنگ کار و ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر". *کار و جامعه*، ش ۳ (دی): ۲۹-۳۴.
- شیرازی، محمد (۱۳۷۶). *جنگ روانی و تبلیغات (مفاهیم و کارکردها)*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه.
- صدرنبوی، رامپور (۱۳۷۸). "موقعیت و پایگاه اجتماعی". *مجله دانش و توسعه*، ش ۱۰ (پاییز و زمستان): ۷-۸۲.
- صلاح، نصر (۱۳۸۷). *جنگ روانی*. ترجمه محمود حقیقت کاشانی. تهران: سروش.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). *مبانی نظری هویت و بحران هویت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی؛ جهاد دانشگاهی.
- فراهانی، محمدتقی؛ محمدخانی، شهرام؛ جوکار، فرهاد (۱۳۸۹). "رابطه بین رضایت از زندگی با کیفیت زندگی و بهزیستی ذهنی در معلمان شهر تهران". *فصلنامه علمی-پژوهشی در سلامت روانشناختی*، دوره سوم، ش ۱ (بهار): ۵-۱۴.
- فرخ‌مهر، علی (۱۳۷۷). "پایگاه اجتماعی معلمان، ارزشیابی کار معلم، معلم و مطالعه، هدیه روز معلم آری یا نه؟ (با معلمان اراک)". *ماهنامه رشد معلم*، ش ۱۳۳ (فروردین): ۸-۱۵.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کردی، حسین؛ هادی‌زاده، سکینه (۱۳۹۱). "بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل". *زن و جامعه*، سال سوم، ش ۴ (زمستان): ۲۱-۴۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- ----- (۱۳۸۵). *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- لازار، ژودیت (۱۳۸۵). *افکار عمومی*، ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نی.

- لیاقت‌دار، محمد، و دیگران (۱۳۸۳). "بررسی موقعیت اجتماعی دبیران از دیدگاه دانش‌آموزان متوسطه شهر اصفهان". *مجله دانشکده علوم انسانی سمنان*، ش ۷ (بهار و تابستان): ۶۷-۱۰۰.
- محمدی، آزاد، و دیگران (۱۳۹۳). "اصول و روش‌های تربیت اجتماعی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس". *پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال چهارم، ش ۸ (پاییز و زمستان): ۲۸-۵.
- مقدس جعفری، محمدحسن؛ رضادوست، کریم؛ گلبریان، خدیجه (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ در شهر اهواز". *مطالعات جوانان*، دوره سوم، ش ۷ (پاییز): ۱۰۹-۱۲۸.
- ملک، حسن (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*. تهران: پیام نور.
- ملکی‌پور، احمد موسی (۱۳۹۳). "پارادایم‌های نوین معلمان در سبک زندگی". *سبک زندگی دینی*، سال یکم، پیش ش ۱ (پاییز): ۳۵-۷.
- مندرانس، هانری؛ گوروویچ، ژرژ (۱۳۶۹). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: امیرکبیر.
- مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). "مفهوم سبک زندگی و گستره‌ی آن در علوم اجتماعی". *علوم اجتماعی - تحقیقات فرهنگی ایران*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۱۹۹-۲۳۰.
- میرزایی، محمد؛ یاراحمدی، علی (۱۳۸۹). "اهمیت آموزش و پایگاه اقتصادی زنان در استفاده از خدمات سلامتی دوران بارداری در ایران". *زن در توسعه و سیاست*، دوره هشتم، ش ۳۱ (زمستان): ۱۸۳-۲۰۲.
- میرفرد، اصغر؛ احمدی، سیروس؛ بلداجی، سیروس (۱۳۹۰). "بررسی اولویت‌های ارزشی معلمان و ارتباط آن با برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی". *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، ش ۳ (پاییز): ۱۴۷-۱۶۸.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). *بازخوانی هابرماس*. تهران: چشمه.
- نویدی، احد؛ برزگر، محمود (۱۳۸۲). "راه‌های ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان". *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۷۴ (تابستان): ۴۶-۵۵.

- وبلن، تورستاین (۱۳۸۶). *نظریه طبقه تن/آسا*. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نی.
- هندی، ل. بی.، و دیگران (۱۳۸۳). *اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان*. ترجمه‌ی فرامز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر. تهران: نسل سوم.
- Habermas, J. (1990). Moral Consciousness and communicative action. Trans. Christian lethard and Shierrry Weber NichoLsen. M. A: MIT Press: Cambridge.
- Change, D. (1996). *Lifestyles*. London: koutledge.
- Covinsky K .E., et al. (1999). "Health status versus quality of life in older patients: does the distinction matter?" *Am J Med*, Vol. 106, No. 4: 435-440.

Intermediary role of social capital in relation of psychological capital with organizational socialization of employees of Islamic

Azad University, Quchan Branch

Reza Sajedi Quchani ¹

Behrang Esmaeili Shad ²

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between psychological capital and organizational socialization and social capital. The research method is applied in terms of its purpose and is descriptive and correlational in terms of its nature. The research population consisted of all employees of Islamic Azad University, Quchan Branch, 150 people. The sample size was 109 people selected by simple random sampling method. The data collection tools were Lutangs Psychological Capital Inventory (2007), Nahapit and Goshal Social Capital Questionnaire (1998) and Taurinma's Organizational Social Integrity Questionnaire (1994). The questionnaires are standard and the validity of the questionnaires is of a formal and content type. The reliability of the questionnaires was 0.72, 0.71 and 0.70, using the Cronbach's alpha coefficient, respectively. The findings of the structural equation test showed that there is a significant relationship between the psychological capital and its dimensions with organizational socialization with an emphasis on the intermediary role of social capital among employees of Islamic Azad University, Quchan Branch, because the value of T is greater than 2.58. Pearson correlation coefficient also showed that there is a significant and positive correlation between

1. M.A in Educational Sciences of Islamic Azad University of Bojnourd. behrang_esmaeili@iran.ir.

2. Ph.D in Educational sciences. Assistant Professor of Islamic Azad University of Bojnourd.
Responsible Writer. behrang_esmaeili@yahoo.com

the dimensions of psychological capital (self-efficacy, resilience, hope, optimism) and organizational socialization among employees of Islamic Azad University, Quchan Branch ($p < 0.05$). Also, the results of Pearson correlation coefficient showed that there is a significant and positive correlation between social capital and organizational socialization among employees of Islamic Azad University, Quchan Branch ($p < 0.05$).

Keywords: psychological capital, social capital, organizational socialization.

A Study on the Status of Marketing Process in University Libraries of Birjand City

Maryam Salami¹

Maryam Khodabakhshi²

Abstract

The purpose of this study was to investigate the status of marketing process based on the 4P model in university libraries of Birjand city. This research is a descriptive-survey. The statistical population of this study was 50 people by the end of January, 2017. The data gathering tool was a questionnaire whose reliability coefficient was calculated using Cronbach's alpha formula 0.916. Data analysis was done using SPSS software version 24 on two levels of descriptive and inferential statistics. At the level of descriptive statistics, abundance, frequency, mean, and standard deviation were used in the form of tables. At the level of inferential statistics, one-sample t-test, independent t-test, one way analysis of variance and T2 hoteling were used. Data analysis has been performed at 95% confidence level. The results showed that the average of marketing components based on Four P model in university libraries of Birjand is more than average and is in the optimal level, so that the location component with an average of 4.10, ad component with 3.79 mean, component prices with a mean of 3.77 and a component of the product with an average of 3.76, respectively, have priority from first to fourth. According to the findings, demographic variables (sex, education, place of service) have no significant difference with any of the components of the marketing process, but the age variable shows only

1. Ph.D in Information Science, Assistant Professor of Payame Noor University of Mashhad. salaimlib@yahoo.com

2. M.A in Information Science of Payame Noor University of Mashhad. mkhodabakhshi49@gmail.com

a significant difference in the price component and the ad. The results of this research can greatly enhance the improvement of the marketing process in academic libraries and help managers make better decisions about libraries in the electronic age.

Keywords: Marketing, University (Academic) libraries, Birjand.

**A Study on the Quality of Teaching in Higher Education System:
The Need to Pay Attention to Interactive Teaching
(Case Study: Undergraduate Students of Comprehensive
Applied- Scientific University of Southern Khorasan)**

Afsaneh Abdoli¹

Hadi Poorshafei²

Fatemeh Zeynoddini Meymand³

Abstract

The purpose of this study is to investigate the quality of teaching of instructors in higher education system considering the amount of attention to interactive teaching. Semi-structured interviews were used for this purpose. Sample subjects were selected using purposeful sampling and based on theoretical saturation criterion, 25 students from the sixth semester to the eighth semester of the bachelor's degree were selected. Findings showed that most of the teachers use lecture and explanation method for students, and the pamphlet contains a large part of the class. Also, the causes of instructors' tendency to these methods are insufficient mastery of teachers, comfort, a lot of teachers' inquiries, as well as classroom issues such as little opportunity, bustle and disorder in the classroom. Most students believed that they would not be involved in classroom activities. Also, according to them, there is no scientific interaction between the teacher and the student in the process of teaching and learning, and teachers only offer lessons without challenging the students' minds. Students suggested using active methods for student participation in the classroom to improve the current situation.

Keywords: Quality of Teaching, Higher Education, University, Interactive Teaching Method.

1. Ph.D Student in Philosophy of Education, Ferdowsi University of Mashhad. afssanabdoli@gmail.com

2. Ph.D in Educational Sciences, Associate Professor of Birjand University. pourshafei@yahoo.com

3. M.A in Educational Sciences, Faculty Member of Payame Noor University. fatete_z@yahoo.com

Abu-bakr Qohestani, Statesman and Litterateur of Ghazne's CourtMohammad Reza Azizi¹Fatemeh Fanoodi²Seyed Mahdi Rahimi³**Abstract**

The Great Khorasan has always been considered one of the important scientific and cultural centers of the Islamic world, a base supported by scholar-men from Neyshapour, Bokhara, Samarghand, Harat, Qohestan etc. The present article tries to introduce a poet and statesman from the Quhistan region in the 4th and 5th centuries, Abu Bakr Qehestani. And to analyze and collect his situation and works relied on different references in Arabic and Persian and to follow up his character in the court of the famous poets such as Farrokhi Sistani, Sanayee Ghaznavi, Sousin Samarghandi, and so on. Also, pay attention to the literary interactions and the scope of Abu Bakr's relationship with his contemporaries. What increases the necessity of this research is the literary and political reputation of Abu Bakr Qohestani, especially in Arabic sources, a renown that has been neglected in contemporary times. Poems of some poets such as Abu-bakr Qohestani are a document of national and regional intellectual and artistic developments that its study and knowledge of it is important in Qohestanology researches especially in a period where little information is available.

Keywords: Abu-Bakr Qohestani, the Ghaznavids, Bilingual Poets.

1. Ph.D in Arabic Language and Literature, Assistant Professor of Birjand University. Mohammadrazizi@birjand.ac.ir

2. M.A in Arabic Language and Literature, Mohammadrazizi@yahoo.com

3. Ph.D in Persian Language and Literature, Associate Professor of Birjand University, Smrahimi@birjand.ac.ir

**The Influence of the Endowment Organization on the Stability of
the Qajar Era Hosseiniyehs of Birjand City
Case Study: Bibi Arous Hosseiniyeh¹**

Marziyeh Faryabi²

Hassan Hashemi Zarjabad ³

Mofid Shateri⁴

Ali Zarei⁵

Abstract

One of the traditions and good characteristics of people throughout Islamic periods to attain God's satisfaction as well as perfection, has been the tradition of endowment. Endowment system in the history of Muslim communities shows an example of sustainable planning in a thousand-year-old tradition. By studying these communities, a number of buildings can be found which have lasted longer than other buildings due to the good tradition of endowment; that is, part of the endowments was spent for holding mourning ceremonies and performing religious rites, and the other part was spent on maintaining, refurbishment and finally, stability of the building. This research which has been conducted based on a descriptive/analytic study and library and field data collection, seeks to explain the significance of this issue and its impact on the formation and stability of Qajar period Hosseiniyehs of Birjand city. In this article, by studying the endowment document of Bibi Arous Hosseiniyeh and analyzing its architectural space, the

1. This article has been extracted from the M.A. thesis of marziyeh faryabi entitled (A research of the Role of Endowment in Formation of the Physical Appearance of birjand City (with a Focus on Qajar Period Hussainiyas)) supervised by dr. Hassan Hashemi Zarjabad and Dr. mofid shateri

2. M.A in Archaeology of Birjand University. Responsible Writer. faryabi1991@yahoo.com

3. Associate Professor in Archaeology of Birjand University Faculty of Art. hhashemi@birjand.ac.ir

4. Assistant Professor in Geography of Birjand University. mshateri@birjand.ac.ir

5. Assistant Professor in Archaeology of Birjand University Faculty of Art. azareie@birjand.ac.ir

impacts of endowment on formation of the Hosseiniyeh and finally its effects as an important factor in the stability of the Hosseiniyeh are explained. Research findings indicate that Bibi Arous Hosseiniyeh has been studied as one of the endowed Hosseiniyehs and is considered one of the main and most important elements in the historical context of Birjand. By referring to its endowment documents, it can be found out that maintenance, stability and lasting of this building has been one of the main intentions of the endower. In fact, the framework of the building has met the multiple requirements of the building (religious affairs and maintenance of the building). Finally, the intention of the endower for performing religious ceremonies and the need for a place for fulfilling this intention, has been the main reason for the stability of the structure of this Hosseiniyeh in the city.

Key words: Endowment, Bibi Arous Hosseiniyeh, Qajar, Birjand

**The Relation between the Perception of the Social Status
of Teachers in Public Opinion and Their Lifestyle, Case study:
Different educational courses for Southern Khorasan Education
Organization**

Gholam Ali Moradi¹

Ali Asghar Mohammadi²

Seyed Ali Hashemiyanfar³

Abstract

Considering the promotion of the social base of teachers in society is one of the most important factors in the success of the educational system. With the development of mass media, public opinion has been closely linked to the lives of different classes and groups of society. One of the topics of study is the imagination of the teachers of their social base, which is associated with the quality of their lifestyle. The purpose of this research is to identify the teachers' perceptions of their social status in public opinion and how that perception has been related to their lifestyle. In terms of method, this research is a correlational descriptive survey. Data were collected using a questionnaire. Validity of research tool was 0.784. The statistical population in this research is all teachers working in South Khorasan Province in the academic year of 92-93. A total of 13256 employed teachers (men and women) in different educational levels are included. The sample size is 400 male and female teachers calculated using Cochran formula. Then, using multi-stage cluster sampling method, five cities (Nehbandan, south of province,

1. Ph.D Student in Sociology of Economics and Development of Islamic Azad University of Dehaghan. moradi.gholamali@yahoo.com

2. Ph.D in Sociology, Assistant Professor of Islamic Azad University of Dehaghan. asmohamadi@dehaghan.ac.ir

3. Ph.D in Sociology, Assistant Professor of Esfahan University. seyedalhashemianfar@yahoo.com

Birjand, province center, Tabas Golshan, west of province, Ghaein north of province and Darmiyan East of the province) were selected and then from each city four Schools (two girls and two boys) and from provincial capital (Birjand) 10 schools were selected. A total of 26 schools were selected by simple random sampling and then 16 questionnaires were completed in each school. Finally, the analysis was performed on 400 questionnaires. For data analysis, multivariate regression was used. The results of multivariate regression analysis showed that 0.32 of the criterion variable changes (lifestyle) are explained by the predictor variable (social status). According to the analysis of findings, it appears that institutions that play an important role in the dissemination of public opinion, such as mass media, should work to preserve and celebrate the teachers' social base.

Key words: Teachers' Social Status (Base), Teachers' Lifestyle, Public Opinion

Table of Content

Intermediary role of social capital in relation of psychological capital with organizational socialization of employees of Islamic Azad University, Quchan Branch

Sajedi Quchani, Reza/ Esmaeili Shad, Behrang 7

A Study on the Status of Marketing Process in University Libraries of Birjand City

Salami, Maryam/ Khodabakhshi, Maryam 23

A Study on the Quality of Teaching in Higher Education System: The Need to Pay Attention to Interactive Teaching (Case Study: Undergraduate Students of Comprehensive Applied- Scientific University of Southern Khorasan)

Abdoli, Afsaneh/ Poorshafei, Hadi/ Zeynoddini Meymand, Fatemeh 47

Abu-bakr Qohestani, Statesman and Litterateur of Ghazne's Court

Azizi, Mohammad Reza/ Fanoodi, Fatemeh/ Rahimi, Seyed Mahdi 77

The Influence of the Endowment Organization on the Stability of the Qajar Era Hosseiniyehs of Birjand City, Case Study: Bibi Arous Hosseiniyeh

Faryabi, Marziyeh/ Hashemi Zarjabad, Hassan/ Shateri, Mofid/ Zarei, Ali 99

The Relation between the Perception of the Social Status of Teachers in Public Opinion and Their Lifestyle, Case study: Different educational courses for Southern Khorasan Education Organization

Moradi, Gholam Ali/ Mohammadi, Ali Asghar/ Hashemiyanfar, Seyed Ali 119



Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Akhondi, Mohammad Bagher, Ph.D, Assistant Professor of the University of Birjand.
2. Skandari Sani, Mohammad, Ph.D, Assistant Professor of The University of Birjand
3. Asghari, Bibi Aghdass, Ph.D, Assistant Professor of Islamic Azad University of Gonabad.
4. Bidokhti, Mohammad Ali, Assistant Professor of the University of Birjand.
5. Poorshafeie, Hadi, Ph.D, Associate Professor of the University of Birjand.
6. Sharbatian, Mohammad Hassan, Faculty Member of Payame Noor University of Birjand.
7. Shokuhifard, Hossein, Ph.D, Assistant Professor of the University of Birjand.
8. Tabatabaie, Samaneh Sadat, PhD, Assistant Professor of Islamic Azad University of Birjand
9. Asgari, Ali, PhD, Assistant Professor of The University of Birjand
10. Ghorbani, Kolsoom, Ph.D, Assistant Professor of The University of Birjand
11. Narmenji, Gholam Hossein, Faculty Member of Farhangian University of South Khorasan
12. Nasrollahi, Seyed Noorollah, Faculty Member of The University of Birjand
13. Noroozi, Hamed, Ph.D, Assistant Professor of The University of Birjand
14. Hashemzadeh, Mohammad Javad, Associate Professor of the University of Birjand.



In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 43

ISBN 1735-8256

Vol. 11. No. 3. Spring 2017

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Mohammadi, Hamide

Technical affairs: fekreBekr puplications.

Press: mehrang

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,
Research Society Office **Tel:** 056 32323393 **Fax:** 056 32323277

Email: info@farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ

..... ریال طی فیش شماره به حساب ۱-۴۵۱۰۶۷۱-۱۲-۳۶۱۱

بانک قرض الحسنه مهر ایران - شعبه محلاتی - به نام های احمد محبی و حامد رضایی بابت

اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره تا

..... واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

<http://Farhangekhorasan.ir>